

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



# یافته‌های علوم قرآنی

سال پنجم ❁ شماره نهم ❁ بهار و تابستان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) - افغانستان

مدیر مسئول: دکتر سید عبدالحمید ثابت

سرمدیر: دکتر سرور حسینی

دبیر تخصصی و ویراستار: زکریا فصیحی

طراح جلد و صفحه‌آرا: سید مهدی موسوی

هیئت تحریریه: احمد ذبیح افشاگر، عبدالعلی عادل، محمد کریم امیری، محمد نبی امینی، غلام حسین ناطقی،

محمد حسین اکرمی، جواد محقق

دوفصلنامه «یافته‌های علوم قرآنی»، آماده دریافت و نشر مقالات صاحب‌نظران و نویسندگان است.

محتوای مقالات، بازتاب آرای نویسندگان بوده و لزوماً بیانگر رویکرد دوفصلنامه «یافته‌های علوم قرآنی» نیست.

دوفصلنامه «یافته‌های علوم قرآنی»، پس از دریافت مقالات، برای رد، پذیرش و ویرایش آن‌ها آزاد است.

آدرس: کابل، دهبوری، چهارراهی شهید، دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، آمریت نشرات

تلفن: ۰۷۸۹۰۱۷۸۱۵

آدرس سامانه: <http://qs.miu.edu.af>

ایمیل: [qs.chiefeditor@miu.edu.af](mailto:qs.chiefeditor@miu.edu.af)

قیمت: ۱۵۰ افغانی

## شیوه‌نامه تنظیم و راهنمای ارسال مقاله علمی

### ویژگی‌های مقاله علمی

۱. مقاله علمی دارای چکیده، کلیدواژه، مقدمه، ارجاع‌دهی استاندارد، نتیجه‌گیری و منابع معتبر است.
۲. مقاله علمی باید روشمند، مستند، تحلیلی، برخوردار از ساختار منطقی دارای انسجام محتوا و قلم روان باشد.
۳. فایل مقاله در قالب «word» ارائه شود و حجم آن کمتر از ۶۵۰۰ کلمه و بیشتر از ۷۵۰۰ کلمه نباشد.
۴. افیلیشن مقاله در پاورقی صفحه اول شامل: عنوان وظیفه علمی یا مقطع تحصیلی نویسنده / نویسندگان، وابستگی سازمانی، ایمیل آدرس، باشد

### راهنمای تنظیم ساختار مقاله علمی

۱. چکیده: در چکیده باید به تبیین موضوع، بیان هدف پژوهش، روش تحقیق، سؤال اصلی تحقیق، روش گردآوری داده‌ها و بیان مهم‌ترین یافته‌های تحقیق در حجم ۲۰۰ تا ۲۵۰ کلمه نوشته شود. در چکیده باید از جملات کامل خبری با افعال سوم شخص ماضی معلوم استفاده شود. از علائم اختصاری و نقل قول مستقیم و ذکر عناوین فرعی پرهیز شود.
۲. کلیدواژه‌ها: حداقل ۴ و حداکثر ۷ واژه که با کامه از هم جدا شده باشد و در یک خط نوشته شود.
۳. مقدمه: در مقدمه به ترتیب به بیان مسئله، سؤال‌ها (و در مواردی به فرضیه)، پیشینه، ضرورت، هدف و ارائه تصویر کلی از ساختار مقاله، پرداخته شود.
۴. بدنه مقاله: باید دارای ساختار منطقی و متشکل از عناوین اصلی و فرعی [و فرعی‌تر] و برخوردار از انسجام محتوایی که در آن مدعا، استدلال، شواهد، تحلیل، استنتاج و مانند آن، آورده می‌شوند.
۵. نتیجه‌گیری: دستاوردهای تحقیق (پاسخ به سؤال‌های اصلی و فرعی و وضعیت فرضیه که اثبات یا رد شده)، به صورت مختصر، در نتیجه آورده می‌شود.
۶. ارجاع‌دهی به صورت درون‌متنی به شیوه APA، و طبق این آگلو باشد: منابع تک‌جلدی: (محسنی، ۱۳۹۰: ۵۴۶)؛ منابع چندجلدی: (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸، ۴۰۲)
۷. فهرست منابع در پایان مقاله به شیوه APA ذکر شوند. مثال: محسنی، محمد آصف، (۱۳۹۰)، زنان در افغانستان، قم: انتشارات المصطفی (س).

### ارسال و پیگیری مقاله

۱. مقاله باید از طریق سامانه نشریات به این آدرس ارسال شود: <http://qs.miu.edu.af>
۲. مراحل ارسال مقاله: ورد به سامانه نشریه، ثبت‌نام و ایجاد صفحه اختصاصی، ورود به صفحه اختصاصی با استفاده از یوزر-پسوردی که سامانه می‌دهد و اقدام به ارسال مقاله طبق راهنمایی سامانه.
۳. پیگیری مقاله: آگاهی از روند دریافت، پذیرش اولیه، داوری، ارجاع برای اصلاح، پذیرش نهایی، ویراستاری، صفحه‌آرایی، انتشار الکترونیکی، از طریق همان صفحه اختصاصی، از سوی نویسنده قابل پیگیری است.

## فهرست

- پیام ریاست نمایندگی جامعه المصطفی العالمیه در افغانستان ..... ۱
- سخن سردبیر ..... ۳
- آموزه‌های اخلاقی و تربیتی قرآن کریم و نقش آن در پیشگیری از جرائم ..... ۵  
محمدرضا مظفری | عزیز الله فصیحی
- آموزه‌های تربیتی و مدیریتی داستان حضرت یوسف<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم ..... ۲۱  
عبدالمتین فروغی | احمدذبیح افشاگر
- آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر از منظر قرآن و سنت ..... ۴۱  
اسدالله نظری | روح الله روحانی
- جستاری بر اهمیت و شرایط ادای حق الناس از منظر قرآن و روایات ..... ۶۱  
فائزه حبیبی | احمدذبیح افشاگر
- دعا از منظر قرآن و سنت ..... ۷۷  
محب الله مفلح | عبدالحق حبیبی
- بررسی مفهومی «مکر خداوند» با مؤمنان در پرتو آیات قرآن کریم ..... ۹۳  
گلنوم نوری | سید محمد عالمی



## پیام ریاست نمایندگی جامعه المصطفی العالمیه در افغانستان

به نام خداوند دانا و توانا

آموزش و پژوهش، زیربنای رشد و تعالی هر جامعه به شمار می آید. مراکز علمی و آکادمیک زمانی می توانند نقش واقعی خود را ایفا کنند که آموزش و پژوهش را در کنار یکدیگر، به عنوان دو بال پرواز به سوی پیشرفت، به طور جدی مورد توجه قرار دهند. نشریات علمی، از مهم ترین ابزارهای ارتقای ترویج و ارتقای پژوهش در محیط های علمی و دانشگاهی اند که نتایج تحقیقات و اندیشه های علمی اساتید و پژوهشگران را در دسترس جامعه علمی قرار می دهند و زمینه تبادل علمی و گسترش مرزهای دانش را فراهم می سازند.

نمایندگی جامعه المصطفی افغانستان، در راستای تحقق رسالت علمی خویش، انتشار نشریات علمی و پژوهشی را به عنوان بخشی از سیاست های کلان آموزشی-پژوهشی خود در دستور کار قرار داده است. این نهاد علمی با هدف تولید و ترویج دانش در عرصه های علوم اسلامی و انسانی، ارتقای ظرفیت های علمی - پژوهشی کدر علمی و دانشجویان، تقویت تبادل علمی میان نهادهای دانشگاهی، ضمن راه اندازی پژوهشکده، «واحد نشریات» را به عنوان یکی از فعالیت های اساسی پژوهشکده، ایجاد کرده است. بدین منظور، افزون بر تأمین زیرساخت های لازم، از جمله خرید سامانه جامع مدیریت نشریات علمی «سیناوب»، تا کنون هفده عنوان مجله علمی-تخصصی را در قالب دو فصلنامه، به صورت چاپی و الکترونیک منتشر می کند که زمینه دسترسی جامعه علمی جهانی به آثار پژوهشگران افغانستانی را نیز فراهم کرده است. قابل یادآوری است که «سیناوب» برای نظم بخشیدن و تسهیل چرخش مقاله و اطلاعات پیرامون آن در سامانه تولید نشریات علمی و دانشگاهی طراحی شده و در نقش یک منشی پیگیر و فعال، تمامی امور مربوط به فرایند انتشار نشریات علمی را انجام می دهد و این امکان را فراهم می کند که نظریات و آثار علمی نویسندگان افغانستانی در سطح جهان در دسترس علاقه مندان و اصحاب علم و اندیشه قرار بگیرد. انتظار می رود که این نشریات با استفاده از بسترهای فراهم شده، بتوانند فضایی درخور و شایسته برای ارائه دستاوردهای علمی و نشر اندیشه های نو در عرصه علوم اسلامی و انسانی فراهم کرده و باعث تقویت ظرفیت های علمی و فرهنگی افغانستان شوند.

از تمامی پژوهشگران، اساتید محترم و همکاران ارجمندی که در مسیر نشر علم و معرفت و تحقق این دستاورد علمی - پژوهشی تلاش کرده اند، مخصوصاً ریاست محترم پژوهشکده، جناب آقای دکتر محمدطاهر رفیعی و همکارانشان در واحد نشریات، صمیمانه قدردانی نموده و توفیق روزافزون همگان را در خدمت به دین و دانش در جامعه اسلامی افغانستان، از خداوند متعال خواهانم.

و من الله التوفیق

دکتر سید عبدالحمید ثابت





## سخن سردبیر

در جهان امروز که اختلافات فکری و فرهنگی میان جوامع و ملل روندی رو به رشد دارد، همگرایی و اعتدال یک نیاز مبرم اجتماعی و ضرورتی اخلاقی و فرهنگی محسوب می‌شود. قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت بشر، اصولی جاودان برای تقویت همگرایی و پایداری به اعتدال ارائه می‌دهد. از منظر قرآن، اعتدال یک اصل اساسی برای تقویت روابط اجتماعی و حفظ تعادل میان جوامع مختلف از جمله جوامع اسلامی است.

خداوند در وصف مسلمانان می‌فرماید: «وَكذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا». (بقره: ۱۴۳) این وصف امت وسط، به معنای دوری از افراط و تفریط و پایداری به اعتدال در تمام جوانب زندگی فردی، اجتماعی، عبادی و سیاسی است. قرآن مسلمانان را به پیروی از صلح و همگرایی دعوت کرده و میانه‌روی و همگرایی را از اصول ضروری در حیات اجتماعی می‌داند؛ اما این پیام‌های قرآن کریم، باید تبیین و منتشر شود تا به مخاطبان بیشتری برسد و افراد و جوامع بیشتری از این رهنمودهای ارزنده، بهره‌مند شوند.

متصدیان دو فصلنامه علمی تخصصی «یافته‌های علوم قرآنی»، افتخار دارند که برای گسترش آموزه‌ها و معارف ناب قرآنی تلاش می‌کنند و در این نشریه، پذیرای مقالات نویسندگان محترم در شماره‌های بعدی هستند. لذا ضمن سپاس از پژوهشگران و اساتید محترمی که مقالاتشان در شماره جاری چاپ شده، از همه محققان ارجمند دعوت می‌کنند که با استفاده از صفحه راهنمای تدوین و ارسال مقاله، مقالات خود را از طریق سامانه اختصاصی این نشریه، ارسال نمایند و در گسترش آموزه‌های قرآنی در جوامع مخاطب، سهم بگیرند. و من الله التوفیق



## آموزه‌های اخلاقی و تربیتی قرآن کریم و نقش آن در

### پیشگیری از جرائم

محمد رضا مظفری<sup>۱</sup> | عزیز الله فصیحی<sup>۲</sup>

#### چکیده

پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی یکی از دغدغه‌های اساسی نظام‌های حقوقی، تربیتی و دینی است. آموزه‌های اخلاقی و تربیتی قرآن کریم با تأکید بر فطرت پاک انسانی و هدایت آن به سوی تعالی، ظرفیت بالایی برای کاهش انحرافات فردی و اجتماعی دارند. این آموزه‌ها از طریق تقویت کنترل درونی، سلامت روانی، تقید به ارزش‌ها و ایجاد سبک زندگی مبتنی بر ایمان، در پیشگیری از بزه‌کاری و جرائم، نقش بسزایی ایفا می‌کنند. هدف این پژوهش، بررسی نقش آیات اخلاقی و تربیتی قرآن در پیشگیری از جرائم و تبیین راهکارهای قرآنی برای ارتقای امنیت اخلاقی در جامعه است. سؤال محوری تحقیق این است که چگونه آموزه‌های قرآنی می‌تواند در کاهش جرائم اجتماعی و بزه‌کاری مؤثر باشد؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع تفسیری، روایی و مطالعات جرم‌شناختی، به واکاوی آموزه‌های تربیتی قرآن پرداخته است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که مفاهیم بنیادینی مانند تقوا، صداقت، عفاف، عدالت ورزی، صبر و پرهیز از منکرات، در کنترل تمایلات ناهنجار و کاهش رفتارهای مجرمانه مؤثر است. همچنین فاصله گرفتن از این اصول زمینه‌ساز بروز انحرافات و فروپاشی انسجام اخلاقی و اجتماعی است. لذا پژوهش نتیجه می‌گیرد که آموزه‌های قرآنی می‌تواند مبنایی مؤثر برای برنامه‌ریزی‌های پیشگیرانه در حوزه تربیت و حقوق فراهم آورد.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، پیشگیری از جرم، اخلاق اسلامی، کنترل درونی، آسیب اجتماعی، تربیت قرآنی

۱. ماستری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده فقه و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

۲. ماستری جزا و جرم‌شناسی، استاد دانشگاه خاتم النبیین، کابل، افغانستان



## مقدمه

دین مقدس اسلام، دینی جامع و کامل است؛ به این معنا که از زمان نزول آن تا روز قیامت، پاسخگویی نیازهای فردی و اجتماعی بشر در همه ابعاد زندگی خواهد بود. تمام برنامه‌ها و اقدامات این دین الهی در راستای هدایت، رشد و تعالی انسان‌ها طراحی شده و از جمله این اقدامات، نزول کتب آسمانی، ارسال پیامبران، نصب اوصیای الهی و ارائه راهکارهای تربیتی و اخلاقی به بشر است. موضوع پیشگیری از جرائم در پرتو تبیین آموزه‌های اخلاقی و تربیتی قرآن، به این معنا است که هرگاه فردی به این آموزه‌ها عمل کرده و به آیات اخلاقی و تربیتی قرآن پایبند باشد، می‌تواند زندگی سالم، اخلاق محور و خالی از جرم و انحراف را تجربه کند. بر همین اساس، قرآن کریم موضوعاتی مانند عقاید، اخلاق و احکام را تحلیل و تبیین نموده است. هرچند که برخی آیات با رویکرد فقهی - به‌ویژه در حوزه فقه جزایی - کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ اما تحقیق حاضر تلاش دارد با نگاهی فقهی به تحلیل این آیات بپردازد. جرائم و انحرافات اجتماعی از چالش‌های جدی در هر جامعه‌ای به شمار می‌رود. از این رو ضروری است این پدیده‌ها بر اساس آیات قرآن - که تبیان هر چیزی و راهنمای روشن زندگی بشر است - مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد تا جامعه در پرتو آن، مسیر پیشگیری از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی را به‌درستی ترسیم کند. یکی از معضلات شایع در جوامع اسلامی نیز وقوع جرائم است؛ درحالی‌که مسلمانان روزانه با قرآن در ارتباطند و تلاوت آن جزء برنامه‌های عبادی‌شان است. پس این پرسش به‌درستی مطرح می‌شود که چرا با وجود چنین ارتباطی، بهره‌گیری اخلاقی و تربیتی از قرآن کمتر تحقق یافته است؟ پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از: آموزه‌های اخلاقی و تربیتی قرآن کریم چه نقشی در پیشگیری از جرائم دارد؟ پژوهش حاضر در پی پاسخ مستند و عقلانی به این پرسش است.

### ۱. مفاهیم

یکی از مباحث کاربردی برای فهم مطلب و متن یک مقاله، بحث مفهوم‌شناسی است؛ زیرا مفاهیم نقش کلیدی و اساسی در فهم مطالب دارد. بر اساس این ضرورت خوب است مفاهیم چندی را که نقش بیشتر دارد، مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

## ۱-۱. مفهوم اخلاق

اخلاق: حالتی پایدار در نفس انسان است که بر اساس آن، افعال (کارها) - چه نیک و چه بد - بدون نیاز به فکر و تأمل از او صادر می‌شود. «خُلُق» به معنای سرشت و طبع نیز آمده است. علم اخلاق، دانشی است که موضوع آن بررسی احکام ارزشی مربوط به اعمالی است که به نیکی یا بدی توصیف می‌شود. هم‌چنین اخلاقی به معنای هماهنگ با قواعد اخلاقی یا قوانین رفتاری پذیرفته‌شده در جامعه است. اخلاق به معنای ادب هم به کار رفته است؛ یعنی اخلاق نیکو و صفات پسندیده‌ای که موجب شگفتی و تحسین می‌شود (عبدالمنعم، بی تا: ۱، ۱۰۹).

اخلاق را با توجه به آثار و نمودهای رفتاری آن نیز می‌توان تعریف کرد. گاهی عملی از انسان سر می‌زند که ممکن است موقتی و ناپایدار باشد؛ اما وقتی یک رفتار - مانند بخل یا حسد یا سخاوت - به صورت مستمر از فرد دیده شود، نشان‌دهنده یک ویژگی درونی و پایدار در شخصیت او است. این ویژگی درونی را «خُلُق» یا «اخلاق» می‌نامند. ابن مسکویه خُلُق را حالتی در نفس می‌داند که انسان را بدون نیاز به تفکر، به سوی انجام عملی خاص سوق می‌دهد. بر همین اساس، اخلاق به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی صفات نیکویی که منبع رفتارهای پسندیده است و به آن‌ها «ملکات فضیله» می‌گویند و دیگری، صفات ناپسندی که منشأ اعمال بد است و به‌عنوان «ملکات رذیله» شناخته می‌شود. از این منظر، علم اخلاق دانشی است که به بررسی این صفات خوب و بد، منشأ آن‌ها و آثارشان در رفتار انسان می‌پردازد (شیرازی، ۱۳۸۴: ۲۵).

## ۱-۲. مفهوم تربیت

تربیت واژه‌ای عربی و در لغت به معانی پروراندن، آموختن و برتری بخشیدن به فرد یا چیزی به کار می‌رود. این واژه در متون مختلف، مفاهیم گوناگونی را در بر می‌گیرد؛ از جمله: ادب‌آموزی، تهذیب اخلاق، و هدایت رفتاری مطابق با هنجارهای اجتماعی. در برخی متون، «تربیت» حتی به تأمین خوراک و روزی یا رسیدگی به نیازهای جسمی و روانی اشاره دارد. در معنای خاص‌تر، تربیت بدنی به تمرینات ورزشی اطلاق می‌شود و دستگاه‌هایی که مسئولیت امور ورزشی را بر عهده دارند نیز در زمره نهادهای تربیتی قرار می‌گیرند. تربیت



روانی یا روحی به مجموعه اصولی اطلاق می‌شود که هدف آن رشد متعادل روان کودک، پیشگیری از آسیب‌های روانی، و شکوفایی استعدادهای درونی او است. فرد «با تربیت» کسی است که رفتاری پسندیده، باادب و آگاه دارد (ر. ک. دهخدا، ۱۳۹۰: ۱، ۷۲۰).

### ۳-۱. مفهوم جرم

واژه «جرم» در علم حقوق به دو معنای محدود و گسترده به کار می‌رود. در معنای محدود، جرم به هر فعل یا ترک فعلی گفته می‌شود که در قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی تعیین شده است. در این تعریف، دخالت نهادهای رسمی، محور اصلی تلقی می‌شود و برخورد آن اغلب جنبه کیفری دارد. هم‌چنین صراحت قانون در مجرمانه شناختن یک رفتار شرط لازم برای تحقق جرم است. بنابراین اگر رفتاری با وجود ناسازگاری شدید با هنجارهای اخلاقی یا اجتماعی، از سوی قانون جرم محسوب نشود، مشمول پیگرد کیفری نخواهد بود. معنای گسترده جرم، به رفتاری گفته می‌شود که با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه در تضاد باشد؛ خواه در قوانین کیفری جرم تلقی شده باشد یا نه. در این نگاه، حتی برخی کنش‌های غیراخلاقی یا انحرافی نیز جرم تلقی می‌شود، به‌ویژه اگر به انسجام اجتماعی آسیب برسانند. بر همین اساس، برخی اندیشمندان، هرگونه مخالفت با وجدان جمعی جامعه را نوعی جرم می‌دانند. به‌طور کلی، در معنای وسیع، جرم نه فقط نقض قانون، بلکه هر نوع انحراف از نظم و هنجار اجتماعی تلقی می‌شود ( خسروی، ۱۳۸۷: ۲۲)

### ۴-۱. مفهوم پیشگیری

واژه «پیشگیری» در زبان فارسی معادل «وقایه» در زبان عربی است. «وقایه» به معنای نگهداری و جلوگیری است و در فارسی، پیشگیری به مفاهیمی چون پیش‌دستی کردن، هشدار دادن و آگاه‌سازی اشاره دارد. در حوزه جرم‌شناسی، این واژه بیشتر به مفهوم پیش‌دستی در جلوگیری از وقوع جرم به کار می‌رود؛ یعنی مجموعه تدابیر و اقدامات پیشگیرانه‌ای که مسئولان برای کاهش احتمال ارتکاب جرم اتخاذ می‌کنند. از نظر اصطلاحی، پیشگیری به معنای پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر در وقوع جرم و سپس اجرای اقدامات



لازم برای کاهش یا حذف آن عوامل است. در خصوص تعریف و محدوده پیشگیری، دو دیدگاه عمده وجود دارد: دیدگاه اول، پیشگیری را شامل هرگونه اقدام علیه جرم می‌داند، حتی اگر پس از وقوع جرم انجام شود. این تعریف موسع، اقدامات پس از جرم را نیز در برمی‌گیرد. دیدگاه دوم، که مورد تأیید بیشتر جرم‌شناسان است، پیشگیری را ناظر بر اقداماتی می‌داند که پیش از وقوع جرم و با هدف جلوگیری از تحقق آن انجام می‌گیرد (عسکری و دیگران، ۱۳۹۱).

تعریف ارائه‌شده از پیشگیری نیازمند تحلیل دقیق‌تر و بررسی مفاهیم کلیدی به‌کاررفته در آن است. یکی از واژگان مهم در این تعریف، «پیش‌بینی» است. این واژه به معنای آن است که فرد آگاه یا مسئول، پیش از وقوع جرم، برداشتی کلی و ابتدایی از موقعیت‌ها و زمینه‌های جرم‌زا دارد. البته این مرحله در حد یک شناخت اجمالی و کلی باقی می‌ماند. در گام بعدی، فرایند «شناسایی» مطرح می‌شود؛ به این معنا که فرد یا نهاد مسئول، با دقت بیشتری مکان‌ها یا شرایطی را که احتمال بروز جرم در آن‌ها بیشتر است، مشخص می‌کند. این مرحله زمینه را برای اقدام مؤثر فراهم می‌سازد. پس از شناسایی و ارزیابی موقعیت‌های پرخطر، نوبت به مرحله «اقدام» می‌رسد. در این مرحله، با هدف مقابله با جرم، تدابیر و راهکارهایی طراحی و اجرا می‌شود. این اقدامات ممکن است دو هدف را دنبال کنند: اول ریشه‌کن ساختن جرم یا انحراف؛ به‌گونه‌ای که وقوع آن به‌طور کامل متوقف شود؛ دوم کاهش میزان جرم در جامعه، حتی اگر به حذف کامل آن منجر نشود. در واقع پیشگیری همواره میان حذف و کاهش جرم در نوسان است.

## ۲. انواع پیشگیری

پیشگیری از جرم را می‌توان از زوایای گوناگون دید و تقسیم‌بندی کرد. تبیین انواع پیشگیری نقش مهمی در روشن شدن موضوع تحقیق دارد. یکی از تقسیمات رایج، تقسیم پیشگیری به اجتماعی و وضعی است. این تقسیم بر پایه یک منطق مشخص صورت گرفته است: حذف یکی از اضلاع مثلث جرم، یعنی فرصت ارتکاب آن. هدف اصلی در این نوع پیشگیری، از بین بردن فرصت‌های جرم و کاهش شرایط مساعد برای ارتکاب آن توسط مجرم است تا زمینه وقوع جرم به‌طور کامل حذف شود. اینک تفصیل این تقسیم‌بندی:

## ۱-۲. پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی به این معناست که پیش از وقوع جرم، باید فرصت ارتکاب آن را از مجرم سلب کرد. هدف، کاهش یا حذف شرایطی است که امکان انجام جرم را فراهم می‌کند. برای نمونه، نصب سیستم‌های امنیتی مانند دزدگیر در وسایل نقلیه باعث می‌شود در صورت اقدام به سرقت، دستگاه فعال شده و مجرم فرصت ادامه جرم را از دست بدهد. همچنین نصب نورافکن یا چراغ‌های قوی در معابر تاریک می‌تواند مانع ارتکاب جرمی مانند سرقت یا راهزنی شود؛ زیرا فضا را برای مجرم ناامن می‌کند.

## ۲-۲. پیشگیری اجتماعی

برای تبیین دقیق پیشگیری اجتماعی، توجه به دو نکته اساسی ضروری است:

الف. افزایش آگاهی عمومی: یکی از عوامل مهم در بروز جرم، ناآگاهی افراد از قوانین و جرائم تعریف شده در نظام حقوقی است. افراد بسیاری به دلیل نداشتن آگاهی کافی، ناخواسته مرتکب جرم می‌شوند. بنابراین آموزش حقوقی و ارتقای سطح آگاهی جامعه درباره قوانین، جرائم و پیامدهای آن‌ها، نقش مؤثری در کاهش بزه‌کاری دارد. فرد زمانی می‌تواند از ارتکاب جرم خودداری کند که شناخت درست و دقیقی از جرم و آثار آن داشته باشد.

ب. تربیت صحیح افراد: تربیت درست به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان، نقش کلیدی در پیشگیری از جرم دارد. تربیت به معنای پرورش و هدایت استعدادها و درونی انسان در مسیر درست است. زمانی که فرد در مسیر صحیح رشد یابد و ارزش‌های اخلاقی را بشناسد، احتمال کج‌روی و گرایش به جرم کاهش می‌یابد (خلفی، ۱۳۸۸: ۲۰).

در مجموع، پیشگیری اجتماعی بر عوامل فرهنگی، آموزشی و تربیتی تمرکز دارد و به‌جای مقابله مستقیم با جرم، به اصلاح بسترهای اجتماعی و انسانی آن می‌پردازد.

## ۳. آیات تربیتی و پیشگیری از جرائم

با مراجعه به قرآن کریم، روشن می‌شود که یکی از اهداف اساسی این کتاب آسمانی، تربیت انسان است. خداوند در آیات مختلف، پرورش اخلاقی، فکری و رفتاری انسان‌ها را مورد تأکید قرار داده است. به‌عنوان نمونه، در برخی آیات، هدف از بعثت پیامبر اسلام (ص)





تربیت و تزکیه انسان‌ها معرفی شده است؛ چنان‌که می‌فرماید: «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲). این آیه به روشنی نشان می‌دهد که تهذیب نفس و رشد اخلاقی، از اهداف بعثت انبیا است. قرآن کریم برنامه‌ای جامع برای همه ابعاد زندگی بشر دارد؛ از مسائل اخلاقی و تربیتی گرفته تا اعتقادی، عبادی و احکام فردی و اجتماعی. در بُعد تربیتی، قرآن با تأکید بر ارزش‌هایی چون صداقت، عدالت، احترام به حقوق دیگران، کنترل نفس و پرهیز از ظلم، به صورت غیرمستقیم نقش مهمی در پیشگیری از جرائم ایفا می‌کند. بررسی این آیات نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآنی اگر در زندگی فردی و اجتماعی نهادینه شود، می‌تواند زمینه بروز بسیاری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی را از بین ببرد.

### ۱-۳. آیه دوم سوره جمعه

یکی از دیدگاه‌های رایج در مطالعات قرآنی، نگرش تربیتی به آیات الهی است. برخی از مفسران و اندیشمندان با رویکردی حداکثری، معتقدند که همه آیات قرآن جنبه تربیتی دارد و هدف اصلی آن، هدایت و پرورش انسان است. در تأیید این دیدگاه، می‌توان به آیاتی اشاره کرد که قرآن را کتاب هدایت معرفی می‌کنند؛ مانند آیه اول سوره بقره: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲) که صراحتاً قرآن را هدایت‌گر اهل تقوا می‌داند. اگر هدایت را معادل یا بخشی از فرایند تربیت بدانیم، می‌توان گفت تربیت در قالب هدایت و رساندن به مقصود، نقش محوری در قرآن دارد. علاوه بر این، قرآن کریم در آیات متعدد خود را شفا، ذکر و رحمت معرفی می‌کند که همه این تعابیر، جنبه تربیتی و اصلاحی دارد و به رشد فکری، اخلاقی و روانی انسان اشاره دارد. البته برخی منتقدان این دیدگاه، بر این باورند که نمی‌توان تمام آیات قرآن را تربیتی دانست؛ زیرا آیاتی مانند فواتح سور یا آیات صرفاً تاریخی، جنبه‌های مستقیم تربیتی ندارد. با این حال، حتی این آیات نیز می‌توانند به صورت غیرمستقیم پیام‌های اخلاقی و اعتقادی منتقل کنند.

در تأیید نگاه تربیتی قرآن، این آیه نمونه‌ای روشن است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و



حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه: ۲۹).

در این آیه، هدف بعثت پیامبر اکرم (ص) خواندن آیات الهی، تزکیه (پاک‌سازی درون) و آموزش کتاب و حکمت معرفی شده است. به‌روشنی دیده می‌شود که «تزکیه» بر «تعلیم» مقدم داشته شده و این ترتیب نشان می‌دهد که تلاوت قرآن و تأثیر روحی آن، زمینه‌ساز تربیت و اصلاح رفتار است. این آیه به بعد الهی بعثت اشاره دارد و نشان می‌دهد که نبوت، منصبی الهی و مبتنی بر لیاقت معنوی است، نه موقعیت اجتماعی یا مادی. از این رو، پیام آیه فراتر از بستر تاریخی‌اش، الگویی تربیتی برای تمام دوران‌ها ارائه می‌دهد.

### ۲\_۳. آیات تربیتی سوره حجرات

سوره مبارکه حجرات یکی از سوره‌های شاخص قرآن کریم در حوزه اخلاق و تربیت اجتماعی است که سیمای آن نشان‌دهنده اصول بنیادینی برای سامان‌دهی رفتار فردی و جمعی در جامعه اسلامی است. این سوره با تأکید بر ادب در برابر پیامبر اکرم (ص) آغاز می‌شود؛ آنجا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یرا بر خدا و رسولش و پیشی نگیرید» (حجرات: ۱). این آیه نشان‌دهنده نهایت احترام و ادب در برابر مقام نبوت و گامی مهم در تربیت دینی و الگوگیری از سیره پیامبر و ائمه معصومین (ع) محسوب می‌شود. بی‌تردید کسی که پیامبر و اهل بیت (ع) را محور زندگی خود قرار دهد، در مسیر گناه، معصیت و جرم قرار نمی‌گیرد.

از دیگر مضامین تربیتی این سوره، نهی صریح از رفتارهای ناهنجار اخلاقی مانند مسخره کردن، غیبت، لقب‌گذاری ناپسند، بدگمانی، و تجسس در زندگی دیگران است (حجرات: ۱۱-۱۲). این مفاسد اخلاقی نه تنها روابط اجتماعی را تضعیف می‌کند، بلکه بستر ارتکاب بسیاری از جرائم را نیز فراهم می‌سازد. از این جهت، سوره حجرات با تأکید بر این نواهی، نقش مهمی در پیشگیری اجتماعی از جرم ایفا می‌کند. ویژگی برجسته دیگر سوره، آن است که بیشتر خطاب‌های آن به مؤمنان و جامعه ایمانی صورت گرفته است. این شیوه خطاب، بر جایگاه والای تربیتی این سوره می‌افزاید و نشان می‌دهد که حفظ کرامت و نظم اجتماعی، نیازمند پایبندی به اخلاق دینی و هنجارهای قرآنی است.

در مجموع سوره حجرات با مضامینی چون احترام، اخلاق، اصلاح روابط اجتماعی



و پرهیز از آلودگی‌های رفتاری، یکی از جامع‌ترین منابع تربیتی قرآن برای ساختن فرد و جامعه‌ای سالم و الهی است.

#### ۴. آیات اخلاقی و پیشگیری از جرائم

قرآن کریم، کتاب هدایت و تربیت است و اصول اخلاقی و دستورات تربیتی برای رشد فردی و اجتماعی انسان ارائه شده است. آیات دوم و سوم سوره طلاق نمونه‌ای روشن از تعالیم اخلاقی قرآن است که می‌تواند در اصلاح رفتار انسان‌ها و در نتیجه، پیشگیری از جرائم نقش مهمی داشته باشد.

در آیه دوم این سوره خداوند ابتدا به مؤمنان توصیه می‌کند که در زمان پایان عده طلاق، رفتار خود را بر پایه معروف - یعنی رفتاری پسندیده، انسانی و مشروع - تنظیم کنند؛ «یا همسران خود را با خوبی نگه دارند یا با روش نیکو از آن‌ها جدا شوند. این دستور اخلاقی نشان می‌دهد که حتی در موقعیت‌هایی مانند جدایی که ممکن است زمینه درگیری، کینه‌ورزی یا انتقام‌جویی فراهم باشد، باید کرامت انسانی حفظ شود. سپس به گواهی‌گیری از دو فرد عادل دستور می‌دهد و بر ادای شهادت برای خدا تأکید می‌کند. این توصیه نیز جنبه اخلاقی و حقوقی دارد؛ زیرا وجود شاهدان عادل و ادای درست شهادت، مانع سوءاستفاده، دروغ‌گویی یا پایمال شدن حقوق طرفین می‌شود. سپس خداوند تأکید می‌کند که این دستورات، اندرزهایی است برای کسانی که ایمان واقعی به خدا و روز قیامت دارند.

بخش پایانی آیه و آیه بعدی، به پاداش اخلاق الهی، یعنی تقوا می‌پردازد و می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»؛ یعنی کسی که تقوا داشته باشد، خداوند راه نجاتی برای او قرار می‌دهد. در آیه سوم، این وعده کامل‌تر می‌شود: «خداوند از جایی که انسان گمان نمی‌برد، به او روزی می‌دهد و کسی که بر او توکل کند، خداوند کفایت امرش را خواهد کرد». این آیات، از امیدبخش‌ترین آیات قرآن است که نقش تقوا و توکل را در آرام‌سازی روانی، ایجاد اطمینان قلبی و در نهایت هدایت انسان به سوی رفتار سالم و قانون‌مند نشان می‌دهند.

دو نکته اساسی قابل استفاده از این آیات در راستای موضوع این تحقیق قابل بررسی

است:

## ۱-۴. نقش اخلاق قرآنی در پیشگیری از جرم

جرم در بسیاری از موارد، محصول ضعف اخلاقی، فشارهای روانی، بی‌عدالتی، فقر، خشم یا عدم خودکنترلی است. آیات فوق، مستقیماً به سه عنصر کلیدی در پیشگیری از جرم می‌پردازند:

تقوا: کنترل درونی انسان در برابر گناه، با درک حضور خداوند در تمام اعمال و افکار. فرد با تقوا هم از انجام جرم خودداری می‌کند و هم تلاش می‌کند که در شرایط بحرانی نیز بر پایه عقل، ادب و دین رفتار کند.

توکل: توکل به خدا، آرامش روانی ایجاد می‌کند و انسان را از اضطراب، ترس و تصمیم‌گیری‌های پرخطر بازمی‌دارد. بسیاری از جرائم ناشی از نگرانی مفرط درباره آینده یا فشارهای اقتصادی است؛ اما توکل موجب می‌شود که انسان بر راه‌حل‌های مشروع و اخلاقی تمرکز کند.

احترام به قانون و حقوق دیگران: دستور به رفتار «به معروف» در طلاق و توصیه به گواهی دادن، نظام حقوقی و اجتماعی را تقویت می‌کند و مانع نقض حقوق و وقوع تخلفات می‌شود.

## ۲-۴. آثار تربیتی آیات اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی

آیات اخلاقی قرآن کریم، نه فقط در زمینه طلاق، بلکه در همه ابعاد زندگی، الگوی تربیتی برای انسان مؤمن ترسیم می‌کند. اگر فردی به این باور برسد که با تقوا و توکل، می‌تواند مشکلات زندگی‌اش را حل کند و از راه‌هایی خارج از تصور، رزق و روزی دریافت کند، دیگر نیازی نمی‌بیند که به سمت جرم، تخلف یا سوءاستفاده از دیگران برود. علاوه بر آن، تکرار مضامین «رزق پنهانی»، «مخرج» و «کفایت الهی»، در دل انسان نور امید ایجاد می‌کند؛ امیدی که او را از یأس، پرخاشگری، انتقام، کینه و آسیب‌رسانی به دیگران دور می‌سازد.

بنابراین آیات دوم و سوم سوره طلاق نمونه‌ای آشکار از آیات اخلاقی قرآن است که نقش مهمی در تربیت انسان، کنترل درونی، تقویت مسئولیت‌پذیری فردی و در نتیجه پیشگیری از جرائم دارد. این آیات با ایجاد آرامش روانی، تقویت باورهای معنوی و هدایت رفتار، الگویی کامل برای سامان‌دهی زندگی فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد. به همین دلیل، فهم



و تدبر در چنین آیاتی می‌تواند بخشی اساسی از راهکارهای اصلاح اجتماعی و تربیت اخلاقی در جامعه باشد (ر. ک. جمعی از نویسندگان، ۱۳۵۳: ۲۴، ۲۳۶).

### ۳-۴. اطاعت از خدا راهی برای پیشگیری از جرم

یکی از آیات اخلاقی قرآن کریم برای جلوگیری از ارتکاب جرائم، این است که می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع نکنید، تا سست نشوید و قدرت و شوکت شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است» (انفال: ۴۶).

در این آیه، ابتدا اطاعت از خدا و پیامبر به‌عنوان یک اصل محوری تربیت فردی و اجتماعی مطرح شده است. انسان وقتی که با باور قلبی تسلیم اوامر الهی باشد و رسول او را اسوه کامل بداند، در رفتارهای خود به‌گونه‌ای عمل می‌کند که از مسیر هدایت خارج نشود. چنین فردی، دچار طغیان، ظلم، خیانت یا جرم نمی‌شود؛ زیرا روح او از تسلیم و بندگی شکل گرفته و خود را موظف به رعایت حدود الهی می‌داند. از سوی دیگر، نزاع و اختلاف، عامل ضعف جمعی، سستی اراده و تزلزل در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی است. قرآن کریم با نهی از جدال و درگیری بی‌ثمر، به این نکته اشاره دارد که ناهماهنگی و تنازع درونی میان افراد جامعه، زمینه‌ساز ناهنجاری، فساد و از بین رفتن امنیت اجتماعی می‌شود. این هشدار الهی، نه فقط در میدان جنگ، بلکه در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی مصداق دارد؛ از خانواده گرفته تا اداره، مدرسه و هر فضای جمعی دیگر.

در ادامه، آیه بر صبر و استقامت تأکید می‌کند و این فضیلت را از شرایط همراهی با خدا می‌داند. صبر، در تربیت اخلاقی انسان نقش اساسی دارد. انسان صبور، در برابر وسوسه‌های شیطانی، فشارهای درونی، و موقعیت‌هایی که ممکن است منجر به لغزش شود، مقاومت می‌کند. صبر یعنی حفظ خویشتن در مرز ایمان و وفاداری به ارزش‌ها، حتی زمانی که شرایط سخت و طاقت‌فرسا است. از این رو، مجموعه این دستورها یعنی اطاعت، پرهیز از نزاع و صبر، یک نظام اخلاقی کامل برای پیشگیری از انحراف و جرم را تشکیل می‌دهند. انسانی که مطیع خداوند است، اهل دعوا و تفرقه نیست و در برابر سختی‌ها صبور



می‌ماند. چنین فردی هم خود از مسیر عدالت منحرف نمی‌شود و هم به آرامش و سلامت جامعه یاری می‌رساند.

بنابراین، آیه مورد بحث یک راهبرد دقیق اخلاقی و تربیتی برای پیشگیری از انحرافات فردی و اجتماعی است که اگر در ساختار فکری جامعه نهادینه شود، بسیاری از جرائم و کج‌روی‌ها به خودی خود از میان خواهد رفت (انصاریان، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

صبر در برابر گناه و معصیت، از مسائل بسیار مهم و اساسی برای انسان است. خداوند مهربان، انبیا، ائمه طاهرين و اولیای الهی از همه انسان‌ها خواسته‌اند تا برای حفظ سلامت و سعادت دنیوی و آخرتی خود، از هرگونه گناه دوری کنند و نگذارند پاکی فطرت، روح، نفس و باطن و ظاهرشان آلوده شود؛ زیرا هر آلودگی حجابی میان انسان و رحمت، فضل و احسان خداوند خواهد بود. امام زین‌العابدین<sup>(ع)</sup>، در یکی از دعاهای شریف خود، حقیقت گناه را با بصیرت و علمی لدنی خود، چنین تبیین می‌کند که اگر گناهکاران به این نگرش عمیق ایمان آورند، از گناه دست خواهند کشید و پاک‌دامنان نیز مراقبت بیشتری خواهند داشت تا آلوده نشوند. ایشان سه پیامد تلخ گناه را بیان می‌کند که تجربه تاریخی گناهکاران نیز آن را تأیید می‌کند.

امام<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «إِلَهِي الْبَسْتَنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِي وَ جَلَلَنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ لِيَأْسَ مَسْكَنَتِي، وَ أَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جِنَايَتِي، فَأَحْيِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ؛ خدایا! گناهان، لباس ذلت و خواری بر من پوشانده و دوری از تو، پوشش بی‌خانمانی و بی‌پناهی من شده است و بزرگی گناهان قلبم را به وادی مرگ کشانده است. پس آن را با توبه‌ای به سوی خودت، احیا کن» (مجلسی، ۱۴۲۳: ۴۰۶). گناه ارزش واقعی انسان را نزد خداوند می‌زداید؛ زیرا انسان، مخلوقی با جایگاهی والا نزد خدا است. گناه این جایگاه رفیع را می‌شکند و انسان را به موجودی پست‌تر از حیوان تبدیل می‌کند. بنابراین پیشوایان دین بارها تأکید کرده‌اند که از گناه دوری کنید؛ زیرا تعالیم دین اسلام، راهی برای رسیدن به پاکی و سعادت حقیقی است.

## ۵. فضائل اخلاقی در سوره فرقان و پیشگیری از جرم

سوره فرقان از جمله سوره‌هایی است که به بررسی ویژگی‌های اخلاقی و فضائل فردی بندگان صالح می‌پردازد. یکی از آیات مهم این سوره، این آیه است: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ



يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُونًَا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ بندگان خدای رحمان، کسانی هستند که با تواضع و فروتنی بر زمین گام برمی دارند و زمانی که جاهلان با آنان سخن می‌گویند، پاسخشان سلام و بردباری است» (فرقان: ۶۳). مفسران اهل سنت و تشیع بر اهمیت این تواضع تأکید کرده‌اند و آن را شاخص برجسته بندگان واقعی خدا دانسته‌اند. تواضع و فروتنی در این آیه به رفتار فردی اشاره دارد؛ یعنی بندگان خدا هنگام راه رفتن بر زمین با آرامش و وقار، بدون تکبر و غرور، ظاهر می‌شوند؛ اما مفسران تأکید دارند که این تواضع نباید صرفاً ظاهری و فیزیکی باشد، بلکه باید ریشه در دل و روح انسان داشته باشد و منشأ آن شناخت عمیق نسبت به خداوند و احترام به دیگران باشد. فضیلت اخلاقی تواضع زمانی کامل می‌شود که فرد به آن تعهد قلبی داشته باشد و آن را از ته دل بپذیرد. در این حالت، تواضع نه تنها خضوع و خشوع را در برابر خداوند نشان می‌دهد، بلکه روابط اجتماعی فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب تقویت پیوندهای انسانی و معنوی می‌گردد. بدین ترتیب بندگان خدا با این ویژگی به‌عنوان الگوهای اخلاقی جامعه شناخته می‌شوند و رفتارهایشان زمینه‌ساز فضای اخلاقی سالم در اجتماع است. «هون به معنای تذلل و تواضع است. بنابراین، به نظر می‌رسد مقصود از راه رفتن در زمین، نیز کنایه از زندگی در بین مردم و معاشرتشان با آنان باشد. پس مؤمنین هم نسبت به خدای تعالی تواضع و تذلل دارند و هم نسبت به مردم چنینند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵، ۳۳۱).

مفسران در اینجا بر اهمیت حلم و بردباری تأکید کرده‌اند و این ویژگی را به‌عنوان یکی دیگر از فضایل اخلاقی مؤمنان معرفی کرده‌اند. رفتار اجتماعی درست را به‌ویژه در مواجهه با افراد نادان و جاهل توصیه می‌کند و به انسان‌ها دستور می‌دهد که با این‌گونه افراد مدارا کنند. چنین رفتاری خود دارای نتایج مهم ذیل است که برای پیشگیری از جرم، مفید است: اولاً اگر به جاهلان با خشونت و برخورد تند پاسخ داده شود، لجاجت آن‌ها شدت می‌یابد و در رفتار سرسختانه‌شان راسخ‌تر می‌شوند که این موضوع در نهایت موجب بروز مشکلات و تعارضات اجتماعی می‌شود. بنابراین آیه به شکل ضمنی و التزامی درصدد پیشگیری از بروز جرائم اجتماعی است؛ زیرا برخورد نامناسب با افراد جاهل می‌تواند آن‌ها را به‌سوی انحرافات اجتماعی و حتی ارتکاب جرم سوق دهد.



ثانیاً اگر انسان با جاهلان درگیر شود و از آرامش و کرامت خود خارج گردد، مقام و ارزش انسانی خود را کاهش می‌دهد. قرآن کریم همواره بر حفظ کرامت انسانی تأکید دارد و انسان را به‌عنوان خلیفه خدا بر زمین معرفی می‌کند. بنابراین شایسته نیست کسی که چنین مقام والایی دارد، دچار لغزش و انحراف شود. در واقع، آموزه‌های قرآن به انسان توصیه می‌کند که به فطرت پاک خود بازگردد و با این بازگشت از گناه و انحراف پرهیز نماید (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵، ۳۳۱)

در سیره پیامبر اکرم (ص) نیز نمونه‌های برجسته‌ای از همین اخلاق و تربیت دیده می‌شود. برای مثال، زمانی که جوانی درخواست انجام عمل منفی عفت با زنان و دختران مسلمان را مطرح کرد، اطرافیان پیامبر عصبانی شده و قصد داشتند با وی برخورد کنند؛ اما پیامبر با نرمی و مهربانی با او سخن گفت و او را از گناه بازداشت و دعا کرد: «اللهم اهد قلبه و حصن فرجه»؛ یعنی خدایا قلبش را هدایت فرما و او را از خطرات شهوت پرستی حفظ کن. این داستان نشان می‌دهد که هدف آیات و تعلیمات الهی، ساختار دادن به جامعه و پیشگیری از انحرافات و جرائم است (سبحانی، ۱۳۹۰: ۲۲۱). این آموزه‌های اخلاقی و تربیتی که در سوره فرقان آمده است، هم به رشد فردی می‌پردازد و هم نقش مهمی در پیشگیری از جرائم اجتماعی و ایجاد فضای سالم و معنوی در جامعه ایفا می‌کند. فضائل اخلاقی فردی در سوره فرقان شامل تواضع و فروتنی، بردباری و حلم، عبادت خالصانه و تقوا است که همه این ویژگی‌ها زمینه‌ساز زندگی سالم و برخوردار از سلامت معنوی و اجتماعی است و از بروز جرائم و انحرافات جلوگیری می‌کند.

### نتیجه‌گیری

قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت و قانون الهی، توانمندی بی‌نظیری در ارائه برنامه‌های تربیتی و اخلاقی دارد که می‌تواند انسان را از لغزش‌ها، گناهان و جرائم مصون نگه دارد. عمل به دستورات این کتاب آسمانی، زمینه‌ساز رشد معنوی و اخلاقی فردی است و موجب تحکیم پایه‌های زندگی سالم و پایدار می‌شود. آموزه‌های قرآن در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی نقش مؤثری ایفا کرده و اخلاق نیکو و رفتار صحیح را به‌عنوان ستون‌های اصلی



ساختار جامعه معرفی می‌کنند.

با وجود گنجینه عظیم آیات تربیتی و اخلاقی در قرآن، متأسفانه در عرصه علمی و حقوقی، به‌ویژه در حوزه پیشگیری از جرم، بهره‌برداری مستقیم و تخصصی از این آموزه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. آیات بسیاری، ضمن تبیین عواقب گناه و اثرات مخرب آن بر فرد و جامعه، به‌صورت غیرمستقیم به مسائل حقوقی اشاره کرده‌اند که با توسعه علوم جزا و جرم‌شناسی، می‌توان این مفاهیم را بیشتر بسط داد و تحلیل کرد. از سوی دیگر، توجه به پیشگیری از جرم پیش از وقوع آن، مسئله‌ای کلیدی است که در قرآن نیز به‌طور ویژه مورد تأکید قرار گرفته و می‌تواند راهگشای بسیاری از آسیب‌های اجتماعی باشد.

نکته قابل تأکید این‌که اهمیت روابط فردی و اجتماعی، در سوره فرقان به‌عنوان نماد فضایل اخلاقی، بارها مطرح شده است. رعایت این اصول اخلاقی در تعاملات روزمره، کیفیت زندگی فردی و جمعی را بهبود می‌بخشد و مانع بروز مشکلات و جرائم می‌شود. بنابراین بهره‌گیری گسترده‌تر و عمیق‌تر از آموزه‌های اخلاقی قرآن در تمامی سطوح جامعه، به‌ویژه در زمینه پیشگیری و کاهش جرائم، نه‌تنها امکان‌پذیر است، بلکه ضروری و حیاتی به نظر می‌رسد.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. انصاریان، حسین، (۱۳۸۹)، صبر از دیدگاه اسلام، قم: دارالعرفان.
۲. جمعی از نویسندگان تحت نظر حضرت آیت الله مکارم شیرازی، (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳. خسروی، محمدحسن، (۱۳۸۷)، راهکارهای کنترل جرم از نگاه امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، قم: انتشارات نورالسجاده.
۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۹۰)، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. سبحانی، جعفر، (۱۳۹۰)، سیمای انسان کامل در قرآن، قم: مؤسسه امام صادق<sup>(ع)</sup>.
۶. شیرازی، ناصر مکارم، (۱۳۸۴)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup>.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، (ترجمه: سید محمد باقر حسینی همدانی)، قم: دفتر نشر اسلامی.
۸. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن، (بدون تاریخ)، معجم المصطلحات الفقهية، القاهرة: دارالفضيلة.
۹. عسکری، یدالله و دیگران، (۱۳۹۱)، مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، تهران: نشر میزان.
۱۰. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۲۳ ق)، زاد المعاد، بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
۱۱. مسلم، خلفی، (۱۳۸۸)، مبانی حقوقی پیشگیری از جرم، قم: نورالسجاده.



## آموزه‌های تربیتی و مدیریتی داستان حضرت یوسف (ع)

### در قرآن کریم

عبدالمتین فروغی<sup>۱</sup> | احمد ذبیح افشاگر<sup>۲</sup>

#### چکیده

داستان حضرت یوسف در قرآن، یکی از برجسته‌ترین روایت‌های دینی است که افزون بر بُعد تاریخی و اعتقادی، آموزه‌های تربیتی و اخلاقی فراوانی را در خود جای داده است. پرسش اصلی این است که آموزه‌های تربیتی داستان حضرت یوسف در قرآن چه مؤلفه‌های تربیتی و مدیریتی را شامل می‌شود؟ هدف تحقیق، استخراج و تحلیل مؤلفه‌های تربیتی - مدیریتی و بررسی ظرفیت‌های این داستان برای الگوگیری در زندگی فردی و اجتماعی مخاطب معاصر قرآن کریم است. روش تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده و تحقیق بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای تنظیم شده است. بررسی روایت‌های قرآن نشان می‌دهد که ماجراهایی چون تعبیر خواب، زندان و آزادی یوسف، بستری برای بازشناسی مؤلفه‌های تربیتی فراهم می‌سازد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که عناصری همچون صبر، استقامت، ایمان، بخشش، علم و انصاف، به عنوان ارکان اساسی تربیت و رمز موفقیت فردی و اجتماعی مطرح هستند. این نتایج نشان می‌دهد که داستان حضرت یوسف، ظرفیت بالایی برای بازتولید الگوهای تربیتی در بسترهای معاصر برای مخاطبان قرآن کریم دارد.

**کلیدواژه‌ها:** الگوی تربیتی، الگوی مدیریتی، پیامبران الهی، تربیت، قرآن کریم، حضرت یوسف

۱. ماستری تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، افغانستان، کابل (نویسنده مسئول)

۲. دکتری قرآن و علوم گرایش علوم تربیتی، کدر علمی جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، افغانستان، کابل

ایمیل: d.ahmadzabih@gmail.com

مطالعه مؤلفه‌های ارزشمند قرآن کریم، انسان را با نکات عمیق و حکمت‌آمیزی مواجه می‌سازد که راهگشای مسیر زندگی فردی و اجتماعی بشر است. داستان‌هایی که در این کتاب آسمانی نقل شده‌اند، فراتر از روایت‌های صرفاً تاریخی یا اسطوره‌ای، حامل مفاهیم اخلاقی، تربیتی و معنوی ژرفی‌اند. همین امر سبب می‌شود که این داستان‌ها نه صرفاً برای عبرت‌گیری، بلکه برای ساختن الگوی تربیتی و اصلاح رفتاری مورد توجه قرار گیرند. اگر پیام‌های معنوی این داستان‌ها نادیده گرفته شوند، تفاوتی میان متون وحیانی با اسطوره‌های صرف باقی نمی‌ماند. بنابراین درک صحیح از هدف روایت‌های قرآن کریم، ما را به سوی بهره‌برداری تربیتی و اخلاقی از آن‌ها هدایت می‌کند.

در این میان، داستان حضرت یوسف جایگاه ویژه‌ای دارد. این داستان که در قرآن کریم در قالب سوره‌ای مستقل و مفصل نقل شده، یکی از زیباترین و آموزنده‌ترین داستان‌های دینی است. روایت زندگی آن حضرت با وجود چالش‌ها و بحران‌هایی همچون حسادت برادران، تبعید، اسارت، زندان، وسوسه‌ها و در نهایت رسیدن به عزت و حکمرانی، الگویی کامل از رشد شخصیتی و موفقیت اخلاقی و اجتماعی را ارائه می‌دهد. مفاهیمی چون صبر، صداقت، پرهیزگاری، عفت، توکل، تدبیر، بخشش و مدیریت بحران در سرتاسر این داستان جریان دارد و آن را به یک منبع تربیتی غنی تبدیل کرده است.

پژوهش حاضر در تلاش است که آموزه‌های تربیتی و اخلاقی این داستان را از منظر قرآن کریم بررسی نماید. هدف از این تحقیق، استخراج و تحلیل نکات تربیتی نهفته در روایت قرآنی از زندگی یوسف پیامبر است تا روشن شود که این داستان چگونه می‌تواند به‌عنوان الگویی کاربردی برای تربیت فردی و اصلاح اجتماعی مورد استفاده قرار بگیرد. سؤال اصلی تحقیق چنین است: آموزه‌های تربیتی داستان حضرت یوسف در قرآن چه مؤلفه‌های تربیتی و مدیریتی را شامل می‌شود؟ فرضیه‌هایی که این تحقیق بر پایه آن‌ها استوار شده شامل این موارد است: (۱) داستان حضرت یوسف دارای آموزه‌های تربیتی مؤثری است؛ (۲) آن حضرت دارای ویژگی‌ها و صفاتی خاص و الگودهی است؛ (۳) تحلیل این داستان می‌تواند در تربیت نسل امروز مسلمانان نقش مهمی داشته باشد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است.



## ۱. مفاهیم

مفاهیم، در حقیقت، دریچه ورود به مسائل اصلی و اساسی در هر تحقیق به شمار می‌روند. پیش از پرداختن به تحلیل‌ها و مباحث محوری، لازم است مفاهیم کلیدی به صورت دقیق و روشن تعریف و تبیین شوند.

### ۱-۱. تربیت

واژه تربیت از ریشه «رَبُو» و از باب تفعیل است. لغت‌شناسان، ریشه آن را به معنای زیادت دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۸، ۲۸۴). برخی نیز آن را از «رَبَب» می‌دانند که یکی از «باء»های آن به «یاء» تبدیل شده و معنای تدریجی بودن در دل واژه تربیت نهفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق). گوهر معنایی تربیت، زیاد و متورم شدن شیء در درون خودش به منظور کسب فضل و افزایش است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴، ۳۵).

درباره تعریف اصطلاحی تربیت، سخن بسیار است. از جمله گفته‌اند تربیت از نظر ارسطو به معنای مجموعه‌ای از اعمال است که به وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد انجام می‌شود. از نظر فارابی، تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله، به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت (گروه نویسندگان، ۱۳۸۵).

### ۱-۲. قرآن

وهبة بن مصطفی الزحیلی درباره قرآن می‌نویسد: «قرآن کریم، کتابی مبین و روشنگر است که احکام حلال و حرام، حدود، شرایع، اخلاق و سایر تعالیم الهی را به روشنی بیان می‌کند تا برای جهانیان هدایت و برای همه انسان‌ها مایه برکت و خیر باشد. بنابراین قرآن معجزه‌ای است برای حضرت محمد صلی الله علیه و سلم که هیچ‌یک از انسان‌ها توان مقابله و همتایی با آن را ندارند... قرآن بیان‌کننده روشنی از حقایق، و متضمن «أحسن القصص» است؛ یعنی بهترین داستان‌ها، مستحکم‌ترین اخبار و جامع‌ترین آثار و تاریخ امت‌های گذشته را در بردارد. منظور از «أحسن القصص» آن است که قرآن با شیوه‌ای بدیع، ساختار شگفت‌انگیز و الفاظی فصیح که به مرتبه اعجاز می‌رسند، این داستان‌ها را روایت کرده است» (الزحیلی، ۱۴۱۸: ۱۲، ۲۰۲).



## ۲. سیمای حضرت یوسف در قرآن

سیمای حضرت یوسف در قرآن کریم در سوره‌ای مستقل بیان شده است. این سوره مکی بوده و ۱۱۱ آیه دارد. سیمای آن حضرت در خلال داستانی زیبا و دل‌نشین ترسیم می‌شود که نشان‌دهنده جایگاه برجسته و شخصیت ممتاز ایشان است. داستان حضرت یوسف در قرآن با عنوان «أحسن القصص» یاد شده است؛ زیرا این روایت در میان تمامی قصه‌ها، سرشار از عبرت‌ها و حکمت‌ها بوده و مباحثی همچون توحید و فقه، تعبیر رؤیا، سیاست و معاشرت، تدبیر معیشت و نکات گوناگون زیبایی را در بردارد که هم برای اصلاح دین و هم سامان‌دهی دنیای انسان‌ها سودمند است (الزحیلی، ۱۴۱۸: ۱۲، ۲۰۲). این سوره، در مقام بیان «أحسن القصص»، به‌گونه‌ای است که هر آیه آن حامل نکات اخلاقی، عاطفی، معنوی، اجتماعی و اقتصادی گوناگون است. به‌عنوان نمونه، آیاتی از این سوره شریف بیانگر آموزه‌های تربیتی فراوانی است که از هر یک می‌توان برداشت‌ها و استنباط‌های تربیتی ارزشمندی به دست آورد.

## ۳. مروری بر نکات تربیتی داستان حضرت یوسف در قرآن کریم

داستان حضرت یوسف که با بیانی شیوا و ساختاری منسجم آمده، یکی از غنی‌ترین منابع تربیتی در قرآن کریم به شمار می‌رود. این داستان، سرشار از آموزه‌های اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و معنوی است که هر یک از آیات آن دریچه‌ای به سوی بینش، بصیرت و هدایت می‌گشاید. بررسی نکات تربیتی این سوره، الگویی کاربردی برای زندگی فردی و اجتماعی انسان معاصر ارائه می‌دهد که در ادامه این نکات تبیین می‌شود:

### ۱-۳. نکات تربیتی آیه چهارم

«إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ؛ یاد کن (ای محمد!) زمانی را که یوسف<sup>(ع)</sup> به پدرش گفت: ای پدر من! (در خواب) دیدم یازده ستاره، با خورشید و ماه، برای من سجده می‌کردند» (یوسف: ۴).

نکات تربیتی و معرفتی ذیل از این آیه قابل استنباط است:

- پدر و مادر، برای حل مشکلات و مسائل فرزندان، بهترین مرجع هستند.



- والدین باید به خواب‌های فرزندان خود توجه کنند شاید منبع خیری باشد.
- گاهی رؤیا و خواب دیدن، یکی از راه‌های دریافت حقایق الهی و معانی بلند است.
- گاه در نوجوان، استعدادی نهفته است که حتی بزرگ‌ترها را به تواضع وادار می‌کند.
- تکرار دوباره «رَأَيْتُ» بیانگر آن است که یوسف، خواب خود را خیالی و بی‌ارزش نمی‌دانسته است.
- از ابتدا، حضرت یوسف تعبیر خواب را نمی‌دانسته و از پدرش درخواست راهنمایی کرده است.

### ۲-۳. نکات تربیتی آیه پنجم

«قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ یعقوب<sup>(۲)</sup> فرمود: «ای پسرک من! خوابت را برای برادرانت بازگو مکن که برایت نیرنگی خواهند اندیشید؛ زیرا شیطان برای انسان، دشمنی آشکار است» (یوسف: ۵).

نکات ذیل از این آیه قابل استفاده است:

- والدین باید روحیات فرزندان را نسبت به یکدیگر بشناسند تا بتوانند رفتار آن‌ها را به‌درستی مدیریت کنند.
- در پیش‌بینی‌های صحیح نسبت به مسائل مهم، گاهی ابراز سوءظن یا پرده‌برداری از برخی خصلت‌ها، مانعی ندارد.
- دانسته‌ها و اطلاعات باید طبقه‌بندی شوند و محرمانه از غیرمحرمانه تفکیک گردد.
- هر حرفی را نباید با هر کسی در میان گذاشت.
- باید تلاش کرد تا زمینه‌های بروز حسادت در خانواده ایجاد نشود یا شعله‌ور نگردد.
- کید و حيله‌گری انسان، رفتاری شیطانی است.
- حتی در خانواده انبیا نیز مسائلی اخلاقی مانند حسد و حيله مطرح بوده است.
- شیطان از ابزارهای درونی ما، مانند حسادت، برای تسلط بر انسان بهره می‌برد (ر.ک. قرآنی، ۱۳۸۳: ۶، ۲۹-۳۰).

### ۳-۳. نکات تربیتی آیه ششم

«وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ واین چنین، پروردگارت

تو را برمی‌گزیند و از تعبیر خواب‌ها به تو می‌آموزد و نعمتش را بر تو و خاندان یعقوب تمام می‌کند؛ همان‌گونه که پیش‌تر بر پدرانت، ابراهیم و اسحاق، تمام کرد. بی‌گمان، پروردگار تو دانای حکیم است» (یوسف: ۶)

نکات تربیتی ذیل از این آیه قابل استنباط و استفاده است:

- اولیای خدا از یک خواب، می‌توانند آینده افراد را ببینند.
- انبیا، شاگردان بلاواسطه خداوندند.
- مقام حکومت و نبوت، از برترین نعمت‌های الهی است.
- انتخاب پیامبران، بر اساس علم و حکمت الهی انجام می‌شود.
- علم، نخستین هدیه الهی به برگزیدگان خود است.
- علاوه بر لیاقت فردی، اصل و نسب نیز در گزینش الهی نقش دارد.
- در فرهنگ قرآن، نیاکان (اجداد)، در حکم پدر هستند.

### ۳-۴. نکات تربیتی آیه هفتم

«لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلسَّائِلِينَ؛ به راستی در (سرگذشت) یوسف و برادرانش برای پرسندگان، عبرت‌ها است» (یوسف: ۷).

نکات تربیتی و معرفتی ذیل از این آیه قابل استنباط است:

- قبل از بیان داستان، شنونده را برای شنیدن و عبرت گرفتن آماده کنید.
- تا تشنه شنیدن و عاشق آموختن نباشیم، از درس‌های قرآن استفاده کامل نمی‌بریم.
- داستان‌های قرآن، سؤالات زندگی مردم را پاسخ می‌دهد.

### ۳-۵. نکات تربیتی آیه هشتم

«إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ یاد کن، ای رسول خدا! آن زمانی را که برادران یوسف<sup>(ع)</sup> گفتند: «یوسف و برادرش (بنیامین) نزد پدرمان از ما دوست‌داشتنی‌ترند، درحالی‌که ما گروهی نیرومند هستیم! قطعاً پدر ما در گمراهی آشکاری است» (یوسف: ۸).

نکات تربیتی ذیل از این آیه قابل استفاده است:

- اگر فرزندان احساس تبعیض کنند، آتش حسادت در میان آن‌ها شعله‌ور می‌شود.





- تفاوت گذاشتن میان فرزندان، عشق و محبت آنان را نسبت به پدر کم‌رنگ می‌کند.
- زور و قدرت، جایگزین محبت و عشق نمی‌شود.
- حسادت می‌تواند مرزهای پدری و پیامبری را بشکند؛ به‌گونه‌ای که فرزندان، پدر پیامبر خود را متهم به انحراف و بی‌عدالتی می‌کنند.
- علاقه به محبوب شدن، در سرشت هر انسان وجود دارد؛ طبیعت انسان از کم‌توجهی و بی‌مهری رنج می‌برد.

### ۳-۶. نکات تربیتی آیه نهم

- «اَقْتُلُوا يُوسُفَ اَوْ اَطْرَحُوْهُ اَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهٌ اَيْبِكُمْ وَ تَكُونُوْنَ اَمِنٌ بَعْدِهٖ قَوْمًا صَالِحِيْنَ» (یکی گفت) یوسف را بکشید؛ یا او را به سرزمینی بیندازید؛ تا توجه پدرتان، معطوف شما گردد و پس از او مردمی شایسته باشید» (یوسف: ۹).
- نکات ذیل از این آیه قابل استفاده است:
- فکر خطرناک، انسان را به کار خطرناک می‌کشاند.
  - حسادت، انسان را تا برادرکشی سوق می‌دهد.
  - شیطان راه محبوب شدن را برادرکشی ترسیم می‌کند.
  - حسود خیال می‌کند با نابود کردن دیگران، نعمت‌ها به او داده می‌شود.
  - شیطان با وعده توبه در آینده، راه گناه امروز را باز می‌کند.
  - علم و آگاهی، همیشه عامل دوری از انحراف نیست (قرآنی، ۱۳۸۳: ۶، ۳۷-۳۸).

### ۳-۷. نکات تربیتی آیه دهم

- «قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوْا يُوسُفَ وَالْقَوْهٖ فِيْ غِيَابِهٖ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهٗ بَعْضُ السَّيَّارَةِ اِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِيْنَ» یکی از آن‌ها گفت: یوسف را نکشید و اگر می‌خواهید کاری کنید، او را در نهانگاه چاه بیفکنید، تا بعضی از قافله‌ها او را بگیرند (و با خود به مکان دوری ببرند)» (یوسف: ۱۰).
- نکات ذیل از این آیه قابل استفاده است:
- در میان گروهی که قصد جنایت دارند، می‌توان صدایی برای کاهش خشونت بلند کرد؛ این نشان می‌دهد که حتی در شرایط بحرانی، دعوت به کم‌کردن شر و جلوگیری از بدترین رفتار، ارزشمند و مؤثر است.



- تفاوت مراتب شرّ و انتخاب آسیب کمتر: پیشنهاد انداختن یوسف در چاه به جای کشتن او، بیانگر آن است که گاهی در میان بدی‌ها، انتخاب کم‌زیان‌تر می‌تواند بخشی از بحران را مدیریت کند.

- نقش خیرخواهی نسبی در اصلاح امور: سخن این برادر یوسف نشان می‌دهد که گاهی حتی نیت کامل خیر وجود ندارد، اما یک اقدام نسبی و تعدیل‌کننده می‌تواند مانع وقوع فاجعه بزرگ‌تر شود.

- امید به نجات الهی از سختی‌ها: هرچند یوسف به چاه افکنده شد؛ اما زمینه‌ای فراهم شد تا کاروانیان او را بیابند. این نشان می‌دهد که در پسِ سختی‌ها، راه‌های نجات و تقدیر الهی می‌تواند گشوده شود.

### ۸-۳. نکات تربیتی آیه یازدهم

«قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ» گفتند: ای پدر! تو را چه شده است که ما را بر یوسف، امین نمی‌دانی؟ در حالی که ما خیر خواه او هستیم» (یوسف: ۱۱).

نکات را می‌توان از این آیه به دست آورد:

- حتی به هر برادری نمی‌توان اطمینان کرد.

- فریب هر شعاری را نخورید و از اسم‌های بی‌مسمی بپرهیزید.

- دشمن برای برطرف کردن سوءظن، هرگونه اطمینانی به شما می‌دهد.

- خائن تقصیر را به عهده دیگران می‌اندازد.

- از روز اول، بشر به اسم خیرخواهی فریب خورده است. شیطان نیز برای اغفال آدم و حوا گفت من خیر خواه شما هستم.

### ۹-۳. نکات تربیتی آیه دوازدهم

«أُزِيلُهُ مَعَنَّا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» فردا او را با ما بفرست تا (در چمن) بگردد و بازی کند و ما به خوبی نگهبان او خواهیم بود» (یوسف: ۱۲).

نکات ذیل از این آیه قابل استفاده است:

- تفریح فرزند باید با اجازه پدر باشد.

- ورزش و تفریح یکی از دام‌های شیطان و وسیله اغفال بوده و هست؛ چنانکه امروز نیز



ابزار تبلیغات و سیاست‌های اقتصادی و سلطه‌گری است.

- برادران از وسیله‌ای مباح و منطقی برای فریب دادن سوء استفاده کردند.

### ۱۰-۳. نکات تربیتی آیه سیزدهم

«قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّبُّ وَأَنْتُمْ عَنْهَ غَافِلُونَ؛ گفت: اینکه او را ببرید؛ سخت مرا اندوهگین می‌کند و می‌ترسم، از او غافل شوید و گرگ او را بخورد» (یوسف: ۱۳).

نکات ذیل از این آیه استفاده می‌شود:

- پدر از حسادت فرزندان آگاه بود، ولی در اینجا سخن از حسادت آنان نمی‌گوید، بلکه گرگ و غفلت آنان را بهانه می‌آورد و پرده‌داری نمی‌کند.
- تعهد و سوز داشتن نسبت به فرزند، یکی از خصلت‌های پیامبران است.
- به فرزند خود استقلال بدهید.
- به دروغگو، تلقین نکنید. (موضوع گرگ به ذهن برادران یوسف نرسیده بود و پدر با القای این فکر، آنان را به سمت این ادعا سوق داد).

### ۱۱-۳. نکات تربیتی آیه چهاردهم

«قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّبُّ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَاسِرُونَ؛ (برادران یوسف) گفتند: اگر یوسف را گرگ بخورد با وجودی که ما گروهی نیرومند و قوی هستیم. پس قطعاً ما (مردمی) بی‌ارزش خواهیم بود» (یوسف: ۱۴).

نکات تربیتی ذیل از این آیه قابل استفاده است:

- گاهی که جوانان به قدرت خود مغرورند و خطرا شوخی می‌گیرند، بزرگ‌ها از روی تجربه و آگاهی احساس خطر می‌کنند.
- اگر کسی مسئولیتی را به دوش گرفت، ولی به انجام آن کوتاهی کند، بدون شک زیانکار و سرمایه، شخصیت، آبرو و وجدان خود را در معرض خطر قرار داده است.

### ۱۲-۳. نکات تربیتی آیه پانزدهم

«فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْتَمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابِهِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ؛ پس وقتی او را بردند و هم داستان شدند تا او را در چاه بگذارند؛ (چنین کردند)

و به او وحی کردیم که قطعاً آنان را از این کارشان، درحالی که نمی‌دانند، با خبر خواهی کرد» (یوسف: ۱۵).

نکات ذیل از این آیه قابل استفاده است.

- بهترین وسیله آرامش برای یوسف در دل چاه، الهام خدا نسبت به آینده روشن و نجات است.  
 - اتفاق نظر و اجتماع مخالفان، همه جا کارساز و نشانه حقانیت نیست، بلکه قانون خداوند نشانه حق است.

- امداد الهی در لحظه‌های حساس به سراغ اولیای خدا می‌آید.

- یوسف در نوجوانی، شایستگی دریافت وحی الهی را دارا بود.

### ۱۳-۳. نکات تربیتی آیه شانزدهم

«وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ؛ و شامگاهان گریان نزد پدر خود (باز) آمدند» (یوسف: ۱۶).

نکات ذیل از این آیه استفاده می‌شود:

- گریه همیشه نشانه صداقت نیست، به هر گریه‌ای اطمینان نکنید.

- توطئه‌گران از نقش احساسات و زمان غفلت نمی‌کنند.

### ۱۴-۳. نکات تربیتی آیه هفدهم

«قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَ تَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّبُّ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ؛ گفتند: ای پدر! ما رفتیم مسابقه دهیم و یوسف را پیش کالای خود نهادیم؛ آنگاه گرگ او را خورد، ولی تو ما را هر چند راستگو باشیم، باور نمی‌داری» (یوسف: ۱۷).

نکات ذیل از این آیه استفاده می‌شود:

- خائن ترسو است و دروغگو از افشا شدن می‌ترسد.

- مسابقه دادن، در میان پیروان ادیان سابق نیز بوده است.

### ۱۵-۳. نکات تربیتی آیه هجدهم

«وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ؛ و پیراهنش را آغشته به خونی دروغین آوردند. یعقوب<sup>(ع)</sup> فرمود: (نه) بلکه نفس شما، شما را به این کار (بد) آراسته ساخته. پس صبری جمیل و نیکو (برای من بهتر

است). الله متعال کمک کننده است بر آنچه شما توصیف می‌کنید» (یوسف: ۱۸).



نکات ذیل از این آیه استفاده می‌شود:

- مراقب جو سازی‌ها باید بود و فریب مظلوم‌نمایی‌ها را نباید خورد؛ چنانکه یعقوب فریب پیراهن خون آلود و اشک‌ها را نخورد و بلکه گفت: امان از نفس شما.
- بهترین نوع صبر آن است که علی‌رغم آنکه دل می‌سوزد و اشک جاری می‌شود، خدا فراموش نشود.
- در حوادث باید علاوه بر صبر و توانایی درونی، از امدادهای الهی استمداد نمود.
- شیطان و نفس، گناه را نزد انسان زیبا جلوه می‌دهد و انجام آن را توجیه می‌کند (ر.ک. قرائتی، ۱۳۸۳: ۶، ۴۰-۴۷).

### ۱۶-۳. نکات تربیتی آیه نوزدهم

«وَجَاءَتْ سِبَّأَهَ فَأَرْسَلُوهُ أَوَّارِدَهُمْ فَأَذْلَىٰ دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَىٰ هَذَا غَلَامٌ وَأَسْرُوهُ بِيضَاعَهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ؛ و کاروانی آمد. پس آب‌آور خود را فرستادند و دلوش را انداخت. گفت: «مژده! این یک پسر است» و او را چون کالایی، پنهان داشتند و خدا به آنچه می‌کردند، دانا بود» (یوسف: ۱۹).

نکات ذیل از این آیه استفاده می‌شود:

- تقسیمات کار، یکی از وظایف مدیریت و برنامه‌ای زندگی جمعی است.
- گروهی هستند که انسان را به حیث کالا می‌پندارند.
- پنهان کردن حقیقت در برابر مردم ممکن است، ولی در برابر خدا چه می‌کنیم که به همه چیز آگاه است.
- وقتی خودی‌ها حمایت نکنند، خداوند از طریق بیگانگان حمایت می‌کند. (برادران یوسف رفتند، ولی قافله‌ای ناشناس آمد).

### ۱۷-۳. نکات تربیتی آیه بیستم

«وَشَرَّوهُ بِشْمَنِ بَخْسٍ دَرَاهِمٍ مَّعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ؛ و او را به بهای ناچیزی، چند درهم فروختند و در آن بی‌رغبت بودند» (یوسف: ۲۰).

نکات ذیل از این آیه استفاده می‌شود:

- مالی که آسان به دست آید، آسان از دست می‌رود.

- مردان بی‌شناخت، ارزش یوسف را نشناخته و او را به بهای اندک فروختند.

### ۱۸-۳. نکات تربیتی آیه بیست و یکم

«وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لَا مَرْأَتَهُ أَكْرَمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَوَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَانًا لِيُؤْسَفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ وَأَنْ كَسَّ كَسًا أَوْ رَأَىٰ مِصْرَ خَرِيْدَةً، بِهِ هَمْسَرَشْ كَفْت: «نِيكش بدار شايد به حال ما، سود بخشد يا او را به فرزندى اختيار كنيم» و بدین گونه ما، یوسف را در آن سرزمین، مكانت بخشیدیم تا به او تأویل خواب‌ها را بیاموزیم و خدا بر کار خویش چیره است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» (یوسف: ۲۱).

نکات ذیل از این آیه استفاده می‌شود:

- اختیار دل‌ها به دست خداست. مهریوسف در دل عزیز مصر نشست.
- با رعایت احترام به مردم، کمک و یاری آنان را می‌توان جلب کرد.
- پایان تحمل سختی‌ها شیرینی است.
- اراده غالب خداوند، یوسف را از چاه به جاه رسانید.
- مردم، ظاهر حادثه را می‌بینند، ولی از اهداف الهی بی‌خبرند.

### ۱۹-۳. نکات تربیتی آیه بیست و دوم

«وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ وَچون به حد رشد رسید؛ او را حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم» (یوسف: ۲۲).

نکات ذیل از این آیه استفاده می‌شود:

- برای رهبری جامعه، سوای علم و حکمت، نیروی جسمی نیز لازم است.
- ابتدا باید نیکوکار بود تا بتوان پاداش الهی را کسب کرد.
- پاداش نیکوکاران در همین دنیا نیز است.

### ۲۰-۳. نکات تربیتی آیه بیست و سوم

«وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ؛ وَأَنْ (بانو) که وی درخانه‌اش بود، خواست از او کام گیرد.



ودرها را (پیاپی) چفت کرد وگفت: بیا که از آن توام». (یوسف) گفت: پناه بر خدا! او آقای من است. به من جای نیکو داده است. قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند» (یوسف: ۲۳).

نکات ذیل از این آیه استفاده می‌شود:

- مراوده دو نامحرم می‌تواند، مشکل‌ساز باشد.
- گناهان بزرگ با نرمش و مراوده شروع می‌شود.
- تا می‌توانیم نباید نام خلافکار را صریح ببریم، قرآن برای زلیخا ضمیر به کار برده است.
- حتی اگر یک طرف هم پاک باشد، طرف دیگر ایجاد مزاحمت می‌نماید.
- در طول تاریخ، گناه زنا جر می ثابت شده است، وگرنه ضرورتی به بستن درها نمی‌بود.
- قدرت شهوت، به اندازه‌ای است که همسر پادشاه را نیز اسیر و برده خود می‌کند.
- بهترین قسم تقوی آن است که به خاطر لطف و محبت الله جل جلاله از معاصی دوری شود، نه از ترس رسوایی در دنیا و یا عذاب آخرت.
- همه درها بسته؛ اما در پناهندگی به خدا باز است.
- تقوا و اراده انسان می‌تواند بر زمینه‌های انحراف و خطا غالب گردد.
- گناه زنا ظلم به خود و خانواده و جامعه و دیگران است.
- اگر رییس و یا بزرگ ما دستور به گناه داد، نباید از او اطاعت کنیم.

### ۲۱-۳. نکات تربیتی آیه بیست و چهارم

«وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّاى بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهٗ السُّوْءَ وَالْفَحْشَآءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ؛ و در حقیقت، (آن خانم) هوای آن را کرد و (یوسف نیز) اگر برهان پروردگارش را نمی‌دید، میل به آن می‌کرد. چنین (کردیم) تا اینکه بدی‌ها و زشتی‌ها را از آن دور کنم؛ زیرا که یوسف از بندگان خاص من است» (یوسف: ۲۴).

نکات ذیل از این آیه استفاده می‌شود:

- اگر امداد الهی نباشد پای هر کس می‌لغزد؛
- خداوند بندگان مخلص را حفظ می‌کند؛
- پیامبران نیز در غرایز مانند دیگران هستند؛ اما ایمان به حضور خدا و عصمت، مانع انجام گناه می‌شود..

### ۲۲-۳. نکات تربیتی آیه بیست و پنجم

«وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفِيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ و هر دو به سوی در، دویدند (درحالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می‌کرد) و پیراهن او را از پشت (کشید و) پاره کرد. در این هنگام، آقای آن زن را دم در یافتند. آن زن گفت: کیفر کسی که بخواهد به اهل تو خیانت کند، جز زندان یا عذاب دردناک، چه خواهد بود» (یوسف: ۲۵).

نکات تربیتی ذیل از این آیه قابل استفاده است:

- برای ایمن ماندن از گناه، معاذالله گفتن کفایت نمی‌کند، بلکه باید بلند شد و فرار کرد.
- گاه ظاهر عمل یکی است؛ اما اهداف متفاوت. هر دو به سوی در می‌دویدند.
- در درگاه خداوند نباید بسته بودن درها بهانه صدور گناه باشد. باید رفت شاید خدا باز کند.
- مجرم به دنبال توجیه و تبرئه خود، به دیگران اتهام می‌زند.
- مرادوه با زن شوهردار، در طول تاریخ و جوامع جرم محسوب می‌شده است.

### ۲۳-۳. نکات تربیتی آیه بیست و ششم

«قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ؛ (یوسف) گفت: «او مرا با اصرار به سوی خود دعوت کرد». در این هنگام، شاهدهی از خانواده آن زن شهادت داد که اگر پیراهن او از پیش رو پاره شده، آن (زن) راست می‌گوید، و آن (مرد) از دروغ‌گویان است» (یوسف: ۲۶).

نکات تربیتی ذیل از این آیه قابل استفاده است:

- یوسف، ابتدا به سخن نکرد که آب روی زن عزیز را ببرد، بزرگان حتی برای دفاع از خود، هم به فکر آبروی دیگران هستند.
- خداوند از راهی که هیچ انتظار نمی‌رود، بندگان خوب خود را حمایت می‌کند.
- آثار دقیق و ظریف می‌تواند ابزار جرم‌شناسی قرار بگیرد، (پاره شدن پیراهن از پشت).
- در گواهی و شهادت، حسب و نسب و خویشاوندی مطرح نیست.





### ۲۴-۳. نکات تربیتی آیه بیست و هفتم و بیست و هشتم

«وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ يَوْسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ؛ و اگر پیراهن او، از پشت دریده شده زن، دروغ گفته و او از راستگویان است. پس چون (شوهرش) دید، پیراهن او از پشت چاک خورده است، گفت: بی شک این، از مکر و حيله شما زنان است و به تحقیق نیرنگ و مکر شما بزرگ است. ای یوسف! از این (حادثه) اعراض کن و تو (ای خانم) برای گناه خود، طلب مغفرت کن و تو از جمله خطاکاران هستی» (یوسف: ۲۷-۲۹).

نکات ذیل از این آیه استفاده می‌شود:

- حق، مخفی و پوشیده نمی‌ماند و مجرم شناخته می‌شود.
- برخی زنان ناپاک، نیرنگ، مکر و حيله‌های شیطانی خطرناکی دارند.
- عزیز مصر خواست ماجرا مخفی بماند، ولی مردم دنیا در طول قرن‌ها خبردار شدند تا پاک‌ی یوسف ثابت شود.
- عزیز مصر همچون کاخ نشینان نسبت به مسئله ناموس و غیرت تساهل کرد با اینکه جرم ثابت شده بود، ولی برخورد جدی نکرد (ر.ک. قرائتی، ۱۳۸۳: ۶، ۴۸-۶۴).

### ۴. ابعاد تربیتی داستان حضرت یوسف در قرآن کریم

در این داستان به روایت قرآن کریم، نکات تربیتی خوبی آمده است که در ادامه بررسی می‌شود؛ از جمله در بعد مدیریت صحیح، توکل، عفت، جوانمردی، حیا، زیبایی در کلام، خیرخواهی، گذشت، حق‌شناسی از خداوند جل جلاله و نعمت‌های او در همه حال، عزت‌نفس در برابر گناه، رازداری، صبر و سعه‌صدر و فروتنی در برابر پدر و مادر. آموزه‌های تربیتی، اعتقادی، عقلانی، اخلاقی و معنوی از این داستان قابل بررسی و برداشت است.

#### ۴-۱. بعد اعتقادی

«يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ ای رفیقان زندانی من! آیا خدایان

پراکنده و باطل بهترند، یا خداوند یکتای قهار؟ این معبودهایی باطلی که غیر از خدا است و می‌پرستید، چیزی نیست، جز نام‌های که شما و پدران‌تان آن‌ها را خدا نامیده‌اید. خداوند هیچ دلیلی برای خدایی آن‌ها نازل نکرده؛ حکم تنها از آن خداست و فرمان داده که غیر از الله را نپرستید! این است دین پا برجا و اما بیشتر مردم نمی‌دانند» (یوسف: ۴۰-۳۹). از این آیات می‌توان پیام‌های اعتقادی ذیل را استخراج کرد:

- توحید در برابر شرک: پرسش حضرت یوسف، بیانگر برتری یگانگی خداوند بر خدایان متعدد و ساختگی است؛ یعنی وحدت و قهر الهی بر پراکندگی و ضعف ارباب موهوم ترجیح دارد.

- ابطال معبودهای غیر الهی: معبودهای ساختگی چیزی جز «اسم‌هایی بی‌پایه» نیستند که انسان‌ها یا نیاکانشان بر اشیاء نهاده‌اند. بنابراین اساس شرک بر توهم و نام‌گذاری است، نه بر حقیقت عینی.

- حاکمیت مطلق خداوند: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» تأکید می‌کند که تشریح، قانون‌گذاری و فرمان نهایی تنها از آن خداست و هیچ‌کس جز او حق تعیین دین و پرستش را ندارد. - اصالت دین الهی و جهل عمومی: «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» نشان می‌دهد که دین استوار همان پرستش خدای یکتا است، هرچند بسیاری از مردم از حقیقت آن غافل‌اند و پیرو خرافات می‌شوند (ر.ک. قرآنی، ۱۳۸۳: ۶، ۸۱-۸۴).

یکی از عوامل اساسی در تربیت عقلانی، خدامحوری و آگاهی‌بخشی با محوریت مدبر هستی است؛ زیرا خدامحوری پایه کمال و مایه جمال انسانی است. خداوند کریم درباره فرشتگانی که بندگان مقرب الهی هستند، می‌فرماید: «لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ» (انبیاء: ۲۷) هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند و پیوسته به فرمان او عمل می‌کنند.

یکی دیگر از شیوه‌های تربیت عقلانی حضرت یوسف، آگاهی‌بخشی نسبت به آینده و تقویت بینش معادباوری توحیدی است. در منطق توحیدی، معادباوری و عاقبت‌اندیشی، نقشی کلیدی در زندگی سعادتمندان دارند. حضرت یوسف، بر اساس رسالت و مأموریتی که داشت، حتی در زندان نیز از هدایت و تربیت زندانیان غافل نبود.

از دیگر شیوه‌های عقلانی حضرت یوسف در تربیت افراد، معرفت‌افزایی بود. ایشان در



میان مردمی برانگیخته شد که جهل و نادانی آنان نسبت به مبدأ و معاد، به روشنی از گزارش‌های قرآنی به دست می‌آید. مشکلی که حضرت امام علی<sup>(ع)</sup> آن را ریشه تمام بدبختی‌ها و زشتی‌ها معرفی کرده است: «الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۱، ۲۰۵).

#### ۲-۴. بعد اخلاقی - تربیتی

صبر و شکیبایی: حضرت یعقوب<sup>(ع)</sup> توانست با مدیریت صحیح، خانواده‌اش را از بحران نجات دهد. ایشان در برخورد با این مشکلات شکننده، راه سومی را انتخاب می‌کند و بدون آنکه یکی از فرزندان خود را متهم کند یا خطای آنان را به رخشان بکشد، آن‌ها را متوجه نقشه‌های ناخودآگاه و گرایش‌های منفی درونی‌شان می‌سازد. لذا در واکنش به آن‌ها می‌فرماید: «قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبِرْ جَمِیلاً وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَی مَا تَصِفُونَ؛ گفت: هوس‌های نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل (و شکیبایی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت و در برابر آنچه می‌گویید، از خداوند یاری می‌طلبم» (یوسف: ۱۸).

عفت (پاکدامنی): مراد از عفت در اینجا، خودداری از انجام خواسته‌های غیرعقلانه، نادرست و نامشروع جنسی است. امام علی<sup>(ع)</sup> فرموده است: «الصَّبْرُ عَنِ الشَّهْوَةِ عَفَّةٌ؛ عَفَّتْ، پایداری و مقاومت در مقابل شهوت است» (خوانساری، ۱۳۶۶، ۲: ۸۲). عفت یکی از ارزش‌های اساسی و مهم معنوی است که در روایات اسلامی درباره آن سفارش فراوان شده و از بهترین عبادت‌ها شمرده شده است. امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> فرموده‌اند: «عَلَيْكَ بِالْعَفَافِ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ سَبِيْمِ الْأَشْرَافِ؛ بر تو باد عفت؛ زیرا برترین خوی اشراف است» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۷، ۲۵۰).

حیا: یکی دیگر از عوامل مؤثر در رعایت پاکدامنی انسان، حیا است. در این مورد، امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> فرموده‌اند: «عَلَى قَدْرِ الْحَيَاءِ تَكُونُ الْعِفَّةُ؛ عَفَّتْ به اندازه حیاست» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۷، ۸۷).

صبر و سعه‌صدر: وقتی برادران حضرت یوسف او را شناختند، با سعه‌صدر فرمود: «قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيْعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ گفت: «من یوسفم، و این برادر من است. خداوند بر ما منت گذاشت، هر کس تقوا پیشه کند و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می‌شود)؛ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران

را ضایع نمی‌کند» (یوسف: ۹۰).

### ۳-۴. سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

داستان حضرت یوسف در قرآن، دارای آموزه‌ها و نکات متعددی در حوزه‌های تربیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است؛ از جمله حضرت یوسف در دوران خشکسالی و قحطی، با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، توانست مصر را از بحران نجات دهد و قحطی را در طول هفت سال بحرانی مهار و کنترل کند. چنان‌که از روایت امام صادق<sup>(ع)</sup> دانسته می‌شود، مدیریت درست آن حضرت نه تنها مردم مصر، بلکه مناطق همسایه را نیز نجات داد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱، ۲۹۲). این موضوع، از جهت اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت است.

در تعالیم پیامبران، توجه به عامل اقتصاد و اهمیت آن در اداره حکومت آشکار است. نمونه بارز آن را می‌توان در مدیریت و حکمرانی اقتصادی حضرت یوسف مشاهده کرد. زمانی که اقتدار یوسف افزایش یافت، تصدی امور اقتصادی کشور را خواستار شد و در نخستین برنامه کاری خود، به سازماندهی وضعیت اقتصادی کشور پرداخت (سلیمانی، ۱۳۹۳).

### نتیجه‌گیری

بررسی سیره و عملکرد حضرت یوسف در عرصه‌های گوناگون اخلاقی، معنوی، عاطفی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نشان می‌دهد که مدیریت صحیح و رهبری شایسته تنها در گرو برخورداری از مجموعه‌ای جامع از دانش، بصیرت، توان مدیریتی و فضایل اخلاقی است. تجربه‌های ارزشمند زندگی ایشان گواه آن است که پیاده‌سازی چنین اصولی صرفاً از طریق الگوبرداری از نظام‌ها و فرهنگ‌های دیگر حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند خلاقیت، ابتکار و عقلانیت کارگزاران است. داستان حضرت یوسف در قرآن، الگویی جامع و چندبعدی را برای حیات انسانی عرضه می‌کند که ابعاد متنوع وجود انسان را پوشش می‌دهد. در بعد اعتقادی، این داستان اهمیت ایمان به مشیت الهی و توکل بر خداوند متعال را در مواجهه با ناامایمات یادآور می‌شود. در بُعد عقلانی، نشان می‌دهد که انسان باید در

برابر چالش‌ها با بهره‌گیری از تدبیر، آگاهی و تصمیم‌گیری سنجیده گام بردارد. در عرصه عاطفی، سیره آن حضرت الگوی بی‌بدیل از مهربانی، گذشت و بخشش است که حتی در برابر ظلم‌ها و بی‌مهری‌ها، اصل محبت و عاطفه انسانی را فراموش نکرد. همچنین در بُعد معنوی، ایشان نمونه‌ای روشن از صبر، پایداری و ارتباط مداوم با خداوند است که می‌تواند الهام‌بخش انسان معاصر در شرایط دشوار زندگی باشد.

از سوی دیگر، آموزه‌های این داستان در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز حامل پیام‌های ژرفی است. یوسف<sup>(ع)</sup> در مقام یک مدیر یا حتی سیاستمدار، اهمیت عدالت، انصاف و سلامت روابط انسانی را آشکار ساخت و نشان داد که رهبری مبتنی بر اخلاق می‌تواند جامعه را به سوی آرامش و همبستگی سوق دهد. در بعد اقتصادی نیز، تدابیر خردمندانه او در مدیریت منابع و برنامه‌ریزی برای مقابله با بحران‌ها، نمونه‌ای برجسته از مدیریت پایدار و کارآمد به شمار می‌رود. بنابراین داستان حضرت یوسف الگویی فرازمانی برای مواجهه با مسائل فردی و اجتماعی انسان است. این داستان می‌آموزد که برای رسیدن به تعالی و رشد، باید ایمان و معنویت را در کنار عقلانیت و تدبیر به کار گرفت و با تلفیق عاطفه، عدالت، صبر و ابتکار عمل، مسیر زندگی را به سوی کمال فردی و اجتماعی هدایت کرد. از این منظر، الگوی یوسف علیه‌السلام می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای حاکمان، مدیران و همه انسان‌هایی باشد که در پی ساختن جامعه‌ای سالم، عادلانه و برخوردار از رشد پایدار هستند.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. خوانساری، آقا جمال‌الدین، (۱۳۶۶ ش)، شرح غرر الحکم. تهران: دانشگاه تهران.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن، دمشق - بیروت: دارالعلم الدارالشامیه.
۳. الزحیلی، وهبة بن مصطفى، (۱۴۱۸ ق)، التفسیر المنیر، دمشق: دارالفکر المعاصر.
۴. سلیمانی، زهرا؛ منتظرالقائم، اصغر، (۱۳۹۳ ش)، تمدن‌سازی انبیای ابراهیمی؛ مدیریت اقتصادی و عدالت اجتماعی (با تأکید بر حکومت حضرت یوسف<sup>(ع)</sup>). فصلنامه معرفت ادیان، سال پنجم، شماره ۲، بهار.
۵. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ ش)، تفسیر المیزان (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۴ ق)، العین (اعداد: حسن بکای)، قم: مؤسسه مشرف فرهنگ اسلامی.
۷. قراتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۸. گروه نویسندگان، (۱۳۸۵ ش)، فلسفه تعلیم و تربیت، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۹. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.



## آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر از منظر قرآن و سنت

اسدالله نظری<sup>۱</sup> | روح الله روحانی<sup>۲</sup>

### چکیده

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات مهم دینی است که هم ریشه در فطرت انسان دارد و هم در قرآن و سنت بر آن تأکید شده است. این دو فریضه نقش اساسی در اصلاح رفتارهای فردی و سامان‌دهی زندگی اجتماعی ایفا می‌کند و به‌عنوان ابزاری الهی برای برقراری عدالت، سلامت اخلاقی و کاهش فساد در جامعه شناخته می‌شود. هدف این پژوهش، بررسی و تبیین آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر از منظر قرآن کریم و روایات اسلامی است تا جایگاه اجتماعی این دو اصل حیاتی به شکلی شفاف و مستند بازخوانی شود. سؤال اصلی تحقیق این است که امر به معروف و نهی از منکر از نگاه قرآن و سنت چه آثار اجتماعی دارد؟ روش تحقیق به‌صورت توصیفی و تحلیلی است و داده‌های آن با استفاده از منابع معتبر قرآنی، روایی و تفسیری، به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر ستون اصلی حیات اجتماعی در جوامع دینی است. این دو واجب الهی زمینه‌ساز برقراری عدالت، گسترش نیکی، کنترل فساد، حمایت از مظلوم و ایجاد امنیت اخلاقی و اجتماعی است. از سوی دیگر، ترک این فریضه هم موجب تضعیف ایمان فردی می‌شود و هم مسیر تسلط اهل باطل را هموار و جامعه را مستعد سقوط اخلاقی و عذاب الهی می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** امر به معروف، نهی از منکر، قرآن، سنت، جامعه، اصلاح اجتماعی

۱. ماستری رشته تفسیر و علوم قرآنی، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان.

ایمیل: nzryasdallh74@gmail

۲. دکتری جریان‌های کلامی معاصر، استاد دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان.

امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان دو واجب الهی، با هدف اصلاح رفتار فردی و اجتماعی انسان‌ها در دین اسلام تشریح شده‌اند. این دو اصل، که مبتنی بر هدایت به نیکی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها است، از نیازهای فطری انسان ریشه می‌گیرد؛ زیرا انسان به‌صورت طبیعی خواهان خیر و نیکی است و از شرّ و فساد رنج می‌برد. وقتی بدی‌ها و ظلم را در محیط پیرامون خود مشاهده می‌کند، به‌سادگی از کنار آن نمی‌گذرد، بلکه تلاش می‌کند تا در حد توان، در برابر آن واکنش نشان دهد. به‌ویژه زمانی که شاهد تضییع حقوق مظلومی یا ظلم آشکار ظالمی باشد، احساس مسئولیت در او برانگیخته می‌شود. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر، هم به حکم عقل و هم به موجب شرع، واجب بوده و دارای حکمت و آثار عمیق در زندگی فردی و اجتماعی انسان است.

با این حال، رفتارهای نادرست برخی مسلمانان و همچنین تبلیغات گسترده و هدفمند دشمنان اسلام، موجب بدفهمی، بدبینی و چالش‌های فراوان در مسیر اجرای این دو واجب الهی شده است. از جمله شبهاتی که امروزه مطرح می‌شود، تلقی تحمیل عقیده یا دخالت در آزادی دیگران است که سبب شده برخی امر به معروف و نهی از منکر را امری نامطلوب یا حتی نابه‌جا بدانند. در چنین شرایطی، ضروری است که آثار و فواید این دو اصل الهی، با رجوع به قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام، بازخوانی و بازنمایی شده تا جایگاه حقیقی آن‌ها در جامعه احیا شود.

از منظر تاریخی نیز می‌توان گفت سابقه امر به معروف و نهی از منکر به نخستین روزهای خلقت انسان بازمی‌گردد؛ چنان‌که نخستین نهی الهی به حضرت آدم و حوا درباره نزدیک نشدن به درخت ممنوعه بود. از آن پس، انبیای الهی و پیروان آنان، به‌عنوان الگوها و رهبران اصلاح، وظیفه دعوت به خیر و جلوگیری از فساد را برعهده داشتند. در شریعت اسلام نیز این دو واجب جایگاهی ممتاز دارد و در متون فقهی، روایی و اخلاقی، از آن‌ها به‌تفصیل سخن رفته است؛ به‌گونه‌ای که عالمان دین در کتب فقه، اصول، حدیث و اخلاق، باب‌هایی مستقل یا مرتبط با این موضوع گشوده‌اند.

با وجود این توجه، جنبه‌های اجتماعی و آثار فردی امر به معروف و نهی از منکر، کمتر





به صورت منسجم تحلیل شده است یا در منابع در دسترس امروز به صورت پراکنده باقی مانده است. بر همین اساس، این پژوهش با رویکرد کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی، در پی تبیین آثار و کارکردهای اجتماعی این دو واجب الهی است.

## ۱. مفاهیم

### ۱-۱. معروف

معروف در لغت به معنای شناخته شده، مشهور و نیز به معنای نیکی و کار نیک است» (معین، ۱۳۸۹: ۹۵۸) یا «مَعْرُوفٌ لَمَّا كَانَ ذَلِكَ مُسْتَحْسِنًا فِي الْعُقُولِ وَالشَّرْعِ؛ معروف چیزی است که هم عقل آن را خوب می‌داند و هم شرع می‌پسندد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۶۰). معنای دیگری که از معروف شده این است: «المعروف هو ما عرف الناس بفطرتهم أنه ملائم لهم فاجتهدوا اليه؛ یعنی آنچه را مردم با فطرت خویش سازگار و ملائم با خود بدانند و به آن روی آوردند، معروف است» (خطیب، بی تا: ۱۶، ۱۵۷۴).

بهترین تعریف، تعریف راغب است؛ زیرا در شناخت معروف بودن افعال انسان، عقل و شرع را دخالت داده است، درحالی که دیگران اگر حکم عقل را ملاک شناخت حسن و قبح افعال دانسته‌اند، شرع را فراموش کرده‌اند. عده‌ای دیگر هم حکم شرع را ملاک دانسته، ولی از عقل غافل مانده‌اند. درحالی که منشأ همه اعتقاد انسان عقل است. تا زمانی عقل اعتقادی به یک مسئله نداشته باشد، محال است که انسان آن را بپذیرد. پس ملاک تشخیص معروف باید عقل و شرع با هم باشد.

### ۱-۲. منکر

منکر در لغت «کار زشت، نامشروع، ناپسند، ناشایسته معنا شده است» (معین، ۱۳۸۹: ۲، ۹۸۴) یا هر کاری که عقل آن را ناپسند می‌داند و در میان انسان‌های خردمند ناپذیرفتنی است» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۲، ۲۴۱).

### ۱-۳. اجتماع

اجتماع در لغت به معنای «گردآمدن، تجمع کردن، انجمن شدن، فراهم آمدن، استفاده کردن بر چیزی آمده است» (معین، ۱۳۸۱: ۱، ۱۴۲). در اصطلاح «عبارت است از افرادی

که تعامل مستمر دارند و احساس پیوستگی می‌کنند» (صدیق اورعی، ۱۳۸۶: ۳۵).

## ۲. معنای امر به معروف نهی از منکر

کلمه امر در قرآن به دو معنا به کار رفته است:

الف. «به معنای کار و چیز که جمع آن امور است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴، ۸۴): «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» در کار جنگ از آنان مشورت کن» (آل عمران: ۱۵۹). در این صورت «امر یعنی عفو و مغفرت در چارچوب ولایت و تدبیر امور عامه؛ زیرا این گونه امور است که مشورت بر می‌دارد، نه احکام الهی. پس عفو و مغفرت هم در همان امور اداری جامعه است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴، ۸۸). «وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ؛ همه کارها به خداوند (ج) باز می‌گردد» (حدید: ۵).

در این دو آیه امر به معنای کار یا شیء به کار رفته است.

ب: امر به معنای دستور و فرمان که جمع آن اوامر است. مانند «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ؛ بگو خداوند به دادگری فرمان داده» (اعراف: ۲۹). کلمه امر در این آیه، به معنای دستور است. هدف از امر مورد بحث در این تحقیق، امر به همین معنا است.

کلمه «نهی» در قرآن با صرف‌های گوناگونی چون «تنهی» در سوره عنکبوت آیه ۴۵، «نهی» در سوره نازعات آیه ۴۰، «نهییت» در سوره انعام آیه ۵۶ و سوره غافر آیه ۶۶، و نیز «ینهی» در سوره نحل آیه ۹۰ و سوره علق آیه ۹، آمده است. در تمام این آیات، واژه «نهی» به معنای بازداشتن به کار رفته است؛ مثلاً در آیه: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ یقیناً نماز انسان را از زشتی‌ها و کارهای ناپسند باز می‌دارد» (العنکبوت: ۴۵) در این آیه، «تنهی» به معنای بازداشتن است؛ یعنی نماز مانع ارتکاب منکرات و فحشا می‌شود.

همچنین، واژه «معروف» با صرف‌های مختلف، بیش از ۳۰ بار در آیات قرآن تکرار شده و به معانی چون «پسندیده» و «شایسته» به کار رفته است. مانند: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَى؛ گفتار نیکو و گذشت از رفتار ناپسند نیازمند، بهتر از صدقه‌ای است که با آزار و منت همراه باشد» (بقره: ۲۶۳). در این آیه، واژه «معروف» به معنای گفتار نیک و پسندیده آمده است. در آیه دیگر آمده است: «طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلُوّ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ؛ اطاعت و سخنی سنجیده (و مناسب) برای آنان بهتر و شایسته‌تر



است و اگر در هنگام تصمیم‌گیری بر جهاد، با خدا صادق بودند، قطعاً برای‌شان بهتر بود» (محمد: ۲۱). در این آیه نیز، «قول معروف» به معنای سخن شایسته آمده است.

### ۳. جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین ارکان آموزه‌های دینی در اسلام به شمار می‌آید که در منابع معتبر دینی، از جمله قرآن، روایات و سیره معصومان<sup>(ع)</sup>، جایگاهی ممتاز دارد. این دو فریضه دینی، هم وظیفه‌ای فردی و اجتماعی برای هر مسلمان محسوب می‌شود و هم ابزار اصلاح جامعه و ارتقای سطح اخلاقی آن به شمار می‌رود. فقیهان، مفسران و اندیشمندان مسلمان و حتی برخی متفکران غیرمسلمان، در تبیین این دو مفهوم دینی، دیدگاه‌های متنوعی ارائه کرده‌اند.

به باور شهید ثانی، یکی از برجسته‌ترین فقهای شیعه، «امر به معروف» به معنای تشویق و ترغیب دیگران به انجام اعمال نیک و رعایت دستورات الهی است؛ چه این دعوت از طریق زبان و بیان انجام گیرد و چه با رفتار و عمل و نهی از منکر به معنای بازداشتن افراد از ارتکاب اعمال ناپسند و گناه‌آلود است که آن نیز می‌تواند کلامی یا عملی باشد (مسعودی، ۱۳۸۷: ۳۶). لذا این دو وظیفه الهی، در زندگی فردی و نیز در سامان‌دهی اجتماعی نقش اساسی دارد. هر فرد مسلمان در برابر منکرات و ترک واجبات، مسئول است و باید با شیوه‌ای حکیمانه و مؤثر واکنش نشان دهد.

ساختار کلی دین اسلام را می‌توان در سه بخش اساسی خلاصه کرد: اصول دین (اعتقادات)، فروع دین (احکام عملی) و اخلاق. یک مسلمان وقتی می‌تواند در زمره دینداران واقعی قرار گیرد که به این سه بخش به طور کامل و مطابق با آموزه‌های اسلامی پایبند باشد. قرآن کریم بر اهمیت این دو فریضه چنین تأکید کرده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران: ۱۱۰). در این آیه، معیار برتری امت در گرو انجام امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است. بنابراین امتی که از این وظایف الهی غافل شود، از زمره امت‌های برتر محسوب نخواهد شد. در قرآن نمونه‌های متعددی از سرگذشت اقوام پیشین نقل شده که ترک این وظایف الهی، آنان را به نابودی کشانده است و اقوامی که به این وظایف عمل کردند، مشمول

عنايات و برکات الهی قرار گرفتند.

اهمیت این فریضه‌ها، تنها در آیات قرآن خلاصه نمی‌شود، بلکه در ادعیه و مناجات‌های امامان معصوم نیز به روشنی انعکاس یافته است. برای نمونه، امام سجاده<sup>(ع)</sup> در بخشی از دعاهای خود، از خداوند چنین درخواست می‌کند: «خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا توفیق ده تا با کسی که با من ناراستی کرده است، با خیرخواهی برخورد کنم؛ و کسی را که از من بریده، با پیوستن و کسی را که غیبت کرده، با ذکر خیر پاسخ دهم» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۴: ۵۵).

در این دعای ارزشمند، امام<sup>(ع)</sup> نوعی از امر به معروف و نهی از منکر عملی و رفتاری را مطرح می‌کند که ریشه در اخلاق و نیت خالصانه دارد. در واقع مقابله با بدی دیگران، نه با انتقام، بلکه با خیرخواهی، از آموزه‌های اسلامی است که بنیان امر به معروف و نهی از منکر را تشکیل می‌دهد. لذا با توجه به شواهد قرآنی، روایی و ادعیه اهل بیت<sup>(ع)</sup>، امر به معروف و نهی از منکر از جمله واجباتی است که برای اصلاح فرد و جامعه لازم است و از پایه‌های حفظ ارزش‌های دینی و انسانی نیز محسوب می‌شود.

#### ۴. آثار امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

از اصول مسلم در نظام اخلاقی و دینی اسلام آن است که هر عملی، چه در حوزه واجبات و محرمات و چه در قلمرو مستحبات و مکروهات، دارای آثار و پیامدهایی است؛ بسته به ماهیت عمل و نحوه انجام آن، گاه این آثار مثبت و گاه منفی است. از آنجا که احکام الهی برخاسته از حکمت و علم بی‌پایان خداوند است، هیچ واجبی بدون علت و هیچ نهی بدون دلیل و ضرر، تشریح نشده است. امر به معروف و نهی از منکر نیز از جمله واجبات الهی است که بر عهده انسان‌ها نهاده شده و بدون تردید دارای آثار و نتایج مشخصی در زندگی فردی و اجتماعی است. اگر این دو فریضه با رعایت شرایط و شیوه‌های درست انجام گیرد، پیامدهایی چون اصلاح جامعه، تقویت ارزش‌های اخلاقی و کاهش آسیب‌های اجتماعی را به همراه دارند؛ اما در صورت ترک یا اجرای نادرست آن‌ها، نه تنها جامعه از آثار مثبت آن محروم می‌شود، بلکه ممکن است با فساد، بی‌عدالتی و انحرافات گسترده مواجه گردد. آیات فراوانی وجود دارد که آثار امر به معروف و نهی از منکر را بیان می‌کند که به دو بخش



مهم تقسیم می‌شود. در بعضی از آیات، آثار انجام امر به معروف و نهی از منکر، بازتاب یافته و در بعضی از آیات، پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر آمده است.

#### ۴-۱. رستگاری

یکی از خواسته‌های درونی و فطری انسان، دستیابی به خوشبختی و رستگاری است. انسان‌ها همواره تلاش کرده‌اند که مسیر سعادت خود و جامعه را بیابند. از این رو به مطالعه منابع گوناگون، مراجعه به اندیشمندان و حتی روی آوردن به ادیان مختلف پرداخته‌اند تا راهی مطمئن برای نیل به رستگاری پیدا کنند. از منظر قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین راه‌های سعادت، عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی دعوت کنند، امر به معروف نمایند و از منکر باز دارند؛ اینان همان رستگارانند» (آل عمران: ۱۰۴).

در این آیه، رستگاری به تلاش برای اصلاح جامعه و هدایت آن پیوند خورده است. به تعبیر استاد قرائتی، کسانی که برای رشد و اصلاح جامعه دغدغه‌مندند، مشمول رستگاری‌اند، در حالی که افراد بی تفاوت از این نعمت محرومند (قرائتی، ۱۳۹۴: ۱، ۵۷۸). بنابراین برای رسیدن به سعادت فردی و اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر باید در زندگی ما جایگاه ویژه‌ای داشته باشد.

#### ۴-۲. اتحاد و همبستگی

در دنیای امروزی، یکی از واقعیات انکارناپذیر این است که وحدت، همبستگی و انسجام اجتماعی، اساس بسیاری از ارزش‌ها و موفقیت‌های جوامع انسانی به شمار می‌رود. برای دستیابی به یک جامعه سالم، منسجم و عاری از تنش، نخستین گام سوق دادن افراد به سمت همگرایی، هم‌فکری و پذیرش جمعی است. یکی از آیات حاوی امر به معروف و نهی از منکر، همان آیه ۱۰۴ سوره آل عمران است که به تعبیر استاد قرائتی، «قرار گرفتن این آیه میان دو آیه‌ای که بر اتحاد و پرهیز از تفرقه تأکید دارد، بیانگر آن است که در جامعه‌ای پراکنده و گسسته، نه امکان دعوت مؤثر به خیر وجود دارد و نه زمینه‌ای برای اصلاح اجتماعی فراهم است» (قرائتی، ۱۳۹۴: ۱، ۵۷۷). در آیه پیش از این، خداوند انسان‌ها را به چنگ زدن به



ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه فرامی‌خواند. در آیه پس از آن نیز با اشاره به سرگذشت اقوام پیشین، تفرقه و پراکندگی را عاملی برای نزول عذاب الهی می‌داند.

بنابراین برای در امان ماندن از انحطاط اجتماعی و خشم خداوند، راهی جز حرکت به سوی وحدت و همدلی وجود ندارد. این همبستگی اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که افراد جامعه در قبال اعمال یکدیگر بی‌تفاوت نباشند؛ یعنی هرگاه کار نیکی از کسی سر می‌زند، با تشویق و حمایت مواجه شود و رفتار نادرست با نهی آگاهانه و دلسوزانه روبه‌رو گردد. اجرای این دو واجب الهی، مانع بروز خودخواهی، فردگرایی افراطی و بی‌نظمی‌های اجتماعی می‌شود.

در صورتی که این دو وظیفه حیاتی ترک شود، هم خلاف‌کاران و منحرفان بدون بازخواست به مسیر خود ادامه می‌دهند و هم بسیاری از جوانان به دلیل نبود آگاهی و راهنمایی، به سمت مسیرهای نادرست کشیده خواهند شد. از این‌رو وجود و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، هم موجب رشد اخلاقی می‌شود و هم به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی وحدت و انسجام اجتماعی، کارکردی حیاتی دارد.

#### ۴-۳. نشانه صالحین

خداوند متعال بندگانش را بر اساس ویژگی‌ها و صفاتشان به جامعه معرفی می‌کند و این اوصاف، نشانه‌هایی است برای شناخت جایگاه افراد در مسیر الهی. در قرآن کریم، خداوند گاهی به ویژگی‌های منافقان اشاره می‌کند و گاهی نشانه‌های مؤمنان و مخلصان را بیان می‌نماید. یکی از آیات برجسته‌ای که صفات صالحان را معرفی می‌کند، آیه ذیل است: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ آن‌ها به خدا و روز قیامت ایمان دارند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در انجام کارهای نیک پیشی می‌گیرند؛ و اینان از جمله صالحانند» (آل عمران: ۱۱۴). در شأن نزول این آیه، نقل شده است که فردی به نام عبدالله و گروهی از یهودیان به اسلام گرویده بودند. عده‌ای از احبار یهود اظهار داشتند که چند تن از افراد بدذات ما به اسلام ایمان آورده‌اند. در پاسخ، خداوند این آیات را نازل کرد و چنین ادعایی را رد نمود (طبرسی، ۱۳۸۸: ۱، ۶۱۳).



خداوند اعلام می‌کند که مؤمنان واقعی با اهل کتاب متفاوتند؛ کسانی که پیوسته آیات الهی را تلاوت می‌کنند، در برابر خداوند سجده می‌نمایند، ایمان به خدا و روز قیامت دارند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و اهل انفاق هستند، صالحان حقیقی‌اند. بنابراین در این آیات یکی از شاخصه‌های بارز بندگان صالح، انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر معرفی شده که این امر، جایگاه آنان را در زمره بندگان مخلص و نمونه خداوند تثبیت می‌کند.

#### ۴-۴. نجات از بلاها

بدون شک که خداوند به انسان‌ها نعمت‌های بی‌شماری عطا کرده و هم عطا می‌کند؛ اما ناسپاسی و رو آوردن انسان به گناه، سبب از بین رفتن نعمت‌ها و به وجود آمدن بلاهای متفاوت آسمانی و زمینی می‌شود. یکی از واجباتی که انجام آن سبب مضاعف شدن نعمت‌های الهی و ترک آن سبب به وجود آمدن بلاها می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر است قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ؛ و هنگامی که آنچه را به آن اندرز داده شده بودند فراموش کردند، کسانی را که از بدی نهی می‌کردند نجات دادیم» (اعراف: ۱۶۵).

این آیه نشان می‌دهد که نجات و رهایی یک جامعه از عذاب و سقوط، در گرو وجود افرادی است که در برابر فساد، ظلم و انحراف اجتماعی بی‌تفاوت نمی‌مانند و با رویکردی آگاهانه و دلسوزانه، جامعه را از مسیر نادرست بازمی‌گردانند. از منظر اجتماعی، این نجات نه تنها به صورت فردی محقق می‌شود، بلکه به معنای حفظ بافت سالم جامعه و جلوگیری از فروپاشی اخلاقی و فرهنگی آن نیز هست. در این آیه، گروهی از بنی اسرائیل به دلیل ترک نهی از منکر و بی‌تفاوتی نسبت به فساد رایج، مورد عذاب الهی قرار گرفتند؛ اما خداوند کسانی را که همچنان وظیفه خود را در قبال جامعه ایفا می‌کردند، از این سرنوشت نجات داد. این تمایز، یک اصل مهم اجتماعی را بیان می‌کند و آن اینکه در هر جامعه‌ای، اگر گروهی مسئولانه با فساد مقابله کنند، می‌توانند جامعه را از انحطاط نجات دهند. در واقع امر به معروف و نهی از منکر مانند سیستم ایمنی جامعه است. اگر این سیستم فعال باشد، بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی پیش از شیوع مهار می‌شود؛ اما اگر این وظیفه الهی به



فراموشی سپرده شود، جامعه دچار زوال تدریجی خواهد شد. بنابراین، نجات اجتماعی در گرو مسئولیت‌پذیری عمومی و اجرای درست این دو فریضه است.

در تفسیر برخی از آیات قرآن کریم، صحنه‌ای از زندگی پرماجرایی بنی‌اسرائیل روایت شده که در آن، گروهی از این قوم در ساحل دریایی - احتمالاً دریای احمر - در منطقه‌ای به نام ایله (ایلات کنونی، در جوار سرزمین فلسطین) زندگی می‌کردند. خداوند متعال برای آزمایش ایمان آن‌ها، فرمان داد که روز شنبه از صید ماهی خودداری کنند؛ اما جمعی از آن‌ها با حیله‌گری و نافرمانی، این دستور را زیر پا گذاشتند و در نتیجه به عذاب دردناکی گرفتار شدند.

مردم آن منطقه در برابر این دستور الهی به سه دسته تقسیم شدند:

گروه اول، اکثریتی بودند که صید در روز شنبه را ادامه داده و آشکارا نافرمانی کردند؛ گروه دوم، اقلیتی مؤمن بودند که وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را انجام دادند و تلاش کردند دیگران را از نافرمانی بازدارند؛ گروه سوم، بی‌طرفان خاموشی بودند که نه خود مرتکب گناه شدند و نه از منکر نهی کردند؛ تنها تماشاگر بودند. از ظاهر آیات و بررسی روایات برمی‌آید که تنها گروه دوم از مجازات الهی در امان ماندند. این گروه، وقتی دیدند که سخنانشان بر گناهکاران تأثیر ندارد، شبانه از شهر بیرون رفتند. همان شب، عذاب الهی نازل شد و دو گروه دیگر را در برگرفت (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۴۹۲-۵۰۲).

این داستان قرآنی به‌روشنی بیانگر یکی از آثار اجتماعی و الهی امر به معروف و نهی از منکر است؛ این فریضه می‌تواند بلا و عذاب را از جامعه دور ساخته و زمینه‌ساز نزول رحمت الهی و نجات گروهی از مؤمنان گردد.

#### ۴-۵. امر به معروف و نهی از منکر عامل رحمت

یکی از ویژگی‌های اساسی رحمت الهی، فراگیری آن است؛ اما در عین حال، دستیابی انسان به مراتب بالای این رحمت، وابسته به اعمال و رفتارهای او است. در قرآن کریم آمده که اگر انسان برخی وظایف و تکالیف الهی را انجام دهد، مورد رحمت خاص خداوند قرار می‌گیرد و در صورت ترک آن‌ها، تدریجاً از این رحمت دور خواهد شد. از جمله مهم‌ترین اعمالی که برای جلب رحمت الهی مؤثر است، اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر





در جامعه است. این دو واجب الهی هم به اصلاح فرد و اجتماع می انجامد و هم از دیدگاه قرآن، زمینه ساز نزول رحمت و لطف پروردگار است. قرآن کریم می فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ مردان و زنان باایمان، ولی (ویاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، نماز را برپا می دارند، زکات می پردازند و خدا و پیامبرش را اطاعت می کنند. به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار خواهد داد؛ و خداوند توانا و حکیم است» (توبه: ۷۱).

این آیه ویژگی های مؤمنان حقیقی را برمی شمارد؛ آنان که نه تنها اهل عبادت فردی هستند، بلکه در صحنه اجتماعی نیز حضور فعال دارند. این حضور، با انجام پنج ویژگی بارز همراه است: ۱. دعوت مردم به نیکی ها و ارزش های اخلاقی و دینی؛ ۲. بازداشتن از بدی ها، فساد و منکرات؛ ۳. اقامه نماز و ارتباط مستمر با خداوند؛ ۴. پرداخت زکات و کمک به نیازمندان؛ ۵. اطاعت از فرامین الهی و سیره پیامبر اکرم (ص).

در آیه بعدی، خداوند پاداش این دسته از مؤمنان را چنین بیان می کند: «وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ خداوند به مردان و زنان باایمان، باغ هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است و در آن جاودانه اند؛ همچنین مسکن هایی پاکیزه در بهشت عدن؛ و خشنودی خداوند از همه نعمت ها برتر است؛ و این است کامیابی بزرگ» (توبه: ۷۲)

چنانکه از این دو آیه استفاده می شود، یکی از آثار بزرگ اجتماعی و اخروی امر به معروف و نهی از منکر، جلب رحمت خداوند است. این فریضه، هم موجب شکل گیری محبت، انس و همدلی در جامعه می شود و هم زمینه ورود به بهشت و رضوان الهی را در آخرت فراهم می سازد. اگر جامعه ای بخواهد در دنیا سعادت مند و در آخرت رستگار باشد، زنده نگه داشتن این دو واجب الهی، یکی از راه های آن است.

#### ۴-۶. امر به معروف و نهی از منکر سبب اصلاح جامعه

یکی از مهم ترین عوامل اصلاح و سلامت در جوامع انسانی، نظارت اخلاقی و اجتماعی



بر رفتار افراد است. جوامع از انسان‌هایی با ویژگی‌ها، مشاغل، اعتقادات و نگرش‌های مختلف تشکیل شده‌اند. بنابراین طبیعی است که برخی افراد به دلایل گوناگون همچون ناآگاهی، غفلت، جهل مرکب یا تأثیرپذیری از دیگران، دچار خطا یا انحراف شوند. در این میان، وظیفه دیگر اعضای جامعه است که برای اصلاح رفتار ناهنجار این دسته از افراد تلاش کرده و آنان را به سوی مسیر درست هدایت کنند.

یکی از مؤثرترین ابزارهای تحقق این اصلاح، امر به معروف و نهی از منکر است. این دو واجب الهی، سازوکار قدرتمندی برای هدایت انسان‌ها، کنترل انحرافات اجتماعی، تقویت فضایل و پیشگیری از گسترش فساد فراهم می‌آورد. از طریق امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها، می‌توان اعضای جامعه را به رعایت قوانین انسانی و الهی تشویق کرد و مسیر سلامت فردی و اجتماعی را هموار ساخت.

قرآن کریم جایگاه والای این دو فریضه را در جامعه اسلامی چنین بیان می‌کند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها پدید آمده‌اید؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورند، برایشان بهتر است. (ولی) تنها گروهی از آنان مؤمن‌اند و بیشترشان فاسق‌اند» (آل عمران: ۱۱۰).

در این آیه، خداوند متعال «خیر بودن» امت اسلامی را مشروط به انجام سه وظیفه اساسی می‌داند: ایمان به خدا، امر به معروف و نهی از منکر، و ستون خیر و نیکی یک جامعه پویا بودن فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اساس و ستون خیر و نیکی یک جامعه است. جامعه‌ای که در آن مردم نسبت به رفتار یکدیگر بی‌تفاوت نباشند و در برابر انحرافات سکوت نکنند، در واقع جامعه‌ای آگاه، اخلاق‌مدار و مسئولیت‌پذیر است. وقتی امر به معروف و نهی از منکر در یک جامعه به صورت فعال و آگاهانه انجام شود، ناهنجاری‌ها به سرعت کنترل می‌شود، ارزش‌های الهی در دل‌ها زنده می‌ماند و زمینه رشد و کمال اخلاقی فراهم می‌گردد. در چنین فضایی، فساد ریشه نمی‌دواند و افراد گمراه، راه بازگشت به حق را می‌یابند. این پویایی، هم سبب خیر دنیا می‌شود و هم سرمایه‌ای عظیم برای

سعادت آخرت به شمار می‌رود.

بر این اساس، امت اسلامی زمانی می‌تواند بر سکوی «خیر الامم» نائل شود که رسالت نظارت اجتماعی خود را به‌درستی انجام دهد و امر به معروف و نهی از منکر را جزو اولویت‌های فرهنگی و اجتماعی خود بداند.

#### ۴-۷. امر به معروف و نهی از منکر و ترک مجالس فسق و فجور

یکی از آثار مهم فریضه امر به معروف و نهی از منکر، جلوگیری از شکل‌گیری و گسترش مجالسی است که در آن‌ها فسق و فجور رایج است. اگر این گونه محافل مورد بی‌توجهی قرار گیرد و کسی در برابر آن‌ها واکنشی نشان ندهد، به مرور زمان به بستری برای ترویج گناه در جامعه تبدیل خواهد شد. قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ؛ هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آنان روی بگردان تا به سخن دیگری پردازند» (انعام: ۶۸). (از بیان قرآن به دست می‌آید که اگر در مجلسی به آیات الهی توهین می‌شود، باید جلسه را به عنوان اعتراض ترک کرد تا مسیر بحث تغییر کند) (قرآنی، ۱۳۹۰: ۱۶۷). ترک مجالس گناه و بی‌دینی، خود نوعی نهی از منکر عملی است و اگر چنین فضاهایی شکل نگیرد یا رها شود، بستر ارتکاب گناه نیز از میان خواهد رفت.

#### ۵. آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر از منظر روایات

پیامبران الهی و اهل بیت<sup>(ع)</sup> نیز سراسر برنامه زندگی خود را از قرآن گرفته‌اند و سخنان و رفتارهای آنان، تفسیر و تبیین آیات الهی به شمار می‌رود. در بخش قرآنی، بسیاری از آثار و ابعاد امر به معروف و نهی از منکر بیان شد؛ اما برای تکمیل بحث و بهره‌مندی از نور کلام معصومین<sup>(ع)</sup>، در ادامه به ذکر چند روایت از ایشان می‌پردازیم. این در حالی است که زندگی پیشوایان دین، سرشار از جلوه‌های این دو فریضه بوده و نمونه‌های عملی بسیاری از دعوت به خیر و جلوگیری از فساد در سیره آن بزرگواران مشاهده می‌شود.

امام باقر<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِئَةَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَتَجَلُّ الْمَكَاسِبُ وَتَرُدُّ الْمَظَالِمُ وَتَعْمُرُ الْأَرْضُ؛ امر به معروف





و نهی از منکر دو واجب بزرگ الهی است که سایر واجبات با آن‌ها بر پا می‌مانند و به وسیله این دو، راه‌ها امن و کسب و کار مردم حلال می‌شود. با این دو واجب است که داد ستمدیدگان ستانده می‌شود و زمین آباد می‌گردد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۵۵-۵۶).

در این روایت با بیانی چندبُعدی، به جایگاه والای امر به معروف و نهی از منکر در ساختار دینی و اجتماعی جامعه اشاره شده است. حضرت این دو فریضه را «فریضه عظیمه» می‌نامند؛ یعنی واجباتی بنیادین که هم خود دارای ارزش است و هم ستون و پایه سایر واجبات به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، بدون این دو، بقیه احکام دینی در جامعه کارکرد مؤثری نخواهد داشت. سپس امام<sup>(ع)</sup> به پنج اثر بزرگ اجتماعی این فریضه‌ها اشاره می‌نماید:

#### ۵-۱. اقامه سایر فرائض

مطابق حدیث فوق از امام باقر<sup>(ع)</sup>، با امر به معروف و نهی از منکر، سایر واجبات دینی اقامه می‌شود. این یعنی حیات اجتماعی دین در گرو نظارت عمومی و هدایت متقابل مؤمنان است. اگر در جامعه‌ای ترک واجبات یا انجام محرمات بی‌پاسخ بماند، با گذشت زمان، حساسیت‌ها نسبت به احکام الهی کمرنگ شده و عمل به آن‌ها نیز رو به زوال می‌گذارد. این دو فریضه همچون ضامن اجرای دین در سطح جامعه‌اند و فضایی را می‌سازند که در آن، نماز و روزه و زکات به‌عنوان ارزش‌های زنده و جاری شناخته می‌شوند، نه صرفاً اعمال فردی. بنابراین اگر این نظارت اجتماعی حذف شود، دینداری به یک پدیده درونی و منزوی تبدیل می‌شود که توان تأثیرگذاری در جامعه را از دست می‌دهد.

#### ۵-۲. برقراری امنیت در راه‌ها

امنیت یکی از بنیادی‌ترین نیازهای اجتماعی است که در پرتو رعایت اخلاق و قانون حاصل می‌شود. آنگونه که در حدیث امام باقر<sup>(ع)</sup> آمده بود، با امر به معروف و نهی از منکر، مسیرها امن می‌شود. این به معنای امنیت فیزیکی، فکری و روانی در سطح جامعه است. وقتی مردم نسبت به منکرات بی‌تفاوت نباشند و با رفتارهای ناهنجار مخالفت کنند، زمینه بروز جرایمی مثل دزدی، تجاوز، خشونت و ناامنی کاهش می‌یابد. همچنین افراد بزهکار احساس قدرت نمی‌کنند، چون می‌دانند جامعه در برابرشان ساکت نیست. حتی امنیت



فکری نیز از این راه تأمین می‌شود؛ زیرا ارزش‌های باطل، انحرافات فکری و شبهه‌افکنی‌ها در سایه بی‌تفاوتی رشد می‌کند. با اجرای این دو فریضه، فضا برای انحراف تنگ می‌شود و جامعه به سمت ثبات و آرامش حرکت می‌کند.

### ۳-۵. اصلاح نظام اقتصادی و حلال شدن کسب‌ها

از دیگر آثار اجتماعی این دو فریضه، اصلاح فضای اقتصادی جامعه است. مطابق حدیث فوق، می‌فرمایند که با امر به معروف و نهی از منکر، کسب‌ها حلال می‌شود؛ یعنی از راه نظارت دینی و اخلاقی مردم بر یکدیگر، جلوی معاملات فاسد، سودجویی‌های ظالمانه، تقلب، ربا، احتکار و رشوه گرفته می‌شود. وقتی کسی ببیند که مردم نسبت به تخلف اقتصادی حساسند و واکنش نشان می‌دهند، کمتر به سمت گناه اقتصادی می‌رود. همچنین بازارها به سوی عدالت و شفافیت پیش می‌رود، کار و تولید در فضای سالم‌تر شکل می‌گیرد و اعتماد اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. در جامعه‌ای که مردم از منکر اقتصادی نهی نکنند، ثروت در دست عده‌ای خاص جمع می‌شود و فاصله طبقاتی بیشتر می‌شود. بنابراین اقتصاد حلال بدون مشارکت مردم در امر به معروف و نهی از منکر دوام نمی‌آورد.

### ۴-۵. بازگرداندن حقوق ستم‌دیدگان

یکی از جلوه‌های زیبای این دو فریضه، حمایت از مظلوم و مقابله با ظلم است. امام باقر<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «با امر به معروف و نهی از منکر، حقوق پایمال‌شده بازگردانده می‌شود»؛ یعنی در جامعه‌ای که افراد سکوت نمی‌کنند و در برابر ظلم و بی‌عدالتی فریاد می‌زنند، ستمگران نمی‌توانند به راحتی حق کسی را ضایع کنند. مردم با اعتراض، فشار اجتماعی، یا حتی تذکر محترمانه، جلوی ظلم را می‌گیرند یا آن را اصلاح می‌کنند. این فرهنگ نهی از منکر سبب می‌شود که مسئولان نیز در برابر مردم پاسخگو باشند و در رفتارشان عدالت را رعایت کنند. همچنین افراد ضعیف‌تر، احساس امنیت و حمایت می‌کنند و میدان برای دفاع از حقشان باز می‌شود. اگر این فریضه رها شود، جامعه دچار بی‌عدالتی، تبعیض و رواج ظلم خواهد شد.

### ۵-۵. آباد شدن زمین

بخشی از فرمایش پیشین امام باقر<sup>(ع)</sup> رابطه بین عمل انسان و امور معنوی را بیان می‌کرد.



عمل انسان نباید ربطی به «عمران زمین» داشته باشد، ولی دارد. چنانکه قرآن کریم این ربط را بیان می‌کند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم» (اعراف: ۹۶). پس همان‌طوری که با رعایت تقوا، برکات زمین و آسمان نصیب انسان می‌شود، با اجرای امر به معروف و نهی از منکر، جامعه به سوی آبادانی و شکوفایی حرکت می‌کند و باعث عمران زمین می‌شود. این آبادانی فقط به معنای ساخت‌وساز نیست، بلکه آبادانی اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و معنوی را نیز در بر می‌گیرد. در جامعه‌ای که معروف‌ها ترویج می‌شود، افراد با انگیزه، صداقت، مسئولیت‌پذیری و اخلاق حسنه به کار و تلاش می‌پردازند و زندگی جمعی کیفیت پیدا می‌کند. همچنین با جلوگیری از منکرات، منابع عمومی هدر نمی‌رود، سرمایه‌ها فاسد نمی‌شود و عدالت اجتماعی برقرار می‌گردد. همه این عوامل دست به دست هم می‌دهد تا جامعه‌ای پیشرفته، سالم و الهی شکل بگیرد. پس آبادانی حقیقی زمین، فقط با ابزار فنی ممکن نیست؛ بلکه نیازمند فرهنگ نظارت اجتماعی و پایبندی همگانی به معروفات است.

#### ۵-۶. تقویت جامعه مؤمن

امام‌الأمیر المؤمنین<sup>(ع)</sup> فرموده است: «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ؛ کسی که امر به معروف کند، پشت مؤمنان را محکم کرده است» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱). این سخن حضرت نشان‌دهنده نقش پُررنگ و حیاتی امر به معروف در تقویت بنیان جامعه مؤمنان است. وقتی فردی دیگران را به کار نیک دعوت می‌کند، در واقع فضای اخلاقی و ایمانی جامعه را حمایت و تحکیم می‌کند. این حمایت هم موجب پایداری ارزش‌ها می‌شود و هم مؤمنان احساس پشتیبانی و همراهی می‌کنند و در برابر لغزش‌ها و فشارهای اجتماعی، مقاوم‌تر می‌شوند. دعوت به معروف، یک عمل فردی صرف نیست، بلکه نوعی تقویت جمعی است. اگر مؤمنان ببینند که در دفاع از ارزش‌ها تنها نیستند، روحیه می‌گیرند و با قوت بیشتری در مسیر دین حرکت می‌کنند. بنابراین امر به معروف همانند ستونی است که ستون‌های دیگر را نگه می‌دارد و سبب استواری و انسجام در بدنه جامعه اسلامی می‌شود.

## ۵-۷. تحصیل خلافت الهی

خداوند متعال انسان را به زیباترین و کامل‌ترین صورت آفرید و او را بر سایر مخلوقات برتری بخشید. در قرآن، خداوند آفرینش انسان را تحسین می‌کند؛ امری که درباره هیچ موجود دیگری این‌گونه صراحت نیافته است. این نشان می‌دهد که انسان دارای ظرفیت بالایی برای رشد، تعالی و جانشینی الهی است؛ اما براساس حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، رسیدن به چنین جایگاهی تنها با انجام مسئولیتی بزرگ تحقق می‌یابد: امر به معروف و نهی از منکر.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ؛ کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا و پیامبر در زمین است» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲، ۱۷۹). این تعبیر نشان‌دهنده عظمت این دو فریضه و نقش محوری آن‌ها در تحقق هدف آفرینش انسان است. جانشینی خدا، مقام کوچکی نیست، بلکه نشانه نمایندگی ارزش‌های الهی در میان مردم است. کسی که مردم را به نیکی دعوت کرده و از بدی باز می‌دارد، در واقع مسیر بندگی خدا را هموار و جامعه را به سوی رشد الهی هدایت می‌کند.

## ۶. پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

### ۶-۱. اعلان جنگ با خدا

امام رضا (ع) فرموده‌اند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأُمَّرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعِ مِنَ اللَّهِ؛ رسول خدا همواره می‌فرمودند: هرگاه امت من از انجام امر به معروف و نهی از منکر سرپیچی کنند و آن را به یکدیگر واگذار نمایند، گویا با خداوند اعلان جنگ داده‌اند» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۱، ۳۹۴).

مفهوم این روایت نشان می‌دهد که این دو فریضه، نه صرفاً یک توصیه اخلاقی، بلکه مسئولیتی اساسی برای حفظ دین، عدالت و سلامت اجتماعی است. حال اگر جامعه‌ای این وظیفه را ترک کند، جایگاه الهی و رسالت خود را واگذار کرده است. پیامد ترک این فریضه‌ها بسیار سنگین است: بی‌تفاوتی در برابر فساد، عادی‌سازی گناه، فروپاشی اخلاقی، تضعیف دین در عرصه اجتماعی و تسلط افراد ظالم. در چنین شرایطی، مردم نه تنها خود به مسیر باطل



کشیده می‌شوند، بلکه فرصت اصلاح نیز از بین می‌رود. از دست دادن عنوان «خلیفه‌الله» یعنی فاصله گرفتن از رسالت اصلی انسان در زمین. بنابراین ترک امر به معروف و نهی از منکر، به معنای پشت کردن به مسئولیت الهی و فراهم کردن زمینه سقوط جامعه است.

## ۲\_۶. فراگیر شدن عذاب الهی

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَعْمَتَنَّكُمْ عَذَابُ اللَّهِ؛ به‌طور حتم باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه عذاب الهی همگان را فرا خواهد گرفت» (نوری، ۱۴۰۷: ۱۱، ۴۰۷).

این کلام نورانی، نشان‌دهنده جایگاه حیاتی این دو فریضه در حفظ سلامت دینی و اخلاقی جامعه است. پیامبر با تأکید و قطعیت سخن می‌گوید؛ به‌گونه‌ای که ترک این وظیفه الهی از بس گناه بزرگ فردی است، تهدیدی برای تمام جامعه محسوب می‌شود. وقتی مردم نسبت به گناه و فساد بی‌تفاوت شوند، منکرات به تدریج عادی شده، ریشه در فرهنگ می‌دواند و معروف‌ها به حاشیه می‌روند. نتیجه آن، سقوط اخلاقی و اجتماعی است. در چنین شرایطی، عذاب الهی نه فقط دامن گناهکاران، بلکه حتی نیکان ساکت را نیز می‌گیرد؛ زیرا آنان به‌رغم توانایی، در برابر انحرافات جامعه سکوت کردند. این حدیث، ما را به مسئولیت جمعی در اصلاح جامعه فرامی‌خواند و یادآور می‌شود که بی‌تفاوتی در برابر فساد، هزینه‌ای سنگین و همگانی دارد.

## ۶-۳. تسلط اشرار و عدم استجاب دعا

حضرت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> فرموده‌اند: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلِّي عَلَيْكُمْ أَشْرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید زیرا؛ در این صورت افراد نادرست بر شما مسلط می‌شوند و دعایی که می‌کنید، مستجاب نمی‌شود» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

این کلام هشداردهنده، به یکی از تلخ‌ترین پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد؛ حاکمیت افراد ناصالح و بسته شدن درهای اجابت دعا. وقتی مردم از مسئولیت دینی و اجتماعی خود کناره‌گیری کرده و در برابر منکرات سکوت کنند، زمینه برای قدرت گرفتن افراد فاسد و ظالم فراهم می‌شود. در چنین شرایطی، جامعه از عدالت و صلاح دور



شده و دچار رنج و محرومیت می‌شود.

نکته قابل توجه در این روایت، پیوند میان ترک فریضه اجتماعی و پذیرفته شدن دعا است. چرا باید دعای جامعه‌ای که گناه و ظلم را می‌بیند و ساکت است، مستجاب شود؟ وقتی مردم نسبت به فساد اطراف خود بی تفاوت باشند، انگار با سکوت خود به آن رضایت داده‌اند. چنین جامعه‌ای، با وجود عبادات ظاهری، دچار رکود اخلاقی و سقوط معنوی می‌شود. این حدیث، ما را به یک بیدارباش فرامی‌خواند و آن اینکه اگر می‌خواهیم دعایمان مستجاب شود، باید زمینه‌های اصلاح اجتماعی را فراهم کنیم؛ یعنی در برابر منکرات ایستادگی کرده و معروف‌ها را ترویج دهیم. تنها در این صورت است که جامعه شایستگی رحمت و عنایت الهی را خواهد یافت و مسیر دعا و اجابت گشوده می‌شود.

### نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر، از فطری‌ترین آموزه‌های انسانی است. سکوت در برابر ظلم یا بی تفاوتی نسبت به رفتارهای ناپسند، وجدانی را که زنده و بیدار است، آزوده می‌سازد؛ حتی اگر فرد خود مرتکب آن عمل نشده باشد. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر نه فقط یک حکم دینی، بلکه پاسخی به ندای درونی و انسانی هر فرد است. این دو واجب بزرگ، از ارکان دین اسلام به شمار می‌رود و در قرآن و سنت، بسیار مورد تأکید است. آثار این دو فریضه هم در سطح فردی مشهود است و هم در سطح اجتماعی؛ زیرا طبق آموزه‌های قرآنی، بقای سایر واجبات الهی، مشروط به برپایی امر به معروف و نهی از منکر است. اگر این دو در جامعه جاری باشد، سایر احکام دینی نیز جریان خواهد داشت؛ اما با تعطیل شدن آن‌ها، دین به حاشیه می‌رود، ارزش‌ها فراموش می‌شود و زمینه گسترش فساد و بردگی انسان‌ها در برابر طاغوت و فاسقان فراهم می‌گردد.

اگر این دو واجب الهی احیا شود، انسان‌های منحرف به تدریج اصلاح می‌شود و مسیر جامعه به سوی صلاح، عدالت و رحمت الهی هدایت می‌گردد. در این صورت، نعمت‌های الهی بر آن جامعه نازل می‌شود، و برکات مادی و معنوی گسترش می‌یابد. در نتیجه، امر به معروف و نهی از منکر عامل قوام، سلامت و پویایی جامعه است و حیات معنوی و اجتماعی امت، وابسته به زنده بودن این دو فریضه است.



## فهرست منابع

### قرآن

۱. صحیفه سجاده، ترجمه حسین استاد ولی، (۱۳۸۴)، تهران: انتشارات الهدی.
۲. اورعی صدیق، غلامرضا، (۱۳۸۶)، اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر، قم: دارالحدیث.
۳. خطیب، عبدالکریم، (بی تا)، التفسیر القرآنی للقرآن، بی جا: بی نا. (برگرفته از: جامع التفاسیر نور ۴).
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق.)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق - بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
۵. شیرازی، ناصر مکارم و همکاران، (۱۳۸۵)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی)، قم: انتشارات اسلامی.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۸)، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات نور وحی.
۸. قرائتی، محسن، (۱۳۹۰)، دقایقی با قرآن (بر اساس تفسیر نور)، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۹. قرائتی، محسن، (۱۳۹۴)، تفسیر نور، ایران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق.)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۱. مسعودی، محمد إسحاق، (۱۳۸۷)، آموزش ملی امر به معروف و نهی از منکر، تهران: پیام آزادی.
۱۲. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۳. معین، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۴. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ ق.)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.



## جستاری بر اهمیت و شرایط ادای حق الناس از منظر قرآن و روایات

فائزه حبیبی<sup>۱</sup> | احمد ذبیح افشاگر<sup>۲</sup>

### چکیده

حق الناس به معنای حقوق و وظایفی است که افراد نسبت به یکدیگر دارند و شامل انواع مختلف حقوق مالی، معنوی و اجتماعی می‌شود که از سوی یک فرد به دیگری انتقال یافته و باید رعایت و ادا گردد. این مفهوم یکی از ارکان اصلی در اخلاق اسلامی است و به‌ویژه در قرآن و روایات اسلامی، به آن تأکید زیادی شده است. پرسش اساسی این است که بر مبنای آیات قرآنی و روایات دینی، اهمیت و شرایط ادای حق الناس چیست؟ در این نوشتار تلاش شده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی به این مسئله پرداخته شود. بر اساس آموزه‌های قرآنی و روای فردی که حق کسی دیگری بر گردن اوست، نسبت به آن حق مسئولیت دارد و باید برای ادای آن حق و کسب رضایت صاحب حق اهتمام جدی داشته باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رعایت حق الناس و ادای آن شامل شرایطی چون اعتراف به خطا و ظلم با پذیرش اشتباه و اعتراف به ظلم، طلب بخشش و حلالیت، بازگرداندن حق، جبران خسارت، توبه و اصلاح رفتار، رعایت حقوق دیگران در آینده، دقت و توجه کافی در ادای دیون، عدالت، تساوی در ادای دیون مردم، سرعت عمل در ادای دین و دارای اهمیت دانستن ادای دین می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** اخلاق اسلامی، حق الناس، شرایط حق الناس، ادای دین، عدالت

۱. ماستری تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، افغانستان، کابل

(نویسنده مسئول)

۲. دکتری قرآن و علوم گرایش علوم تربیتی، کدر علمی جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، افغانستان، کابل

ایمیل: d.ahmadzabih@gmail.com



## مقدمه

حق الناس در قرآن کریم و احادیث شریف جایگاهی بسیار برجسته و گسترده دارد که ارتباطی تنگاتنگ با حکمت و عدالت الهی پیدا کرده است. از آنجا که صاحب حقی که «حق الناس» نامیده می‌شود، خود مردم هستند، رعایت یا نادیده گرفتن این حقوق، رابطه مستقیم با عدالت خداوند دارد؛ زیرا یکی از صفات بارز خداوند متعال، صفت عدالت است و دین مبین اسلام نیز بر همین اساس بر پایه عدالت بنا شده است. بنابراین، چگونه ممکن است رعایت حقوق انسان‌ها برای انسان کم‌اهمیت باشد؟ به همین دلیل، حق الناس از گستردگی و اهمیت فراوانی برخوردار است.

در آیات متعدد قرآن کریم، تاکید خاصی بر رعایت حقوق دیگران و حق الناس شده است. این موضوع در تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال، در آیه ۲۸۲ سوره بقره که به «آیه حق الناس» معروف است، مسئله ثبت، ضبط و نوشتن معاملات برای جلوگیری از جلوگیری از تضییع حقوق دیگران مورد تأکید قرار گرفته است. در «تفسیر نور»، این آیه را به عنوان نمود بارز و جامع قوانین دین مبین اسلام در زمینه مسائل حقوقی و شیوه تنظیم اسناد تجاری معرفی کرده‌اند. در عصر جاهلیت و فقر فرهنگی، زمانی که مردم به شدت دچار جهل و نادانی بودند، این آیات به روشنی حقوق فردی را توضیح داده و از ضرورت دقیق حفظ و اجرای آن تأکید کرده است. به ویژه، اهمیت رعایت بیت‌المال و حفظ آن در این آیه بسیار برجسته است. همچنین، تنظیم دقیق اسناد معاملات، حتی در امور غیرنقدی، امری ضروری و سودمند است؛ زیرا در معاملات نسبه احتمال دارد طرفین یا شاهدان معامله در اثر مهاجرت یا فوت، دیگر حاضر نباشند و مسائل به فراموشی سپرده شود. لذا ثبت مکتوب معاملات اهمیت فراوان دارد. این آیه نشان می‌دهد که جامعه اسلامی باید نسبت به حفظ حقوق و رعایت حق الناس حساس باشد و از حقوق یکدیگر حمایت کند؛ زیرا معاملات به شاهد و نویسنده عادل نیازمند است و این نشان‌دهنده اهمیت ویژه حق الناس است که باید مراقبت شود تا پایمال نگردد (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱، ۴۵۴).

یکی از نشانه‌های اهمیت حق الناس، رعایت دقیق شرایط معامله است. بر اساس



«تفسیر آسان»، دقت در رعایت شرایط داد و ستد، نشان‌دهنده توجه به حق الناس است؛ زیرا اگر بدهی یا حقی بر گردن کسی باقی بماند، باید پایمال نشود و به صاحب حق برسد (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲، ۱۷۷). در شریعت اسلام، حق الناس نه تنها کم‌اهمیت نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین حقوق الهی شناخته شده است و در احادیث شریف نیز بر آن تأکید ویژه شده است (بیگی، ۱۳۹۴).

در حدیثی از حضرت علی<sup>(ع)</sup> آمده است که حق الناس بر حق الله مقدم است: «الله جل جلاله حق الناس را بر حق خودش مقدم داشت، پس هر کس حقوق بندگان خداوند را رعایت کند، این کار به رعایت حقوق خدا منجر می‌شود» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۶: ۲، ۴۸۰). همچنین روایات متعددی بر اهمیت این موضوع دلالت دارد، از جمله حدیثی که در آن پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به خاطر بدهکاری میتی از خواندن نماز بر جنازه وی خودداری می‌کنند تا حق الناس ادا شود (کلینی، ۱۳۸۸: ۳، ۷۳۰). امام صادق<sup>(ع)</sup> نیز حق الناس را بالاتر از خون شهید دانسته و فرموده‌اند: «اولین قطره خون شهید کفاره گناهان اوست، مگر بدهکاری که کفاره آن ادای آن است» (کلینی، ۱۳۸۸: ۳، ۱۸۳).

این روایات نمایانگر اهمیت ویژه حق الناس است که باید به آن توجه خاص شود؛ اما علت این اهمیت بسیار چیست؟ یکی از دلایل آن این است که خداوند ممکن است در روز قیامت از حق خود بگذرد؛ اما هرگز از حق مردم نمی‌گذرد. البته باید توجه داشت که حق الناس واقع نوعی حق الله است؛ زیرا ذاتاً هیچ‌کس جز خدا حقی ندارد و حقوق مردم از جانب خداوند تعیین شده‌اند و تضییع این حقوق به معنای مخالفت با حکم الهی است (بیگی، همان).

بر اساس سفارش‌های متعدد قرآن مجید و توصیه‌های مکرر حضرات معصومین و صحابه، باید در ادای حق الناس نهایت کوشش را به کار بگیریم. نباید با غفلت یا نادانی، عزت ابدی در آخرت را به لذات زودگذر دنیوی بفروشیم. در این راستا، تهیه الگویی برای زندگی که به رعایت حق الناس منجر شود، ضروری است. لذا در این نوشتار، به صورت اجمالی به چستی، اهمیت و شرایط ادای حق الناس پرداخته شده است.

## ۱. مفاهیم

مفاهیم در حقیقت دریچه ورود به موضوع است و در آشناسازی با یک موضوع یا محتوا، نقش مهمی دارند. این مفاهیم مجموعه‌ای از اصطلاحات، ایده‌ها، اصول و دانسته‌های پایه‌ای هستند که برای درک بهتر و عمیق‌تر موضوعات استفاده می‌شوند. در اینجا به معرفی چند مفهوم کلیدی که نقش اساسی در مسائل مطرح در متن نوشتار را دارد، می‌پردازیم.

### ۱-۱. حق

مفهوم حق از مفاهیم اساسی و کلیدی است که در علوم مختلف مانند ادبیات عرب، فقه، کلام، تفسیر و اخلاق درباره چیستی و مصادیق آن تعاریف مختلفی صورت گرفته است. در کتب لغت برای مفهوم حق تعاریف فراوانی صورت گرفته است. از جمله این تعاریف موارد زیر است:

حق به معنای صدق، ثابت، ضد باطل و وجود ثابت گفته شده است (قرشی، ۱۳۷۷):  
 (۱۵۹). این واژه ضد باطل است، موجود ثابت که از نام‌های خداوند متعال است، حزم و دوراندیشی، یقین، امر مقرر، مال و ملک، مرگ، بخت و اقبال، عدل، سزاوار، شایسته (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۳۷). اصل کلمه حق به معنای مطابقت و موافقت چیزی با چیزی است؛ مانند مطابقت پایه درب با پاشنه درب، طوری که به آسانی و راحتی بچرخد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲۴۶). حق به معنای واجب کردن امری یا چیزی، کاری که البته واقع شود و واقف شدن بر حقیقت امری نیز گفته شده است (عمید، ۱۳۸۱: ۱، ۱۳۶). حق امر ثابتی است که انکارش ممکن نیست (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۹: ۱۳، ۲۷).

حق در اصطلاح قرآن کریم به معنای اطاعت پروردگار است: «فَدَالِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ؟» این است خدا، پروردگار حقیقی شما و بعد از حقیقت جز گمراهی چیست؟ پس چگونه [از حق] بازگردانیده می‌شوید؟» (یونس: ۳۲). در تفسیر المیزان ذیل این آیه آمده است: «حق بودن ربوبیت حق تعالی است و هدایت با پرستش و پیروی او، و گمراهی و ضلالت با رد حق همراه است...» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰، ۶۹). در تفسیر نمونه اطاعت از نشانه‌های عظمت و تدبیر پروردگار را حق و مایه هدایت می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸، ۲۷۹).



همچنین حق در اصطلاح قرآن کریم به معنای انجام بندگی آمده است:

أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند [و گفتند:]: میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم و گفتند: شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آمرزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است (بقره: ۲۸۵).

با گفتن «سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا» به‌طور مطلق و بدون هیچ قیدی اعلان اطاعت داده، در نتیجه حق مقام ربوبیت را ادا کردند. لذا به دنبال آن، حقی را که خداوند متعال برای آنان بر خود واجب کرده بود، مسئلت نموده و گفتند: «غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ». کلمه «مغفرت» و «غفران» به معنای پوشاندن است و برگشت مغفرت خدای تعالی به دفع عذاب است که خود پوشاندن نواقص بنده در مرحله بندگی است؛ نواقصی که در قیامت که بنده به سوی پروردگارش برمی‌گردد، فاش و هویدا می‌شود. علامه طباطبایی این آیه را بیان حق خدا بر بندگان و حق بندگان بر خداوند می‌داند و در این باره می‌فرماید: «مؤمنان با گفتن جمله سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا، حق بندگی را ادا کردند؛ زیرا تمام حقی را که خدا برای خود قرار داده، این است که بنده بشنود و فرمان ببرد و این همان بندگی است که در آیه ۵۷ سوره مبارکه ذاریات به‌عنوان هدف آفرینش معرفی شده است. خداوند سبحانه در مقابل حق خود که اطاعت و بندگی از سوی بنده است، برای بنده نیز حقی قرار داده و آن حق، آمرزش است که هیچ بنده‌ای از پیغمبران و دیگران در سعادت خویش از آن بی‌نیاز نیست و مغفرت، یعنی مستور که از دفع عذاب نشئت می‌گیرد؛ یعنی این آمرزش وقتی حاصل می‌شود که رفع عذاب حاصل شده است و در واقع دین موجب سعادت و حیات و اصلاح بشر است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲، ۶۷۹).

همچنین حق در اصطلاح به معنای غالب و پیروز است. حضرت علی<sup>(ع)</sup> در این باره فرمودند: «حق شمشیر برنده‌ای بر ضد باطل است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱، ۲۸). و نیز فرمودند: «اندکی حق بسیاری باطل را نابود می‌کند همچنان که آتش، هیزم‌های فراوانی را می‌سوزاند» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۰، حدیث ۱۶۷۳۵).

## ۱-۲. الناس

الناس یک کلمه عربی و به معنای مردم است و شامل انسان‌هایی است که به نحوی کم یا زیاد با شخص ارتباط دارند اعم از برادر، دوست، پدر، مادر، همسایه، امام و... ناس اسم جمع و حق الناس حق افراد نسبت به یکدیگر است که باید رعایت شود. رفتاری که سزاوار و شایسته است و باید رعایت گردد (عمید، ۱۳۸۱: ۳، ۱۶۴).

## ۱-۳. حق الناس

حق الناس به معنای «حق مردم» است و شامل تمام حقوقی می‌شود که انسان‌ها در قبال یکدیگر دارند. این حقوق، اعم از حقوق مالی و غیرمالی هستند. حقوق مالی شامل دیون، قرض‌ها، اموال امانی، نفقه، مهریه، ارث، حقوق عمومی و... می‌شود. حقوق غیر مالی نیز شامل حق حیات، کرامت انسانی، آزادی، امنیت، احترام، آبرو، گروکشی، اذیت و آزار، غیبت و تهمت و... می‌شود. حق الناس در اصطلاح عبارت است از وظایف واجبی که انسان در مقابل سایر افراد جامعه دارد که اگر مورد سهل‌انگاری یا کوتاهی قرار گیرد مجازات را به دنبال دارد؛ مانند قصاص که مصلحت و نفع خصوصی بنده در آن است و مانند حق آموزگار بر دانش‌آموز و حق فرزند بر پدر و مادر (حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۳، ۹۴).

## ۲. حرمت و اهمیت حق الناس

حق الناس از جمله مهم‌ترین حقوق در اسلام است و اهمیت آن دلایلی مختلفی دارد. ایجاد جامعه‌ای اخلاقی و انسانی با رعایت حق الناس، اعتماد و احترام بین افراد در جامعه افزایش می‌یابد و این امر، زمینه‌ساز ایجاد جامعه اخلاقی و انسانی خواهد شد. انسجام و وحدت اجتماعی با رعایت حق الناس، موجب انسجام و وحدت در جامعه می‌شود و از بروز اختلافات و نزاع‌ها جلوگیری می‌کند. آرامش و آسایش خاطر با رعایت حق الناس انجام می‌شود، از نظر روحی و روانی احساس آرامش و آسایش خاطر خواهد کرد. رعایت حق الناس، یکی از مصادیق تقوا و پرهیزگاری است و موجب رضایت خداوند متعال خواهد شد. کسی که حق الناس را رعایت می‌کند، در آخرت نیز رستگار خواهد شد. رعایت حق الناس که از مهم‌ترین دستورات اسلام و سفارش‌های قرآن کریم و ائمه طاهریین<sup>(ع)</sup> است نیازمند بررسی همه جانبه به منظور ارائه الگوی عملی برای زندگی انسان و رسیدن او



به سعادت و کمال است.

در بسیاری از متون دینی، حق الناس به عنوان خط قرمزی معرفی شده که تعدی به آن، حتی با اعمال عبادی فراوان، جبران نمی‌شود مگر با رضایت صاحب حق. در حقیقت، خداوند متعال حقوق مردم را در مرتبه‌ای مقدم بر برخی حقوق خویش قرار داده است تا نشان دهد سلامت روابط انسانی و رعایت حقوق اجتماعی، مقدمه‌ای برای تحقق بندگی واقعی است. امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> در کلامی نورانی می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدِّمَةً لِحُقُوقِهِ [عَلَى حُقُوقِهِ] فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّياً إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ؛ خداوند سبحان حقوق بندگانش را پیش از حقوق خود قرار داد؛ پس هر کس حقوق بندگان خدا را ادا کند، در واقع به رعایت حقوق الهی نیز پایبند خواهد بود» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۴۰). این بیان عمیق، ارتباط تنگاتنگ حق الناس و حق الله را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که بی‌اعتنایی به حقوق مردم، نشانه ضعف در ایمان و بی‌توجهی به خداوند است.

رعایت حقوق دیگران تنها محدود به مسائل مالی نیست، بلکه شامل آبرو، کرامت انسانی، فرصت‌های اجتماعی و حتی حق برخورداری از عدالت و انصاف نیز می‌شود. اسلام با تأکید بر سرعت در ادای این حقوق و پرهیز از هرگونه تأخیر یا تعلل، جامعه‌ای سالم و مبتنی بر اعتماد متقابل را ترسیم می‌کند. بر همین اساس، هرگونه ظلم، خیانت یا کوتاهی در ادای حقوق مردم، افزون بر پیامدهای دنیوی همچون بی‌اعتمادی و فروپاشی پیوندهای اجتماعی، عقوبت‌های سنگین اخروی را نیز به دنبال دارد. لذا کسی که در برابر مردم وظیفه‌اش را به درستی انجام می‌دهد، عملاً در مسیر اطاعت الهی گام برداشته و رضایت خدا را جلب کرده است؛ زیرا بندگی خداوند بدون رعایت حق بندگان، معنای کامل و حقیقی خود را نمی‌یابد.

پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: «حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ؛ احترام به مال مسلمان، مانند احترام به خون و جان او است» (پاینده، ۱۳۸۳: ۴۴۰). این حدیث بیانگر جایگاه والای حقوق مالی در اسلام است. همان‌گونه که جان مسلمان مصون از تعرض است و هیچ‌کس حق ندارد به آن تعدی کند، مال او نیز حرمت دارد و هرگونه تصرف در آن بدون





رضایت صاحبش، حرام و از گناهان کبیره به شمار می‌آید. این نگاه، نشان‌دهنده پیوند میان امنیت جانی و امنیت اقتصادی در جامعه اسلامی است؛ به گونه‌ای که هر دو از ارکان آرامش و اعتماد عمومی به شمار می‌آیند. بر اساس این آموزه، سرقت، غصب، کم‌فروشی، خیانت در امانت و حتی کوچک‌ترین تصرف ناحق در اموال دیگران، همانند ریختن خون بی‌گناه، گناهی بزرگ محسوب می‌شود و عقوبت دنیوی و اخروی دارد. اسلام با این تأکید، می‌خواهد جامعه‌ای بسازد که در آن کرامت انسان در همه ابعاد حفظ شود و هیچ‌کس احساس ناامنی مالی یا جانی نکند. رعایت این اصل، اساس روابط سالم اجتماعی و موجب استحکام پیوندهای ایمانی میان مسلمانان است.

### ۳. تفاوت حق الله با حق الناس

حق الناس حقوقی است که انسان‌ها در قبال یکدیگر دارند و ضایع کردن آن، ظلم به انسان دیگر محسوب می‌شود؛ اما حق الله حقوقی است که خداوند متعال بر بندگان خود دارد و ضایع کردن آن، گناه محسوب می‌شود. حق الناس از جمله مهم‌ترین حقوق در اسلام است و رعایت آن، واجب شرعی و اخلاقی هر مسلمانی است. با آگاهی از مصادیق حق الناس و تلاش برای رعایت آن‌ها، می‌توانیم جامعه اخلاقی و انسانی بسازیم و در مسیر کمال و سعادت گام برداریم.

در روایتی از امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> آمده است که فرمود: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ آدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ؛ بزرگ‌ترین عبادت نزد خداوند، ادای حق مؤمن است». این روایت نشان می‌دهد که رعایت حقوق دیگران، به‌ویژه مؤمنان، نه تنها وظیفه اجتماعی، بلکه برترین راه تقرب به خداست و حتی بر بسیاری از عبادات فردی برتری دارد. با این حال تفاوت‌هایی میان حق الله و حق الناس است که به دو مورد، اشاره می‌کنیم:

#### ۳-۱. بخشیده شدن حق الله از جانب خداوند

حق الله از جانب خدای متعال بخشیده می‌شود؛ اما بخشش حق الناس منوط به جلب رضایت صاحبان حق است. از امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> نقل شده است که حضرت فرمودند: «هر کس دو رکعت نماز بخواند در حالی که بداند چه می‌گوید، از نماز فارغ شود، در حالی که بین او و پروردگار گناهی نبوده، مگر آنکه آمرزیده است». گناهان گاهی حق الله و گاهی



حَقَّ النَّاسِ است، و این آمرزش مختصّ گناهان حَقَّ اللَّهِ است نه حَقَّ النَّاسِ از این جهت فرموده گناهانی که بین او و بین پروردگار است (ابن بابویه، بی تا: ۱۰۳). در حالی خداوند از حق بندگانش هرگز نمی‌گذرد و در دنیا یا در آخرت آن را می‌گیرد و به صاحبش می‌رساند.

### ۲-۳. سقوط حق الله با توبه

حق الله با توبه صادقانه بخشیده می‌شود؛ به این معنا که اگر کسی با ترک واجبات یا ارتکاب محرماتی که در قلمرو حق الله است، مرتکب گناه شود؛ اما پس از آن توبه حقیقی نماید، خداوند او را می‌آمرزد. در مواردی که امکان جبران وجود دارد، مانند قضای نماز، روزه، حج یا پرداخت خمس و زکات معوق، باید افزون بر توبه، آن اعمال را جبران کرد؛ اما حق الناس با توبه صرف از بین نمی‌رود، بلکه تا زمانی که رضایت صاحب حق جلب نشود، توبه نزد خداوند پذیرفته نخواهد شد. در حقیقت، توبه در حق الناس زمانی تحقق می‌یابد که علاوه بر پشیمانی قلبی، خسارت وارده جبران شود و صاحب حق رضایت دهد. بنابراین، بازگشت واقعی از گناهی که به حقوق مردم آسیب رسانده، تنها با اظهار ندامت ممکن نیست، بلکه جبران عملی و کسب رضایت طرف مقابل شرط اساسی آن است.

### ۴. شرایط ادای حق الناس

حق الناس از مظالم سنگینی است که جز با رضایت صاحبش بخشیده نمی‌شود پس باید در ادای حقوقی که بر گردنمان است بکوشیم تا با پرداخت آن‌ها از گرفتاری دو جهان نجات یابیم. در ادای حقوق مردم باید شرایطی را رعایت کرد تا احقاق حق به درستی و به طور تمام و کمال صورت گیرد. از آنجاکه رعایت حق الناس و ادای آن شامل شرایط چون اعتراف به خطا و ظلم با پذیرش اشتباه و اعتراف به ظلم، طلب بخشش و حلالیت، بازگرداندن حق، جبران خسارت، توبه و اصلاح رفتار، رعایت حقوق دیگران در آینده، دقت و توجه کافی در ادای دیون، عدالت، تساوی در ادای دیون مردم، سرعت عمل در ادای دین و دارای اهمیت دانستن ادای دین از جمله شرایطی ادای حق الناس است که در ذیل به برخی از این شرایط اشاره می‌کنیم.

#### ۴-۱. دقت

رعایت دقت در پرداخت حق مردم از مهم‌ترین شرط ادای حق الناس است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. بیان جزئیات حکم مجازات دزدی نشانگر این اهمیت است. قرآن می‌فرماید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ و مرد و زن دزد را به [سزای] آنچه کرده‌اند، دستشان را به‌عنوان کیفری از جانب خدا ببرید و خداوند توانا و حکیم است» (مائده: ۳۸).

در ترجمه مجمع البیان علت جمع آوردن را بریدن دست راست می‌داند و مقدار دزدی باید ربع دینار یا بیشتر باشد (طبرسی، ۱۳۶۰: ۷، ۳۱). در ترجمه تفسیر جوامع الجامع آمده است: «حرف فاء بر سر سارق جواب شرط است که باید دست راست دزد بریده شود و باید مبلغ سرقت، حداقل یک ربع دینار باشد و در اندازه و محل قطع اختلاف است. اهل سنت می‌گویند باید تا میج قطع شود؛ اما شیعه می‌گویند فقط چهار انگشت قطع شود و در بار دوم پای چپ او را از بیخ ساق قطع کرد و پاشنه پا باقی بماند تا در موقع نماز بر روی آن بایستند و اگر باز هم مرتکب سرقتی شد، برای همیشه زندانی شود (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲، ۷۳).

در تفسیر نمونه می‌فرماید علت تقدم مرد بر زن، در این آیه به خاطر آن است که در دزدی عامل اصلی بیشتر مردانند و کیفر آنان نتیجه کارهای خودشان است. هدف از این کیفر پیشگیری برای بازگشت به حق و عدالت است؛ زیرا نکال در اصل به معنای لجام و افسار است که برای جلوگیری از انحراف در کاری به کار می‌رود و منظور از نکال، مجازاتی است که موجب ترک گناه شود و چون خداوند قدرتمند است، پس دلیلی ندارد که از کسی انتقام بگیرد و چون حکیم است پس دلیلی ندارد کسی را بی حساب مجازات کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴، ۳۷۵).

در ترجمه تفسیر المیزان نیز واو اول آیه را واو استیناف می‌داند که نشانه آغاز کلام تازه‌ای است و معنای «اما» می‌دهد که به بیان موضوع و حکم دزد و دزدی می‌پردازد و حرف فاء در ادامه جواب حکم و اما است. جمع بستن ید، به دلیل استعمال شایع آن است. جزا، کیفر دزد در برابر عمل زشت اوست و نکال عقوبتی است که به مجرم می‌دهند تا هم مجرم از جرائم خود دست بردارد و هم دیگران با دیدن آن عبرت بگیرند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵، ۵۳۷).



دلیل دیگر در لزوم دقت در پرداخت حق الناس، تأکید و سفارش لقمان به فرزندانش بر رعایت دقت در انجام امور است: **يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَك مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ**؛ ای پسرک من، اگر [عمل] تو [هم وزن دانه خردلی و در تخته سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، خدا آن را می آورد که خدا بس دقیق و آگاه است] (لقمان: ۱۶).

در تفسیر المیزان آمده است: «مضمون آیه مورد بحث فصل دیگری از کلام اوست که مربوط به معاد و حساب اعمال است و معنایش این است که ای پسر! اگر آن خصلتی که انجام داده‌ای، چه خیر و چه شر، از خردی و کوچکی همسنگ یک دانه خردل باشد و همان عمل خرد و کوچک در شکم صخره‌ای و یا در هر مکانی از آسمان‌ها و زمین باشد، خدا آن را برای حساب حاضر خواهد کرد تا بر طبقش جزا دهد؛ زیرا خدا لطیف است و چیزی در اوج آسمان‌ها و جوف زمین و اعماق دریا از علم او پنهان نیست و علم او به تمامی پنهان‌ها احاطه دارد، خبیری است که از کنه موجودات با خبر است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶، ۳۲۴). در تفسیر آسان نیز آمده است که «لقمان فرزندش را از هر گناه کوچکی که حتی به اندازه ذره‌ای از دانه خردلی در آسمان‌ها یا زمین باشد بر حذر می‌دارد زیرا علم دقیق پروردگار همه را حاضر و به محاسبه می‌کشد» (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۶، ۱۰).

در روایات هم به رعایت دقت در پرداخت حق الناس سفارش شده است. حضرت امام علی<sup>(ع)</sup> در نهج البلاغه در اهمیت دقت در پرداخت حقوق مردم می‌فرماید: «آیا (مگر نه این) نیست که از نفوس، از هم وزن یک دانه خردل سؤال خواهد شد؟» (سید رضی، ۱۳۶۸: ۶۸۴) آن حضرت به محمد بن ابی بکر نوشت: «و بدانید ای بندگان خدا که خداوند عز و جل سؤال خواهد کرد از شما از هر کوچک و بزرگ از عمل شما» (سید رضی، ۱۳۶۸: ۵۳۱).

#### ۲-۴. رعایت عدالت

رعایت عدالت از دیگر شرایط پرداخت حق الناس است. در ادای حق مردم نباید تبعیض قائل شد. قرآن کریم اجرای عدالت را از اهداف بعثت انبیا معرفی می‌کند و می‌فرماید:

**لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا**



الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم تا خدا معلوم کند که چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری! خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است» (حدید: ۲۵).

در تفسیر اثنی عشری آمده است: «منظور از میزان، عدل است که موجب اعتلای دین و انتظام امور است» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۳، ۴۵). در تفسیر احسن الحدیث می‌فرماید: «منظور از ارسال رسل و انزال کتب آن است که انسان‌ها با عدالت و مراعات حقوق یکدیگر، زندگی کنند و ضمن استفاده از منافع آهن در حل مشکلات خویش، دین خدا را نیز یاری کنند» (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۱، ۴۱) قرآن کریم در وزن و میزان هم به رعایت عدالت سفارش می‌کند و می‌فرماید: «وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ؛ و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید» (الرحمن: ۹).

در گزیده تفسیر نمونه آمده است: «این آیه روی مسئله وزن به معنای خاص آن تکیه کرده و دستور می‌دهد که در سنجش و وزن اشیا به هنگام معامله، چیزی کم و کسر نگذارند. اهمیت میزان به هر معنا در زندگی و حیات انسان، چنان است که هرگاه همین مصداق محدود و کوچکش، یعنی ترازو را یک روز از زندگی حذف کنیم، برای مبادله اشیا گرفتار چه در دسرها و هرج و مرج‌ها، دعوا و نزاع‌ها خواهیم شد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵، ۵۱).

#### ۴-۳. مساوات

در پرداخت حق مردم باید هیچ تفاوتی نباشد و حق مرد و زن به طور یکسان پرداخت شود. قرآن کریم اجرای مجازات بین زن و مرد را یکسان می‌داند و می‌فرماید: «وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا؛ و مرد و زن دزد را به [سزای] آنچه کرده‌اند» (مائد: ۳۸) یعنی دزد مرد باشد یا زن، فرقی نمی‌کند، باید چهار انگشت او قطع شود. حکم مرد سرقت‌کننده و زن سرقت‌کننده به طور یکسان اجرا می‌شود؛ زیرا حق و تکلیف و مجازات برای همه یکسان است. با اینکه قرآن و روایات اکثراً زنان را از نظر احکام و دستوره‌های اسلام تابع مردان و وظائف ایشان را در وظائف مردان مندرج قرار داده‌اند، ولی با این حال در چون



زنان هم سابقه سرقت داشته‌اند، لذا حکم سرقت آنان را هم نظیر مردان جداگانه بیان کرده است. کلمه «السَّارِقُ» را در اینجا بدین جهت بر کلمه «وَالسَّارِقَةُ» مقدم داشته است که مردان معمولاً بیشتر به سرقت مایلند (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۴، ۱۶۳).

امام علی<sup>(ع)</sup> درباره تساوی مردم در حقوق می‌فرماید: «الناس فی الحق سواء» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵: ۴، ۳۳۹۴). امام باقر<sup>(ع)</sup> درباره ادای حق مردم به طور یکسان فرموده‌اند: «حق را بشناسید و رعایت کنید چه مربوط به کوچکی باشد، چه مربوط به بزرگی، چه مربوط به بلند مقامی و چه مربوط به پایین دست و ضعیفی» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۶: ۲، ۵۹).

#### ۴-۵. دارای اهمیت دانستن

ادای حق الناس کم و زیاد ندارد و باید پرداخت گردد. قرآن کریم کوچک‌ترین ستم را جایز نمی‌داند و به ذره هم اهمیت می‌دهد: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ؛ پس هر که هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید» (زلزال: ۷). «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ و هر که هم‌وزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید» (زلزال: ۸)؛ یعنی وزن به اندازه یک ذره هم اگر هست، باید به دقت حساب کنیم و نباید بگوییم این چیزی نیست. در ترجمه تفسیر المیزان «کلمه «مِثْقَال» به معنای هر وسیله‌ای است که با آن وزن‌ها را می‌سنجند و کلمه «ذره» به معنای آن دانه‌های ریز غبار است که در شعاع آفتاب دیده می‌شود. البته این کلمه به معنای مورچه‌های ریز نیز می‌آید. در آیه مورد بحث به دلیل اینکه حرف «فاء» بر سر دارد، تفریع و نتیجه‌گیری از آیه قبلی است که سخن از ارائه اعمال بندگان داشت و همان بیان را تأکید نموده می‌فهماند که کلیت ارائه اعمال، هیچ عملی نه خیر و نه شر نه کوچک و نه بزرگ، حتی به سنگینی ذره استثنا نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷، ۵۸۳).

#### نتیجه‌گیری

هدف خلقت رسیدن انسان به کمال است که با اطاعت از دستورات پروردگار محقق می‌شود و رعایت حق الناس یکی از این دستورات است که می‌تواند زمینه‌ساز کمال و رستگاری انسان باشد. بر اساس آموزه‌های دین اسلام و با توجه به دستورات قرآن کریم و



سیره ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> رعایت حق الناس و ادای حق مردم، یکی از راه‌های سعادت انسان است. حق الناس به معنای وظایف واجبی است که انسان در مقابل سایر افراد جامعه دارد و هرگونه اهمال و سستی در انجام این وظایف، مجازات به دنبال دارد. شناخت حق الناس و انواع و موارد و آثار آن، می‌تواند ما را در رعایت حق الناس و ادای حقوق مردم یاری نماید. آنچه در این میان موجب عدم ادای حقوق مردم می‌شود، انجام گناه و ارتکاب ظلم است که دل را تیره و از رحمت حق و قرب پروردگار دور می‌کند. تلاش برای دستیابی به منافع مالی و غیرمالی نامشروع و نامحدود؛ مانند حب ثروت و قدرت و رسیدن به مقام و نشان از رشته‌های نفوذ و سوسه‌های شیطان است که انسان را ترغیب می‌کند تا با تضییع و توجیه حقوق دیگران، برای خود حقی ایجاد کند تا به خواسته‌هایش برسد. این زیاده‌خواهی‌ها انسان را به ارتکاب انواع معاصی، ترغیب و در منجلاب گناه و دام شیطان گرفتار می‌کند و موجب نابودی و بدبختی او می‌شود.

آثار تضییع حقوق مردم در دنیا موجب محرومیت انسان از لذت زیارت و شهادت و عبادت و برکت شده و او را از رحمت و لطف پروردگار دور می‌کند و در آخرت نیز موجب نزدیکی به جهنم و دوری از بهشت و ثواب پروردگار می‌شود. با توجه به عواقب سخت حق الناس باید برای رهایی از مجازات آن چاره‌اندیشی کرد و بهترین راه نجات، جبران در دنیا است که با پرداخت خسارت و جریمه و دیه و کفاره و جلب رضایت مظلوم و کسب حلالیت از او حاصل می‌شود و اگر ستم دیده با گرفتن خون‌بها راضی به رضایت نشد بر اساس دستور اسلام، حکم قصاص جاری شود؛ اما در آخرت هیچ راه جبرانی وجود ندارد و پروردگار با اجرای عدالت به انتقام از ستمگران و تسویه حساب آن‌ها می‌پردازد. ابتدا از حسنات ستمگران کاسته و به حساب ستمدیدگان افزوده می‌شود و در مرحله بعد از سیئات ستمدیدگان برداشته و به پرونده مجرمان افزوده می‌شود تا هنگامی که تسویه حساب صورت گیرد و ستمگر بخشیده و ستم دیده راضی شود.



## فهرست منابع

قرآن کریم (ترجمه: فولادوند، محمد مهدی)

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (بی تا)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، (ترجمه: علی اکبر غفاری)، تهران: کتاب فروشی صدوق.
۲. پاینده، ابو القاسم، (۱۳۸۳)، *نهج الفصاحة*، تهران: دنیای دانش.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، (مصحح: سید مهدی رجایی)، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۴. حسینی دشتی، سید مصطفی، (۱۳۸)، *معارف و معاریف دائرة المعارف جامع اسلامی*، تهران: موسسه فرهنگی آرایه.
۵. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، (۱۳۶۳)، *تفسیر اثنا عشری*، تهران: انتشارات میقات.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۱)، *المفردات فی غریب القرآن*، (ترجمه: جهانگیر ولدبیگی)، تهران: انتشارات مرتضوی.
۷. سید رضی، محمد بن حسین بن موسی، (۱۳۶۸)، *نهج البلاغه*، (ترجمه: سید جعفر شهیدی)، تهران: چاپ افست.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، (ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی)، قم: دفتر نشر اسلامی.
۹. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۷)، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۶۰)، *مجمع البیان*، (مصحح: شعرانی، ابوالحسن)، بیروت: موسسة الاعلمی المطبوعات.
۱۱. عمید، حسن، (۱۳۸۱)، *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۲. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۳. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸)، *الکافی*، تهران: انتشارات جهان آرا.



۱۵. لیشی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۹۱)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دارالحديث.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۶۲)، *بحار الانوار*، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۶)، *میزان الحکمه*، (ترجمه: حمید رضا شیخی)، قم: دار الحديث.
۱۸. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۵)، *گزیده دانش نامه امیر المومنین<sup>(ع)</sup>*، (تلخیص: مهدی غلامعلی)، قم: دار الحديث.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۰. نجفی خمینی، محمد جواد، (۱۳۹۸)، *تفسیر آسان*، تهران: انتشارات اسلامیه.
۲۱. واعظ زاده خراسانی، محمد، (۱۳۸۹)، *المعجم فی فقه اللغه القرآن و سر بلاغه*، مشهد: آستان قدس رضوی.



## دعا از منظر قرآن و سنت

محب الله مفلح<sup>۱</sup> | عبدالحق حبیبی<sup>۲</sup>

### چکیده

دعا به معنای اظهار عجز و نیاز در پیشگاه خداوند متعال، از مهم‌ترین ابزارهای معنوی انسان برای رویارویی با مشکلات و حوادث زندگی است. قرآن کریم با ذکر نمونه‌های متعددی از دعاهای پیامبران، این حقیقت را یادآور می‌شود که بندگان شایسته، همواره در سختی‌ها و نیازها، به درگاه الهی پناه می‌برند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی جایگاه دعا از منظر قرآن پرداخته و در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که «دعا در قرآن چه جایگاه، شرایط و آثاری دارد و ترک آنچه پیامدهایی برای انسان به همراه دارد؟» هدف تحقیق، تبیین اهمیت دعا به عنوان راه ارتباط مستقیم بنده با خدا و بازشناسی آثار فردی و اجتماعی آن است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم دعا را نه تنها عملی عبادی، بلکه ضرورتی حیاتی برای رشد معنوی انسان معرفی می‌کند و بر اجابت آن، مشروط به رعایت آداب و شرایط، تأکید دارد. ترک دعا، به‌ویژه در عصر حاضر، از عوامل مهم ضعف روحی و دوری از خداوند است که پیامدهای آن را می‌توان در سطوح درونی و بیرونی، جسمی و روحی مشاهده کرد. همچنین، نتایج حاکی از آن است که دعا در اسلام تابع ضوابط شرعی است و موضوع، شیوه و محتوای آن باید بر اساس هدایت الهی و تعالیم پیامبران باشد.

**کلیدواژه‌ها:** دعا، شرایط دعا، آثار دعا، قرآن و سنت، دعای ممنوع، دعای برگزیده

۱. ماستری تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

۲. دکتری علوم قرآن، استاد دانشگاه پنجشیر، پنجشیر، افغانستان

دعا نشانه تسلیم قلبی انسان در برابر قدرت و رحمت بی‌پایان خداوند متعال است. این عمل عبادی، سلاحی نیرومند در دست مؤمن برای مقابله با مشکلات و پاسخ به نیازهای مادی و معنوی به شمار می‌رود. با این حال، همان‌گونه که می‌تواند راهگشای قرب به پروردگار و هدایت باشد، گاه در اثر انحراف و غفلت، به مسیری نادرست همچون شرک و بدعت کشیده می‌شود. دعا باید خالصانه و تنها متوجه ذات اقدس الهی باشد؛ زیرا او شنوا، آگاه و بی‌نیاز از هر واسطه، دربان یا ترجمان است. مؤمن وظیفه دارد در نیایش‌های خود تنها خدا را بخواند و با بهره‌گیری از اسمای حسناى الهی، با او به راز و نیاز پردازد.

بخشی از اذکار و ادعیه رایج در میان مردم، متأسفانه فاقد پشتوانه معتبر قرآنی و حدیثی است و گاه آمیخته با خرافات و بدعت‌هایی می‌شود که از روح اصیل دعا فاصله دارد. اصلاح این وضعیت، تنها با پالایش محتوای دعاها و بازگشت به معارف ناب و منابع اصیل دینی امکان‌پذیر است. دعا در حقیقت ارتباط مستقیم و بی‌واسطه بنده با خداوند متعال است که باید بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایات صحیح معصومان<sup>(ع)</sup> انجام گیرد تا ضمن حفظ روح توحیدی، آثار تربیتی و معنوی آن نیز در زندگی فرد و جامعه نمایان شود. پژوهش حاضر با هدف تبیین چیستی دعا، بررسی چرایی جایگاه و اهمیت آن و تحلیل آثار فردی و اجتماعی این عبادت، بر پایه آیات قرآن کریم و سنت معتبر معصومان تدوین شده است. امید است این تلاش علمی، زمینه‌ای برای تعمیق معرفت دینی، تقویت نگرش توحیدی و زدودن پیرایه‌ها و انحرافات از فرهنگ دعا و ذکر فراهم آورد تا این سنت الهی، به شکلی ناب و اثربخش، در زندگی مسلمانان جایگاه واقعی خود را بازیابد.

### ۱. معنای دعا

دعا در لغت به معنای خواندن، درخواست حاجت، طلب آموزش، طلب یاری، ثنا، ستایش، تضرع و گاهی به معنای مطلق صدازدن نیز به کار می‌رود (معین، ۱۳۸۶: ۱، ۶۸۴). در قرآن نیز دعا گاه به معنای ندا و خواندن به کار رفته است، همانند آیه «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ»؛ در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم،) پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: خداوند! از طرف خود، فرزند





پاکیزه‌ای به من عطا فرما که تو دعا را می‌شنوی» (آل عمران: ۳۸). واژه دعا و دیگر مشتقات آن در قرآن کریم به چندین معنا به کار رفته است که از جمله آن‌ها، خواندن، دعا کردن، خواستن از الله عزوجل، ندا دادن، صدا زدن، دعوت کردن به چیزی یا به سوی کسی، استغاثه و یاری خواستن. چنانکه حضرت نوح<sup>(ع)</sup> دعا کرد: «فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ؛ پس از پروردگار خود خواست (دعا کرد) که من مغلوبم مرا یاری ده» (قمر: ۱۰).

## ۲. شرایط دعا برای استجاب

دعا در سنت اسلامی دارای آدابی است که رعایت آن‌ها زمینه اجابت را فراهم می‌سازد که ذیلاً ارائه می‌شود:

۱. نخستین شرط، آغاز و پایان دعا با حمد و ستایش پروردگار متعال و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم است. در روایتی آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به فردی که بدون درود فرستادن بر ایشان در دعا شتاب ورزید، فرمودند: «ای نمازگزار، عجله کردی! هرگاه نماز گزاردی و نشستی، الله را به آنچه شایسته اوست، ستایش کن و بر من درود بفرست، سپس دعا کن». همچنین در پاسخ به کسی که خداوند را ستایش نمود و بر پیامبر صلی الله علیه و سلم درود فرستاد، فرمودند: «ای نمازگزار! دعا کن که دعایت پذیرفته می‌شود». این نشان می‌دهد که پیوند میان ستایش الهی، درود بر پیامبر و دعا، اساس قبولی آن است.

۲. دومین شرط، عزم و یقین در هنگام دعاست. انسان باید با اراده و اعتماد کامل از پروردگار درخواست کند و به اجابت آن باور داشته باشد. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در این باره فرمودند: «هرگاه یکی از شما دعا کرد، باید با عزم و اراده دعا نماید و نگوید: پروردگار! اگر خواستی به من عطا کن؛ زیرا هیچ کس نمی‌تواند خداوند جل جلاله را به انجام کاری مجبور کند» (صحیح بخاری). این بیان، ضرورت یقین قلبی در دعا را آشکار می‌سازد.

۳. سومین شرط، پرهیز از شتاب در انتظار اجابت است. در حدیثی که امام ترمذی روایت کرده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: «يُسْتَجَابُ لِأَحَدِكُمْ مَا لَمْ يَعْجَلْ؛ یعنی دعای یکی از شما پذیرفته می‌شود، مادامی که عجله و شتاب نکند» (بیهقی، ۱۴۱۲: حدیث ۴۳۹۹). این اصل نشان می‌دهد که تأخیر در اجابت، نشانه رد دعا نیست، بلکه بخشی از حکمت الهی است.

### ۳. فواید دعا در زندگی مادی و معنوی انسان

دعا در فرهنگ اسلامی جایگاهی والا دارد و آثار و برکات فراوانی برای زندگی مادی و معنوی انسان به همراه می‌آورد. نخستین فایده، اجابت و تحقق دستور الهی است؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم» (غافر: ۶۰). این آیه نشان می‌دهد که دعا هم خواست و نیاز انسان را آشکار می‌سازد و هم اطاعت از فرمان پروردگار به شمار می‌رود.

دومین فایده دعا، در امان ماندن از خشم و غضب الهی است. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَدْعُ اللَّهَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ؛ کسی که خدا نخواند و دعا نکند، خداوند بر او غضب خواهد کرد» (ترمذی، بی‌تا: ۹، ۳۱۳). این روایت بیانگر آن است که ترک دعا موجب نارضایتی پروردگار خواهد شد؛ زیرا دعا نکردن، قطع ارتباط بندگی با خداوند می‌شود.

سومین فایده دعا، دفع سختی‌ها و بلاهاست. در روایت آمده است که پیامبر خدا (ص) فرمودند: «هیچ مسلمانی نیست که به درگاه خداوند دعایی کند که در آن گناه و قطع رحم نباشد، مگر اینکه خداوند یکی از سه چیز به او عطا کند: یا دعایش را به زودی مستجاب می‌کند، یا پاداش آن را برای آخرت ذخیره می‌کند و یا بدی را به سبب دعا از او دور می‌سازد» (بخاری، بی‌تا: حدیث ۵۹۵۸).

همچنین در حدیثی دیگر پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنْ شِئْتَ، وَلْيَعِزِّمِ الْمَسْأَلَةَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا مُكْرَهَ لَهُ؛ هیچ‌یک از شما نگوید: خدایا! مرا ببامرز اگر بخواهی؛ بلکه باید با عزم بخواند، زیرا هیچ‌کس خداوند جل جلاله را مجبور نمی‌سازد» (بخاری، بی‌تا: حدیث ۵۹۵۸).

### ۴. اهمیت دعا از منظر قرآن

دعا در متون قرآنی و روایی جایگاهی بنیادین دارد و به‌عنوان راه ارتباط بنده با پروردگار و عامل رشد معنوی و نجات اخروی معرفی شده است. در قرآن کریم خداوند متعال می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ



جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ؛ پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند» (غافر: ۶۰). در این آیه، دعا هم‌ردیف عبادت قرار گرفته و ترک آن نشانه استکبار دانسته شده است که پیامد آن ورود به جهنم با خواری است.

در آیه دیگر آمده است: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، بگو من نزدیکم، دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، جواب می‌دهم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه رشد را بیابند» (بقره: ۱۸۶). این آیه نشان‌دهنده رابطه مستقیم، بی‌واسطه و پر از رحمت میان خالق و مخلوق است.

همچنین دعای حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن بیانگر جایگاه والای دعا در حیات انبیا است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ؛ حمد خدایی را که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید؛ مسلماً پروردگار من، شنونده (و اجابت کننده) دعاست. پروردگارا! مرا برپا کننده نماز قرار ده و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا: دعای مرا بپذیر! پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن روز که حساب برپا می‌شود، بیامرز» (ابراهیم: ۳۹-۴۱).

این آیات نشان می‌دهد که دعا، محور عبودیت و راهگشای ارتباط عمیق انسان با خداوند متعال است. به همین دلیل در زندگی انبیای بزرگ هم حضور اساسی و مؤثر داشته است.

## ۵. اهمیت دعا در روایات

جایگاه دعا در معارف دینی، همواره در روایات اهل بیت<sup>(ع)</sup> و سنت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> مورد تأکید بوده است. امام علی<sup>(ع)</sup> در بیان ارزش دعا می‌فرماید: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ؛ بهترین عمل بندگی نزد خداوند در روی زمین، دعا است» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۳۹). این روایت نشان می‌دهد که محبوب‌ترین عمل در نزد خداوند متعال بر روی زمین، دعا و راز و نیاز بنده با پروردگار است.

پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نیز در روایات گوناگون به اهمیت دعا پرداخته‌اند. در حدیثی می‌فرمایند:

«الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ وَلَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ؛ دعا مغز و عصاره عبادت است و هیچ کس با دعا کردن هلاک نمی‌شود» (راوندی، ۱۴۰۷: ۱۸). این بیان نشان‌دهنده آن است که دعا جوهره و حقیقت عبادت محسوب می‌شود و اثر آن مانع هلاکت معنوی و سقوط انسان می‌گردد.

همچنین در روایتی دیگر رسول خدا<sup>(ص)</sup> فرمودند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ، فَإِذَا أذِنَ اللَّهُ لِلْعَبْدِ فِي الدُّعَاءِ فَتَحَ لَهُ بَابَ الرَّحْمَةِ، إِنَّهُ لَنْ يَهْلِكَ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ؛ بهترین عبادت دعاست و هرگاه خداوند به بنده‌ای اذن و توفیق دعا دهد، در رحمت را بر او گشوده است. بی‌تردید هیچ کس با دعا هلاک نمی‌شود» (ابن قیسرانی، ۱۴۱۶: ۱، ۴۳۱).

از مجموعه این روایات برمی‌آید که دعا، برترین و محبوب‌ترین عمل نزد خداوند و راهی مطمئن برای دریافت رحمت الهی و مصون ماندن از هلاکت روحی و دینی محسوب می‌شود. بنابراین دعا کنید؛ زیرا دعا به درگاه خدا و مسئلت کردن از او بلایی را که قضا و قدر الهی به آن تعلق گرفته و فقط مانده که به اجرا درآید، دفع می‌کند.

## ۶. توصیه و ترغیب قرآن به دعا

یکی از محورهای مهم در قرآن کریم و روایات، توصیه و ترغیب به دعاست. از جمله: «وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ از فضل خدا درخواست کنید» (نساء: ۳۲) همچنین فرموده است: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم» (غافر: ۶۰). در آیه دیگری نیز آمده است: «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ پس خدا را با دلی پاک و خالص بخوانید، هرچند کافران خوش نداشته باشند» (غافر: ۱۴) و نیز: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ پروردگار خود را (آشکارا) از روی تضرع و در پنهانی، بخوانید! (و از تجاوز، دست بردارید که) او متجاوزان را دوست نمی‌دارد» (اعراف: ۵۵).

دعا ابزار نیازخواهی از پروردگار و نشانه‌ای از بندگی، فروتنی و ارتباط صمیمی با خالق است. قرآن کریم در آیات متعددی به این موضوع اشاره کرده و دعا را از صفات برجسته پیامبران دانسته است. از جمله در آیات ذیل:

۱. خداوند متعال درباره پیامبران می‌فرماید: «إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا





رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ؛ آنان در کارهای نیک شتاب می‌کردند و ما را از روی رغبت و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند» (انبیاء: ۹۰).

این آیه، پیامبران الهی را به سبب داشتن سه ویژگی اساسی، مورد ستایش قرار داده است: نخست سرعت و پیشگامی در کارهای خیر؛ دوم دعا با انگیزه رغبت به رحمت الهی و بیم از عذاب او؛ سوم خشوع و فروتنی در برابر پروردگار. همین صفات سه‌گانه عامل برتری پیامبران، غلبه آنان بر دشمنان و نزول یاری الهی بوده است.

۲. قرآن کریم در توصیف مؤمنین راستین می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا؛ آن کسانی که ایشان را [به جای خدا] می‌خوانند، خود نیز در پی وسیله‌ای به سوی پروردگارشان هستند تا بدانند کدام یک از آنان به او نزدیک‌ترند؛ و به رحمت او امید دارند و از عذابش بیمناکند. بی‌گمان عذاب پروردگارت همواره ترسناک است» (اسراء: ۵۷). طبق این آیه، دعا و نیایش و عرضه نمودن تمام حاجات و ضرورت‌ها به درگاه پروردگار، سنت همیشگی پیامبران، عادت پسندیده اولیای الهی و شیوه مؤمنان راستین بوده است.

در آیه دیگری از قرآن نیز، دعا به‌عنوان شاخصه بارز بندگان مؤمن معرفی شده است: «تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا؛ پهلوهایشان از بستر جدا می‌شود و پروردگارش را از روی بیم و امید می‌خوانند» (سجده: ۱۶). این آیات بیانگر آن است که مؤمنان راستین، در برابر آیات الهی خاضع و فروتن‌اند، شب‌زنده‌داری و دعا را پیشه می‌سازند و با خلوص دل از پروردگار خویش رحمت می‌طلبند و از عذاب او می‌هراسند.

۳. قرآن دعا را حقیقت دین معرفی کرده و فرموده است: «هُوَ الْحَيٰ لَآ إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ درحالی‌که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید، او را بخوانید» (انعام: ۵۷).

## ۷. آثار و پیامدهای دعا

از منظر معرفتی، دعا استقلال مطلق به اسباب عادی را نفی کرده و توجه دل را به «مسبب



الاسباب» معطوف می‌سازد. در روایات آمده است که دعا جزئی از قدر الهی و در زنجیره اسباب تحقق امور قرار دارد. بر این اساس، دعا صرفاً یک تلقین روانی یا آرامش موهوم نیست، بلکه واقعیتی است که می‌تواند مشکلات بزرگ را حل نماید و حتی از اسباب طبیعی نیز قوی‌تر عمل کند. کسانی که خود آثار دعا را تجربه کرده یا شاهد تجربه دیگران بوده‌اند، آن را یک نیروی واقعی می‌دانند، گرچه خاصیت تلقینی و روانی آن نیز انکارناپذیر است. لذا دعا در معارف دینی آثار عمیق و گسترده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. برخی از این آثار را که از متن روایات شریف برگرفته شده است، در ادامه می‌آوریم:

### ۷-۱. آثار دنیوی دعا

دعا در زندگی انسان نقشی بنیادین دارد و استحکام همه ابعاد وجودی، اعم از اعتقادی، اخلاقی، عملی، اجتماعی و حتی اقتصادی، به آن وابسته است. دعا وسیله ارتباط با خداوند، عامل تقویت اراده، آرامش روحی و استواری در برابر مشکلات است. دستیابی به اهداف دنیوی و اخروی بدون نیایش ممکن نیست؛ زیرا دعا سرچشمه امید، انگیزه و توکل است و زمینه‌ساز پیشرفت فردی و جمعی می‌گردد که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. **ازدیاد الفت و محبت جمعی:** پیامبر اکرم (ص) در یکی از دعاهای جامع خود بر این موضوع اشاره فرموده‌اند: «اللهم أَلفْ بَین قُلُوبِنَا، وَأَصْلِحْ ذَات بَینِنَا، وَاهْدِنَا إِلَى سَبِیلِ السَّلَامِ، وَنَجِّنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَجَنِّبْنَا الفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ، وَبَارِكْ لَنَا فی أَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُلُوبِنَا وَأَزْوَاجِنَا وَذُرِّیَاتِنَا، وَتَبَّ عَلَیْنَا إِنْكَأَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِیمُ، وَاجْعَلْنَا شَاكِرِینَ لِنِعْمِكَ، مَثْنِینَ بِهَا عَلَیكَ، قَابِلِیْهَا مِنَّا، وَأَتَمِّمِهَا عَلَیْنَا؛ خدایا، بین دل‌های ما الفت بیاور و اختلافات و ناسازگاری‌های ما را اصلاح کن. ما را به راه‌های صلح و دوستی هدایت فرما و از تاریکی‌ها به سوی نور و روشنی نجات بده. خدایا، ما را از فواحش آشکار و پنهان دور کن و در شنیدار، بینایی، دل‌ها، همسران و نسل‌های ما برکت عطا فرما. توبه ما را بپذیر که قطعاً تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی. ما را شکرگزار نعمت‌هایت گردان و زبانمان را به ستایش از تو وادار و نعمت‌هایت را به کمال بر ما تمام کن» (سنن ابی داود، بی‌تا: حدیث ۹۶۹).

۲. **زدودن روح استکبار و نفاق:** پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَقَدْ بَرِيَ مِنَ النِّفَاقِ؛ هر که خدا را بسیار یاد کند از نفاق دور خواهد ماند» (محمّدی ری شهری،



۱۳۶۷: ۲، ۹۷۳). از این رو دعا و ذکر الهی روح تکبر و استکبار را می‌میراند و انسان را از دام نفاق می‌رهاند.

۳. تقویت و استحکام بنای معرفت انسان: هنگامی که انسان به درگاه پروردگار روی می‌آورد، درمی‌یابد که خداوند بر همه چیز قادر و بر اسرار درون و بیرون آگاه است. این اندیشه سطح معرفت و شناخت او را ارتقا می‌بخشد، به ویژه زمانی که با ادعیه اهل بیت علیهم السلام انس بگیرد که مملو از معارف ناب و خداشناسی است.

۴. تلطیف روح و طهارت نفس: ارتباط با معبود، دل را صیقل می‌دهد و جان را به سوی پاکی و صفا می‌کشانند. افزون بر آن، دعا آرام‌بخش دل‌ها و تسکین‌دهنده آلام روحی و روانی است؛ زیرا دعا یاد خدا است و یاد خدا آرام‌بخش دل و جان عبد: «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸).

۵. جهت‌دهی به زندگی و ساختن آرمان‌های متعالی: دعا انسان را امیدوار می‌سازد؛ زیرا او خود را در پیوندی صمیمی با منبع فیض مطلق می‌یابد و از تنهایی و بی‌پناهی رهایی پیدا می‌کند. در حقیقت، دعا نور امید را در دل انسان می‌افروزد. انسان ناامید همچون مرده‌ای بی‌تحرك است؛ اما کسی که چراغ امید در دل دارد، حتی در سخت‌ترین شرایط، همچون بیماری یا میدان نبرد، با انگیزه و توان به زندگی و پیروزی ادامه می‌دهد.

## ۲-۷. آثار اخروی دعا

آثار دعا در آخرت تجسم ایمان، عبودیت و توکل بنده بر خدای متعال است و از بزرگ‌ترین سرمایه‌های سعادت ابدی به شمار می‌آید. دعا در آخرت همچون توشه‌ای است که انسان با خود به سرای باقی می‌برد و نتیجه اخلاص، خشوع و ارتباط صمیمانه با پروردگار در دنیا، در قیامت آشکار می‌شود. قرآن کریم بیان می‌دارد که اهل بهشت در سخن خود به دعا به‌عنوان رمز نجات اشاره می‌کنند و اعتراف دارند که همواره در دنیا پروردگارشان را می‌خواندند و به سبب همین ارتباط قلبی و زبانی از عذاب و شقاوت رهایی یافته‌اند. لذا دعا سبب اجابت خواسته‌های بنده در دنیاست و در آخرت نیز زمینه آمرزش، شفاعت، ارتقای درجات و نزدیکی به رحمت الهی را فراهم می‌سازد. روایت‌های متعدد پیامبر اکرم (ص) نشان می‌دهد که دعا عبادتی است که حتی اگر ظاهر آن در دنیا به اجابت ظاهری



نرسد، در آخرت به صورت ثواب عظیم و گاه به شکل دفع عذاب یا ارتقای مرتبه به مؤمن عطا می‌شود. از این رو، دعا وسیله امیدواری مؤمنان به فضل و مغفرت الهی است و مانع نومیدی در عرصه قیامت می‌گردد. بندگانی که در دنیا به دعا مداومت دارند، در آخرت با آرامش و اطمینان در سایه رحمت الهی قرار می‌گیرند.

دعا یکی از عوامل اساسی رشد و تعالی انسان است؛ زیرا او را از غرور، تکبر، استکبار و خودپرستی دور می‌سازد و هماهنگ با فطرت، دل را به سوی خدای سبحان متوجه می‌کند و زندگی با عزت و شرافتمندانه به او می‌بخشد. از این رو، بر انسان لازم است که در همه حال ذکر خدا و درخواست و دعا بر زبان و دل داشته باشد؛ زیرا هر دعا و ذکر نوعی اجابت الهی است. آیات و روایات فراوان نشان می‌دهند که هیچ شرایطی نباید مانع دعا شود و دعای بنده نزد خداوند بی‌ثمر نمی‌ماند. دعا برای مؤمن سه حالت دارد: یا در دنیا مستجاب می‌شود، یا بلایی از او دفع می‌گردد، یا در آخرت به صورت ذخیره‌ای ارزشمند به او عطا می‌شود. مؤمن در قیامت وقتی ثواب عظیم دعا را می‌بیند، آرزو می‌کند کاش هیچ دعایش در دنیا مستجاب نشده بود. بنابراین، پاسخ خداوند به دعا همواره در سه شکل است: عطای فوری، بخششی بهتر از خواسته، یا تأخیری همراه با خیر و برکت بیشتر.

## ۸. دعای ممنوع در سنت نبوی (ص)

۱. طلب عذاب: از انس روایت است که پیامبر اکرم (ص) روزی به عیادت بیماری رفت که از شدت رنج و ناتوانی، همچون جوجه‌ای ضعیف شده بود. حضرت پرسید: «آیا چیزی دعا می‌کردی یا از خداوند چیزی می‌خواستی؟ بیمار گفت: بله، می‌گفتم: «خدایا! مجازات آخرتم را همین جا در دنیا به من بده». پیامبر (ص) فرمودند: «سبحان الله! طاقت آن را نداری؛ چرا نگفتی: پروردگارا! در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب دوزخ برهان». سپس پیامبر برای او از خداوند شفا طلبید و خدا شفایش داد. این روایت نشان می‌دهد که در دعا نباید درخواست رنج و عذاب کرد، بلکه باید نیکی دنیا و آخرت را با هم طلبید.

۲. طلب مرگ: از قیس بن ابی حازم روایت است که گفت: دَخَلْنَا عَلَى خَبَّابِ بْنِ الْأَرْتِّ - رضی الله عنه - نَعُوذُهُ وَقَدْ اِكْتَوَى سَبْعَ كِيَاتٍ فِي بَطْنِهِ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَوْلَا أَنَّ رَسُولَ



اللّٰه - صلی الله علیه و سلم - نَهَاَنَا أَنْ نَدْعُوَ بِالْمَوْتِ، لَدَعَوْتُ بِهِ، فَقَدْ طَالَ بِي مَرَضِي؛ به عیادت خباب بن الأرت رفتیم، در حالی که به سبب شدت بیماری، هفت بار شکمش را داغ کرده بودند. او گفت: «اگر پیامبر صلی الله علیه و سلم ما را از دعا برای مرگ نهی نکرده بود، من مرگ خود را می طلبیدم؛ زیرا بیماری ام طولانی شده است» (مسلم، ۱۴۱۲: حدیث ۶۹۹۳).

همچنین از انس روایت است که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرمودند: «هیچ کس نباید به خاطر بیماری یا سختی، آرزوی مرگ کند. اگر ناچار شد، تنها این گونه بگوید: پروردگارا! تا زمانی که زندگی برایم بهتر است، مرا زنده بدار و هرگاه مرگ برایم بهتر بود، جانم را بگیر». این احادیث نشان می دهد که اسلام، ناامیدی و طلب مرگ را ناپسند می داند و به جای آن، انسان را به تسلیم در برابر اراده الهی و دعا برای خیر دنیا و آخرت دعوت می کند. چنین نگاهی، روحیه صبر، امید و توکل را در مؤمن زنده نگه می دارد.

۳. نفرین دیگران: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ادْعُ عَلَيَّ الْمُشْرِكِينَ، قَالَ: إِنِّي لَمُ أَبْعَثُ لِعَانًا، وَإِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً؛ به پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> گفته شد که مشرکین را نفرین کنید. فرمودند: من لعن و نفرین کننده نیستم؛ زیرا به عنوان رحمت مبعوث شده ام».

۴. دشنام دادن دیگران بدون حق: پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می فرمایند: «دشنام دادن مسلمان، فسق و جنگ با وی کفر است». در موضعی دیگر فرمودند: «هیچ مردی دیگر را به فسق یا کفر متهم نمی کند، مگر اینکه فسق و کفر بر او باز می گردد، اگر این نسبت ها به آن درست نباشد» (بخاری، بی تا: حدیث ۶۰۴۵).

۵. دشنام دادن مردگان بدون حق و مصلحتی شرعی: رسول الله<sup>(ص)</sup> می فرماید: «لَا تَسُبُّوا الْأَمْوَاتَ فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلَى مَا قَدَّمُوا» (بخاری، بی تا: حدیث ۹۳۱۳).

## ۹. دعاهای برگزیده قرآنی

در میان انواع دعاها، دعاهای قرآنی جایگاه ویژه ای دارند؛ زیرا این دعاها کلماتی هستند که مستقیماً از سوی خداوند نازل شده و با حکمت الهی همراهند. استفاده از دعاهای قرآنی مزیتی بزرگ دارد، چون الفاظ و مضامین آن ها دقیق، کامل و عاری از هرگونه لغزش بشری است. وقتی انسان به دعاهای قرآنی متوسل می شود، مطمئن است که درخواست های

او مطابق با آموزه‌های الهی و خواسته‌های پسندیده نزد پروردگار است. مزیت دیگر این دعاها، جامعیت آنهاست. بسیاری از دعا‌های قرآنی هم جنبه فردی دارند و هم اجتماعی؛ یعنی هم به نیازهای معنوی و روحی فرد توجه کرده‌اند و هم به مسائل زندگی جمعی و اخلاقی. از سوی دیگر، دعا‌های قرآنی انسان را به معارف عمیق توحید، معاد و بندگی رهنمون می‌سازند و همین امر سبب رشد معنوی و تربیتی می‌شود. بنابراین، عبد نباید از خواندن این دعاها غفلت کند؛ زیرا هم از سرچشمه وحی برخاسته‌اند، هم کوتاه و پرمعنا هستند و هم انسان را به سوی خواسته‌های صحیح و نجات‌بخش هدایت می‌کنند. اینک به چند نمونه از این دعا‌های ناب اشاره می‌کنیم:

۱. جامعیت دعای قرآنی: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ؛ بارالها! ما را از نعمت‌های دنیا و آخرت هر دو بهره‌مند گردان و از عذاب و شکنجه آتش دوزخ نگهدار» (بقره: ۲۰۶). این دعا از چنان جامعیتی برخوردار است که در چند واژه کوتاه، همه نیازهای اساسی انسان را در بر می‌گیرد. در بخش نخست، از خداوند «حسنه دنیا» خواسته می‌شود؛ یعنی هر خیر، برکت، سلامت، رزق پاک، آرامش و موفقیتی که مایه زندگی سالم و سعادت‌مند در دنیاست. در بخش دوم، «حسنه آخرت» مطرح است؛ یعنی بهشت، مغفرت و رضوان الهی که هدف نهایی انسان است. در بخش پایانی نیز پناه بردن از عذاب جهنم ذکر شده است که نهایت رحمت و نجات را طلب می‌کند. بدین ترتیب، این دعا با سه محور اصلی، هم سعادت دنیوی، هم رستگاری اخروی و هم نجات از شقاوت را تضمین می‌کند.

۲. گویای حال و روحیه بندگی دعای قرآنی: «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ پروردگارا! ما را به سبب آنچه از روی فراموشی یا خطا انجام دادیم، مؤاخذه مکن. پروردگارا! تکلیف سنگین و طاقت‌فرسا، آن‌گونه که بر پیشینیان ما نهادی، بر ما قرار مده. پروردگارا! آنچه را طاقت آن نداریم بر ما تحمیل مکن. بر ما ببخشای و ما را بیمارز و بر ما رحمت فرما. تو مولای مایی، پس ما را بر گروه کافران یاری ده و نصرت عطا کن» (بقره: ۲۸۶). این دعا



محتوایی سرشار از رحمت، مغفرت و یاری الهی دارد و مجموعه‌ای کامل از نیازهای فردی، اجتماعی و اعتقادی انسان را در قالبی کوتاه و پرمعنا بیان می‌کند.

### ۱۰. دعاهای برگزیده روایی

دعاهای مأثور از پیامبر اکرم (ص)، جایگاه ویژه‌ای در سنت اسلامی دارند؛ زیرا کلماتی هستند که از زبان برگزیده خداوند جاری شده و هم از نظر معنا و هم محتوا، عمیق و هدایتگرند. مزیت این دعاها در آن است که روح بندگی، توکل و محبت الهی را در دل انسان تقویت می‌کنند. این دعاها با زبانی ساده، اما پرمعنا، ارتباط مستقیم بنده با پروردگار را نشان می‌دهند و انسان را به یاد رحمت و مغفرت الهی می‌اندازند. همچنین محتوای آنها تربیتی است؛ به گونه‌ای که ایمان، اخلاق و اخلاق‌ورزی و مبانی اعتقادی در زندگی روزمره تقویت می‌شود. چند نمونه از این نوع دعا که حاوی ثنا و توصیف خداوند پاک است، ذکر می‌شود:

۱. «لااله الا الله العظيم الحليم لاله الاللة رب العرش العظيم لاله الاللة رب السموات ورب العرش الكريم؛ معبودی به حق نیست مگر الله بزرگ و بردبار. معبودی حق نیست مگر پروردگار عرش بزرگ. معبودی به حق نیست مگر پروردگار آسمان‌ها و زمین و عرش گرامی».

۲. «لااله الا الله وحده اعزجنده ونصرعبده و غلب الاحزاب وحده فلا شىء بعده؛ معبودی جز خدا نیست، یگانه است. سپاهش را عزت بخشید و بنده‌اش را یاری کرد و گروه‌های دشمن را به تنهایی شکست داد؛ پس چیزی پس از او (قدرتی برتر از او) وجود ندارد» (مسلم، ۱۴۱۲: حدیث ۱۱۰۰).

۳. «اللهم ربنا لك الحمد ملء السماوات والأرض و ملء ما بينهما، أهل الثناء والمجد، حق ما قال العبد وكلنا لك عبد؛ خدایا! پروردگار ما، ستایش از آن توست؛ به اندازه آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است. تو شایسته ستایش و بزرگی هستی. آنچه بنده‌ات گفت، حق است و همه ما بندگان توایم» (مسلم، ۱۴۱۲: حدیث ۱۱۰۰).

## نتیجه‌گیری

دعا در فرهنگ اسلامی مفهومی گسترده و عمیق دارد که هم در بُعد لغوی و هم در اصطلاح دینی به معنای ارتباط مستقیم بنده با پروردگار تبیین می‌شود. این ارتباط، نه صرفاً یک گفت‌وگوی لفظی، بلکه پیوندی روحانی است که جایگاه والایی در کتاب و سنت دارد. قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت معصومشان<sup>(ع)</sup> به شکل‌های گوناگون بر اهمیت و فضیلت دعا تأکید کرده‌اند و آن را وسیله‌ای برای تقویت ایمان، آرامش قلب و تعالی روح معرفی نموده‌اند.

دعا ابعاد متنوعی دارد؛ گاه به صورت نیایش فردی و راز و نیاز شخصی است و گاه جلوه‌ای اجتماعی یافته و در قالب دعا‌های جمعی، روح وحدت و همبستگی را میان مؤمنان تقویت می‌کند. افزون بر این، شرایط و آدابی برای استجاب دعا بیان شده است که رعایت آن‌ها، زمینه تقرب بیشتر به خداوند و امیدواری به تحقق حاجات را فراهم می‌سازد. در مقابل، مواعی نیز وجود دارد که می‌تواند مانع اجابت گردد و توجه به آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در کارآمدی دعا دارد. دعا هم جنبه معنوی و روحی دارد و هم می‌تواند بر ابعاد جسمی و روانی انسان اثرگذار باشد؛ به گونه‌ای که موجب آرامش، امید، رفع اضطراب و افزایش انگیزه در زندگی می‌شود. در قرآن کریم و روایات معصومان، برگزیده‌ترین دعاها که از سوی خداوند نازل شده و با از زبان پیامبران و اولیای الهی صادر شده، به‌عنوان الگویی ناب برای بندگان معرفی گردیده است؛ زیرا این دعاها مضامین جامع و هدایتگر دارند.

در کنار منابع دینی، سخنان اندیشمندان و تجربه‌های بشری نیز نشان می‌دهد که دعا آثار گسترده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی دارد. از ایجاد امید و نشاط فردی گرفته تا تقویت پیوندهای اجتماعی و اخلاقی، همه از ثمرات دعا است. بدین ترتیب، می‌توان گفت دعا فقط یک عمل عبادی نیست، بلکه ابزاری جامع برای رشد معنوی، آرامش درونی و سامان‌دهی زندگی فرد و جامعه است.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷ق)، *عدة الداعي و نجاح الساعي*، تهران: دار الکتب الإسلامی.
۲. ابن قیسرانی، محمد بن طاهر، (۱۴۱۶ق)، *ذخیره الحفاظ*، هند: دار الدعوة.
۳. ابن ماجه، محمد بن یزید، (۱۴۱۸ق)، *سنن ابن ماجه*، (مصصح: معروف، بشار عواد)، بیروت: دارالجلیل.
۴. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، (بی تا)، *سنن ابی داود*، (تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید)، قاهره: دارالین الجوزی.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل. (بی تا). *الأدب المفرد*، بی جا: بی نا.
۶. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، (۱۴۱۲ق)، *شعب الإیمان*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۷. ترمذی، محمد بن عیسی، (بی تا)، *سنن الترمذی*، بی جا: بی نا.
۸. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، (۱۴۰۷ق)، *الدعوات*، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عج).
۹. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۶۷ش). *میزان الحکمة*، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۱۰. مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق)، *صحیح امام مسلم*، (مصصح: عبدالباقی، محمد فؤاد)، قاهره: دار الحدیث.
۱۱. معین، محمد، (۱۳۸۶)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: نشر آدنا.



دوفصلنامه یافته‌های علوم قرآنی ❁ سال پنجم ❁ شماره نهم ❁ بهار و تابستان ۱۴۰۴ ❁ ۵

## بررسی مفهومی «مکر خداوند» با مؤمنان در پرتو آیات قرآن کریم

گلثوم نوری<sup>۱</sup> | سید محمد عالمی<sup>۲</sup>

### چکیده

مفهوم «مکر خداوند» از مفاهیم ژرف و پیچیده در قرآن کریم است که با چالش‌های تفسیری و کلامی متعددی مواجه است. این پژوهش با هدف بررسی چیستی و چرایی مکر خداوند در قبال مؤمنان، به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع قرآنی، روایی و آرای مفسران و متکلمان اسلامی صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مکر خداوند، برخلاف معنای رایج انسانی آن، نوعی تدبیر پنهانی، سنجیده و حکیمانه در چارچوب سنت‌های الهی مانند استدراج، امتحان، و تربیت روحی انسان است. تحلیل دیدگاه‌های مفسرانی همچون علامه طباطبایی، فخر رازی، زمخشری و همچنین آرای عرفانی ابن عربی و مولانا، نشان می‌دهد که مکر الهی با مؤمنان، بسته به واکنش ایشان، می‌تواند به بازگشت و تعالی یا سقوط و هلاکت منجر شود. بر این اساس، عواملی مانند خشیت از خدا، مراقبت از ایمان باطنی، و توسل به توبه و استغفار، از مهم‌ترین راهکارهای مصونیت از مکر الهی تلقی می‌شوند. این مطالعه می‌کوشد با بازخوانی دقیق منابع، نگاهی جامع‌تر و عمیق‌تر نسبت به سازوکارهای تربیتی مکر الهی در حیات مؤمنان ارائه دهد.

**کلیدواژه‌ها:** مکر خدا، استدراج انسان، بندگی، امتحان، تدبیر پنهان

۱. ماستری تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، افغانستان، کابل (نویسنده مسئول)

۲. دکترای کلام اسلامی و کدر علمی جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، افغانستان، کابل  
sm.alemi56@gmail.com

بررسی مفهوم «مکر» در قرآن کریم از جمله مباحث چالش‌برانگیزی است که توجه اندیشمندان علوم قرآنی و الهیات را به خود جلب کرده است. این واژه در زبان عرفی، اغلب معنای منفی دارد و با حیله، فریب و نیرنگ همراه است؛ اما وقتی به خداوند متعال نسبت داده می‌شود، معنای آن از چارچوب ذهنی رایج فاصله می‌گیرد و در بستری از حکمت، عدل و سنت‌های تربیتی الهی بازخوانی می‌شود. قرآن کریم در آیات گوناگون، خداوند را به عنوان «فاعل مکر» معرفی کرده و حتی او را «خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران: ۵۴) نامیده است. این تعبیر نه تنها با صفات جمالیه و کمالات الهی منافاتی ندارد، بلکه نشانگر تدابیر دقیق، پنهان و هدفمند او در هدایت و مدیریت هستی است.

در میان جلوه‌های مکر الهی، مکر خدا با مؤمنان از حساسیت و ظرافت بیشتری برخوردار است. در نگاه نخست، این تعبیر ممکن است پرسش‌برانگیز یا حتی چالش‌آفرین باشد؛ اما با تأمل در آیات و تحلیل‌های کلامی و تفسیری، روشن می‌شود که این نوع مکر نه بر پایه دشمنی، بلکه بر مبنای تدبیر تربیتی و حکیمانه است. مکر الهی با مؤمنان می‌تواند به عنوان ابزاری برای آزمون، پالایش درونی، آشکارسازی ضعف‌های پنهان، و فراهم‌سازی بستر رشد و تعالی معنوی آنان عمل کند. گاهی این مکر در قالب ابتلائات و بلاهایی که صبر، ایمان و صداقت فرد را می‌آزماید، جلوه می‌کند و گاهی در شکل نعمت‌هایی که در واقع هشدار پنهان برای بازگشت به مسیر حق هستند.

هدف این پژوهش، واکاوی دقیق مفهوم «مکر الهی» و تحلیل جامع ابعاد آن در پرتو آیات قرآن کریم است. در این مسیر، ابتدا به بررسی ریشه‌شناسی و معانی لغوی و اصطلاحی این واژه در قرآن و تفاسیر می‌پردازیم، سپس مصادیق قرآنی آن را استخراج و دسته‌بندی می‌کنیم. درک صحیح از مکر الهی، علاوه بر پیشگیری از برداشت‌های نادرست درباره صفات خداوند، موجب بیداری قلب، هوشیاری نسبت به لغزش‌ها، و مراقبت دائمی از ایمان می‌شود. چنین بینشی، مؤمن را به سوی تواضع، استغفار مداوم، و پناه بردن به خدا سوق می‌دهد و او را از غرور ایمانی و غفلت معنوی دور می‌سازد. از این رو، پرداختن به این موضوع نه یک بحث صرفاً نظری، بلکه ضرورتی برای زندگی ایمانی آگاهانه و مسئولانه است.





## ۱. مفاهیم

### ۱-۱. مکر

بر اساس آنچه در منابع معتبر لغوی مانند «لسان‌العرب» و «مفردات الفاظ قرآن» آمده است، واژه «مکر» (مَكْرٌ، يَمَكُرُ، مَكْرًا) به معنای «تدبیر پنهانی برای رسیدن به هدف» است. راغب اصفهانی تصریح می‌کند: «المَكْرُ، السَّعْيُ بِالْخَفَاءِ لِإِيصَالِ الشَّرِّ إِلَى غَيْرِهِ؛ یعنی مکر عبارت است از کوششی پنهانی برای آسیب رساندن به دیگری» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۰). در برخی منابع دیگر، معنای گسترده‌تری برای این واژه ذکر شده که شامل هرگونه برنامه‌ریزی پنهان، اعم از مثبت یا منفی، می‌شود (این فارس، ۱۴۰۴: ۵، ۲۵۰). بنابراین، مکر در نگاه صرفاً لغوی، بار معنایی منفی دارد، ولی بسته به کاربرد و نیت فاعل، می‌تواند بار ارزشی، خنثی یا حتی مثبت نیز به خود بگیرد.

### ۱-۲. خدع

واژه «خدع» از ریشه ثلاثی «خ-د-ع» مشتق شده و در لغت به معنای فریفتن، اغوا کردن، گمراه ساختن، یا نشان دادن چیزی غیر از واقعیت به کار رفته است. در «لسان‌العرب» آمده است: «خَدَعٌ يَخْدَعُ خَدْعًا: عَرَّ غَيْرَهُ وَأُظْهِرَ لَهُ خِلَافَ مَا يُبْطِنُ؛ یعنی کسی را فریب داد و چیزی را ظاهر کرد که با باطنش متفاوت است» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵، ۳۴۸). در «مفردات راغب» نیز این واژه به نوعی حیل‌گری اشاره دارد که فاعل آن، حقیقتی را پنهان و چیزی دروغین را عرضه می‌کند. «الخدع: إظهار غير ما تتطوي عليه النفس، بقصد الإضلال أو الغرور؛ خدع یعنی آشکار ساختن چیزی خلاف آنچه در دل نهفته است، با هدف گمراهی یا اغوا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۲).

در نتیجه، «خدع» را می‌توان پدیده‌ای دانست که در سطح ظاهر رخ می‌دهد، در حالی که «مکر» و «کید» عمق بیشتری در طراحی و نتیجه دارند.

### ۱-۳. مؤمن

واژه «مؤمن» از ریشه «أمن»، به معنای «ایمان آوردن»، «اطمینان یافتن»، و «مصدق کسی که چیزی را با قلب خود پذیرفته و به آن اعتقاد دارد» می‌آید. این واژه به مفهوم «اطمینان



قلبی» و «اعتقاد به چیزی به‌طور کامل» اشاره دارد (عبدالرحمن، بی‌تا: ۱۴۲). در اصطلاح فقهی، «مؤمن» به فردی گفته می‌شود که به اصول دین اسلام اعتقاد دارد، به‌ویژه به توحید، معاد و نبوت. این فرد نه تنها به عقاید صحیح دینی باور دارد، بلکه در عمل نیز از دستورات شرعی پیروی می‌کند. در متون دینی، مفاهیم «مؤمن»، «کافر» و «منافق» همواره در کنار یکدیگر قرار دارند و ویژگی‌های هر کدام از این افراد در قرآن و حدیث مشخص شده است. مؤمن به‌عنوان فردی که به اصول دینی ایمان دارد و در عمل نیز به آن پایبند است، در مقابل کافر قرار می‌گیرد که اصول دین را انکار می‌کند.

## ۲. مکر خداوند در قرآن

در قرآن کریم، واژه «مکر» در چندین آیه به‌طور خاص به خداوند نسبت داده شده است. در زبان عربی، واژه «مکر» به‌طور کلی به معنای تدبیر مخفیانه و تدابیر پنهانی برای فریب یا غافل‌گیری دیگران به کار می‌رود؛ اما وقتی این واژه در مورد خداوند به کار می‌رود، معنای آن تغییر کرده و در چارچوب حکمت و اراده الهی قرار می‌گیرد. لذا مکر خداوند در قرآن به‌عنوان تدابیری حکیمانه برای پاسخ به ظلم، فساد و نافرمانی است که در ادامه تبیین می‌گردد.

در قرآن کریم، مکر خداوند به‌عنوان یکی از ویژگی‌های الهی در مقابل مکر دشمنان دین و مؤمنان آمده است. این ویژگی الهی در مواقعی به کار می‌رود که دشمنان برای فریب یا آسیب رساندن به مؤمنان تدابیر پنهانی می‌اندیشند. در پاسخ به این مکر، خداوند تدابیری در پیش می‌گیرد که بر اساس حکمت و علم بی‌پایان او است. به عبارت دیگر، مکر خداوند به‌هیچ‌وجه از روی غفلت یا فریب نیست، بلکه به‌عنوان یک عمل حکیمانه برای تحقق اهداف الهی به کار گرفته می‌شود. مکر در آیات متعددی چون سوره آل‌عمران، انفال، و اعراف، طرح شده و یکی از ابعاد مهم این مفهوم، واکنشی بودن مکر الهی در برابر مکر انسان‌ها است.

مفهوم «مکر» در قرآن، از جمله مفاهیمی است که بار معنایی آن بسته به فاعل و زمینه آیه متفاوت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷، ۳۹۰). وقتی این واژه به انسان نسبت داده می‌شود، غالباً نشانه‌ای از حيله‌گری، فریب‌دادن، و تلاش‌های پنهانی برای گمراه کردن



دیگران است؛ رفتاری که از سر ظلم، حسد یا منفعت طلبی نشئت می‌گیرد؛ اما وقتی همین واژه به خداوند نسبت داده می‌شود، نباید آن را با همان معیارهای انسانی سنجید؛ زیرا افعال الهی همواره در چارچوب عدالت، حکمت، و علم مطلق او صورت می‌گیرد.

در قرآن آمده است: «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران: ۵۴) که در ظاهر، نشان‌دهنده واکنشی از سوی خداوند به مکر انسان‌هاست؛ اما در واقع، مکر الهی نه برای ظلم یا انتقام کورکورانه، بلکه به مثابه تدبیری پنهانی برای خنثی‌سازی نقشه‌های باطل و حفظ جریان حق و عدالت است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹، ۱۷۸). این‌گونه از مکر، عین عدالت و حکمت الهی است؛ زیرا از اساس بر علم مطلق خداوند و بر ارادهٔ حکیمانه استوار است که در جهت مجازات گناهکاران و حفظ جامعه از ظلم عمل می‌کند.

در روایات اسلامی نیز تأکید شده که مکر الهی تنها در پاسخ به اعمال ناشایست بندگان و پس از اتمام حجت بر آن‌ها رخ می‌دهد، نه به صورت ابتدایی و بی‌دلیل. خداوند هرگز به مکر و استهزا آغاز نمی‌کند، بلکه این اعمال، پاسخ عادلانه‌ای به عملکرد انسان‌هاست. بنابراین، مکر الهی دارای ویژگی‌هایی چون مخفی بودن، حکیمانه بودن و عادلانه بودن است، درحالی‌که مکر انسان‌ها اغلب از جهل، خودخواهی یا غرض‌ورزی نشئت می‌گیرد. در حدیثی آمده است:

عَلِيٌّ بْنُ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَخَّرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَعَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَعَنْ قَوْلِهِ وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَعَنْ قَوْلِهِ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَسْخَرُ وَلَا يَسْتَهْزِئُ وَلَا يَمَكُرُ وَلَا يُخَادِعُ وَكَانَتْ عَزَّ وَجَلَّ يُجَازِيهِمْ جَزَاءَ السُّخْرِيَّةِ وَجَزَاءَ الْإِسْتِهْزَاءِ وَجَزَاءَ الْمَكْرِ وَالْخَدِيعَةِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عَلُوًّا كَبِيرًا؛ عَلِيُّ بْنُ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَخَّرَ اللَّهُ مِنْهُمْ (خدا از آنان مسخره می‌کند)، و درباره سخن او: «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» (خدا آنان را استهزا می‌کند)، و درباره آیه: «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ» (آنان مکر کردند و خدا نیز مکر کرد)، و درباره سخن او: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ» (می‌خواهند خدا را فریب دهند و حال آنکه او فریب‌دهنده آنان است). امام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی نه مسخره می‌کند،



نه استهزا، نه مکر و نه فریب. بلکه خداوند آنان را به کیفر و جزایی همانند مسخره، استهزا، مکر و فریب مجازات می‌کند. خداوند بسیار برتر و والاتر است از آنچه ستمگران می‌گویند (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۶۳).

در نتیجه، مکر خداوند، برخلاف معنای رایج آن نزد انسان‌ها، نه نشان‌دهنده ظلم یا بی‌عدالتی، بلکه گویای تدبیر دقیق، نظام‌مند و حکیمانه‌ای است که در واکنش به مکر و ظلم انسان‌ها شکل می‌گیرد. این مکر، نشانه‌ای از رحمت و هدایت الهی برای کسانی است که به‌حق اندیشیده و عمل می‌کنند.

با نگاهی به تفاسیر بزرگان چون علامه طباطبایی، فخر رازی و مکارم شیرازی، می‌بینیم که آنان بر جنبه مجاز بودن این انتساب و نیز هدف‌دار بودن مکر الهی تأکید دارند. خداوند در برابر ظلم و نیرنگ، بی‌تفاوت نمی‌ماند، بلکه گاهی پرده‌ای از تدبیر را به‌گونه‌ای می‌کشد که ظالم، خود به سمت هلاکت می‌رود، بی‌آنکه بداند. درواقع مکر الهی نوعی سنت الهی برای اداره عادلانه جهان در برابر شر و فساد است و کاربرد آن، هم جنبه هشدار دارد و هم جنبه آرامش‌بخش برای مؤمنان.

در آیه «وَمَكْرُوا وَاللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران: ۵۴)، نکته‌ی ظریف آن است که خداوند خود را «خیرالماکرین» می‌نامد. این وصف به این معنا نیست که مکر یک ارزش ذاتی دارد، بلکه به این معنا است که خداوند در قدرت، تدبیر، و چاره‌اندیشی، فراتر از هر تدبیر پنهانی دیگر است. مکر انسان‌ها محدود، آلوده به نیت‌های ناپاک و گاه ناشی از جهل است، اما مکر خداوند در اوج علم، حکمت و قدرت واقع می‌شود و همواره به صلاح جامعه و پیروزی حق ختم می‌شود.

مکر خداوند یکی از مفاهیم پیچیده و عمیق در قرآن است که دارای معانی خاص خود می‌باشد. در اینجا، به بررسی و تحلیل برخی از آیات مرتبط با مکر الهی می‌پردازیم:

۱. وَمَكْرُوا وَاللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛ آن‌ها (کافران) مکر کردند و خداوند نیز مکر کرد، و خداوند بهترین مکرکنندگان است (آل عمران: ۵۴)

این آیه یکی از مشهورترین آیات قرآن در مورد مکر خداوند است. این نسبت دادن به خداوند، نباید به معنای فریب یا دروغ‌گویی باشد؛ زیرا خداوند برخلاف انسان‌ها که





ممکن است از مسیرهای غیراخلاقی برای رسیدن به هدف استفاده کنند، هیچ‌گاه از راه‌هایی غیراخلاقی بهره نمی‌برد. در تفسیر این آیه، مفسران مختلف به تفاوت مکر خداوند و مکر انسان‌ها اشاره کرده‌اند. مکر انسانی معمولاً با اهداف فریبکارانه همراه است؛ اما مکر خداوند نه برای فریب، بلکه برای تحقق عدالت الهی و تصرف در تقدیر انسان‌هاست (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳، ۳۵۳) مکر خداوند در واقع به‌عنوان نقشه‌ای برای عذاب یا مجازات کسانی که به ظلم و فساد پرداخته‌اند، طراحی می‌شود. بنابراین مکر الهی در اینجا به معنای تدبیر و برنامه‌ریزی در مقابله با کسانی است که به‌عنوان دشمنان دین و حقیقت عمل می‌کنند.

۲. **إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يَرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يُذْكَرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛** منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آن‌ها را فریب می‌دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند؛ و در برابر مردم ریا می‌کنند؛ و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند (نساء: ۱۴۲)

در این آیه، به کسانی اشاره می‌شود که با نفاق و تزویر در برابر خداوند و مسلمانان رفتار می‌کنند. این آیه درباره افرادی است که در ظاهر ایمان می‌آورند و در عبادات خود، ظاهر مسلمانی را حفظ می‌کنند؛ اما در حقیقت، خداوند را از دل نمی‌پرستند و در عمل به دنبال فریب دادن دیگران هستند. در اینجا، خداوند به این افراد پاسخ می‌دهد که آن‌ها نمی‌توانند خداوند را فریب دهند، بلکه خودشان در فریبند و مکر خداوند در اینجا به معنای ردّ نقشه‌ها و نقشه‌ریزی‌های پنهانی آن‌هاست.

۳. **وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ؛** آن‌ها نهایت مکر (و نیرنگ) خود را به کار زدند و همه مکرها (و توطئه‌هایشان) نزد خدا آشکار است، هر چند مکرشان چنان باشد که کوه‌ها را از جا برکنند (ابراهیم: ۴۶).

این آیه به بیان نهایت تلاش دشمنان حق در به‌کارگیری نیرنگ علیه پیامبران و دعوت الهی می‌پردازد. عبارت «وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ» اشاره دارد به اینکه آنان با تمام توان، پیچیده‌ترین و حساب‌شده‌ترین توطئه‌های خود را اجرا کردند. تعبیر «وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ» بیانگر این حقیقت است که هیچ تدبیر و نیرنگی از علم و احاطه الهی پنهان نیست، بلکه تمام نقشه‌ها

در پیشگاه خداوند حاضر و تحت کنترل اوست. بخش پایانی آیه، «وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ»، نشان‌دهنده شدت این مکرهاست؛ به‌گونه‌ای که اگر تأثیر آن بر کوه‌ها فرض شود، توان جابه‌جا کردن آن‌ها را خواهد داشت؛ اما با این وجود، در برابر اراده الهی بی‌اثر و بی‌ثمر می‌ماند.

بنابراین نسبت دادن «مکر» به خداوند به معنای حيله‌گری انسانی نیست، بلکه اشاره به مقابله حکیمانه و کیفر متناسب الهی با نقشه‌های باطل دشمنان دارد. مکر الهی در اینجا، همان خنثی‌سازی دقیق و هوشمندانه توطئه‌ها و بازگرداندن آثار آن به خود مکاران است. این بیان، پیام اطمینان‌بخشی به مؤمنان دارد که حتی اگر دشمنان از همه امکانات، قدرت‌ها و حيله‌ها بهره‌گیرند، تدبیر الهی فراتر از همه آن‌هاست و به‌گونه‌ای عمل می‌کند که نتیجه مکر، به زیان خود مکاران بازگردد. بدین‌سان، آیه با ترسیم عظمت نقشه‌های باطل و درعین‌حال، سلطه کامل خدا بر آن‌ها، بر سنت همیشگی پیروزی حق بر باطل تأکید می‌کند.

### ۳. نمونه‌های مکر خداوند در قرآن کریم

در موارد متعددی از آیات قرآن کریم سخن از «مکر الهی» به میان آمده است که به برخی از آن‌ها اشارت می‌کنیم.

#### ۱-۳. امر به هجرت و حفظ پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> از شر مشرکان

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرُجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَاكِرِينَ؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می‌کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند یا (از مکه) خارج سازند؛ آن‌ها چاره می‌اندیشیدند (و نقشه می‌کشیدند)، خداوند هم تدبیر می‌کرد و خدا بهترین چاره‌جویان و تدبیرکنندگان است (انفال: ۳۰).

این آیه به واقعه‌ای مهم در تاریخ اسلام اشاره دارد که نقطه عطفی در رسالت پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> به شمار می‌آید. مشرکان قریش، پس از ناکامی در بازداشتن مردم از پذیرش اسلام و شکست در مواجهه تبلیغی، تصمیم گرفتند با توطئه‌ای هماهنگ، پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را از میان



بردارند. قرآن این طرح را در سه مرحله بیان می‌کند: «لِيُثْبِتُوكَ» (حبس و محدودسازی در زندان)، «أَوْ يُقْتَلُوكَ» (قتل دسته‌جمعی با مشارکت نمایندگانی از تمام قبایل تا خون‌بها بر عهده قبیله‌ای خاص نباشد) و «أَوْ يُخْرِجُوكَ» (تبعید و اخراج از مکه). این تصمیم در «دارالندوه» گرفته شد و برای اطمینان از موفقیت، شبانه مأمورانی خانه پیامبر (ص) را محاصره کردند تا هنگام خواب، او را به قتل برسانند.

اما تدبیر الهی - که قرآن از آن با عبارت «وَيَمَكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ» یاد می‌کند - نقشه آنان را ناکام ساخت. پیامبر (ص) به فرمان خدا از خانه خارج شد، درحالی‌که مأموران در اطراف منزل بودند، و علی (ع) به جای آن حضرت در بستر خوابید تا توجه دشمنان جلب شود و آیه ۲۰۷ سوره بقره در شأن امام علی (ع) نازل شد. این هجرت، هم پیامبر اکرم (ص) را از خطر نجات داد، و هم زمینه‌ساز گسترش دعوت اسلامی در مدینه شد. نسبت «مکر» به خداوند در این آیه، به معنای مقابله هوشمندانه و دقیق با مکر دشمنان است، به‌گونه‌ای که نقشه‌های آنان را معکوس کرده و نتایجش را به زیان خودشان بازگرداند. پایان آیه، «وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَاكِرِينَ»، تأکید می‌کند که در هر رویارویی میان تدبیر باطل انسان‌ها و تدبیر الهی، اراده خداوند برتر و نافذتر است و پیروزی نهایی از آن حق خواهد بود.

## ۲-۳. عذاب و بلاهای ناگهانی

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ؛ آیا آن‌ها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟ درحالی‌که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی‌دانند (اعراف: ۹۹).

این آیه هشدار جدی و تکان‌دهنده‌ای است که انسان را از غرور، غفلت و احساس امنیت کاذب در برابر تدبیر و اراده الهی برحذر می‌دارد. «مکر خدا» در این جا نیز به معنای نقشه‌ها و تدابیر پنهان و دقیق الهی برای بازگرداندن نتیجه اعمال انسان به خود اوست؛ یعنی خداوند با شیوه‌هایی که بندگان نمی‌دانند، سرانجام اهل طغیان، ظلم و گناه را به کیفر رسانده و عواقب رفتارشان را آشکار می‌سازد. احساس امنیت از چنین تدبیری، معمولاً



از غفلت، طولانی شدن مهلت الهی و تصور باطلِ عدم تغییر وضعیت ناشی می‌شود. قرآن بیان می‌کند که تنها «قوم خاسر» یعنی زیان‌کاران واقعی، دچار چنین امنیت موهومی می‌شوند؛ زیرا آنان به جای بهره‌گیری از فرصت‌ها برای توبه و اصلاح، در مسیر باطل پافشاری کرده و گمان می‌کنند که مجازات یا تغییر تقدیر هرگز به سراغشان نخواهد آمد. این آیه یادآور می‌شود که مهلت دادن خداوند نشانه رضایت او نیست، بلکه بخشی از سنت الهی در آزمایش و اتمام حجت است. بنابراین، مؤمنان باید همواره میان خوف و رجا زندگی کنند، از غفلت بپرهیزند و به جای تکیه بر مهلت‌های ظاهری، به اصلاح نفس و عمل صالح بپردازند تا گرفتار «مکر» الهی نشوند.

#### ۴. عوامل ایجاد باور کاذب به ایمنی از مکر خدا

یکی از آموزه‌های ژرف و هشداردهنده در آموزه‌های وحیانی، مسئله «ایمنی از مکر خداوند» است؛ موضوعی که در آیات متعددی بازتابی پررنگ دارد. از جمله آیاتی که در این زمینه بسیار مورد توجه قرار گرفته، آیه شریفه أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (اعراف: ۹۹) است که در آن، قرآن با زبانی هشداردهنده، ایمنی از مکر الهی را تنها به زیان‌دیدگان نسبت می‌دهد و مؤمنان واقعی را از چنین آرامش کاذبی برحذر می‌دارد. عوامل ایجاد باور کاذب به ایمنی از مکر خداوند در آیات و روایات به‌گونه‌ای طرح شده که هم بعد اعتقادی، هم بعد اخلاقی و هم بعد رفتاری انسان را در برمی‌گیرد. برخی از این عوامل در ادامه بررسی می‌شود:

##### ۴-۱. ضعف در باور به علم و احاطه خداوند

یکی از عوامل اصلی ایجاد باور به ایمنی از مکر خداوند، ضعف در ایمان به علم مطلق و احاطه کامل خداوند است. کسانی که به علم الهی به نیت‌ها و اعمال آشکار و پنهان خود باور ندارند، دچار غفلت می‌شوند و احساس می‌کنند که از دید خداوند پنهان هستند. درحالی‌که قرآن می‌فرماید: «وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ؛ خداوند کافران را احاطه کرده است» (بقره: ۱۹).

## ۴-۲. تأخیر در مجازات الهی

خداوند در سنت خود، به گناهکاران فرصت توبه و بازگشت می‌دهد؛ اما برخی این تأخیر را نشانه نادیده گرفته شدن جرم خود پنداشته و در نتیجه ایمن از مکر الهی می‌شوند: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُؤَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُؤَلِّي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ آن‌ها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند،) تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آن‌ها، عذاب خوارکننده‌ای است» (آل‌عمران: ۱۷۸).

این آیه از یکی از سنت‌های مهم الهی پرده برمی‌دارد و آن، مهلت دادن خداوند به گناهکاران و کافران است. این مهلت، برخلاف پندار آنان، به معنای رضایت الهی یا نشانه امنیت و آسایش پایدار نیست، بلکه فرصتی است که در آن، به سبب ادامه گناه و اصرار بر کفر، بار مسئولیت و گناهشان سنگین‌تر می‌شود. خداوند از روی حکمت، برخی را بلافاصله مجازات نمی‌کند، بلکه به آنان مجال می‌دهد تا مسیر خود را تا نهایت ادامه دهند، تا حجت بر آنان تمام شود و استحقاق کامل عذاب را پیدا کنند. این مهلت ممکن است با نعمت‌های ظاهری، رفاه، قدرت یا پیروزی‌های مقطعی همراه باشد که باعث غرور و غفلت بیشتر آنان می‌گردد. چنین وضعیتی در حقیقت نوعی «استدراج» است؛ یعنی خداوند با فراهم کردن شرایط ظاهراً مطلوب، آن‌ها را گام‌به‌گام به نقطه سقوط می‌کشانند. آیه هشدار می‌دهد که پایان این مسیر، «عذاب خوارکننده و تحقیرآمیز» است؛ عذابی که نه تنها جسم، بلکه کرامت و عزت‌پنداری آنان را در هم می‌شکند. بنابراین، مؤمنان باید این سنت الهی را بشناسند و فریب رفاه و آسایش ظاهری گناهکاران را نخورند، بلکه آن را نشانه نزدیک شدن حساب الهی بدانند و از غفلت و غرور بپرهیزند.

## ۵. علائم ایمنی از مکر خدا

علائم ایمنی از مکر خداوند، نشانه‌هایی درونی و بیرونی هستند که نشان می‌دهند انسان در وضعیتی قرار گرفته که به گونه‌ای ناآگاهانه خود را از عذاب یا عتاب الهی در امان می‌پندارد. این حالت در آموزه‌های دینی و اخلاقی بسیار نکوهش شده و در زمره صفات رذیله قرار گرفته است. ایمنی از مکر خداوند، برخلاف آنچه به ظاهر آرامش‌بخش می‌نماید، از نگاه



دینی نوعی غفلت عمیق محسوب می‌شود. یکی از علائم بارز آن، افراط در خوش بینی به رحمت الهی است، تا آنجا که فرد بدون در نظر گرفتن عدالت، قهر و حسابرسی الهی، خود را مشمول دائمی بخشش خدا می‌پندارد. این تصور غلط باعث سستی در اعمال عبادی، سهل انگاری در پرهیز از گناه و کاهلی در خودسازی می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۶: ۴، ۲۹۶).

علامت دیگر، اصرار بر معصیت همراه با امید به مغفرت بی قید و شرط است. چنین فردی، بی توجه به وعده‌های الهی درباره کیفر گناهکاران، همچنان به گناه ادامه داده و بر این باور است که «خدا غفور است»، بدون اینکه توبه واقعی یا تغییر در مسیر زندگی اش داشته باشد. این نگاه، نوعی سوء استفاده از اسماء جمالی خداوند، مانند غفور و رحیم است، در حالی که اسماء جلالی مانند منتقم و شدید العقاب را نادیده می‌گیرد (پایگاه خبری اهل بیت).

یکی دیگر از نشانه‌های ایمنی از مکر الهی، تکیه بر عبادات صوری و ظاهری بدون روح تقوا و خشیت است. چنین فردی ممکن است اعمال عبادی را تنها به عنوان رفع تکلیف انجام دهد، بی آنکه درون خود را پالایش دهد یا نیت خالصی داشته باشد. این حالت به ویژه در کسانی دیده می‌شود که به ظاهر دیندارند، ولی در باطن به خود مغرور و از حسابرسی الهی غافل اند (مطهری، ۱۳۹۶: ۴، ۱۵۷).

از دیگر نشانه‌های خطرناک، رضایت از وضعیت موجود بدون تلاش برای رشد معنوی است. انسانی که از تهذیب نفس، ترک رذایل، تحصیل فضایل و تقرب به خدا غافل باشد، به تدریج گرفتار ایمنی از مکر الهی می‌شود. چنین فردی گمان می‌برد که راه را یافته، در حالی که از مسیر اصلی دور شده و در معرض سقوط اخلاقی و معنوی قرار دارد. عدم توجه به تغییرات تدریجی در وضعیت دینی و اخلاقی نیز از دیگر نشانه‌هاست. قرآن در مواردی از تدریجی بودن سلب نعمت‌ها و ابتلاها سخن گفته که انسان‌ها به دلیل غفلت و ایمنی کاذب متوجه آن نمی‌شوند: «سَسْتَدْرِيْهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ» (اعراف: ۱۸۲).

در مجموع، هرگاه انسان احساس کند که از مجازات الهی در امان است و هیچ ترس و هراسی از انحراف، گناه یا غضب خدا در او نباشد، باید نسبت به حالت خود نگران باشد. بزرگان دین از این حالت به عنوان نوعی «غرور معنوی» یاد کرده‌اند که به مراتب از غرور مادی خطرناک‌تر است.

## ۶. آثار ایمنی از مکر خدا

ایمنی از مکر خداوند، حالتی است که انسان به واسطه غفلت، غرور یا اعتماد بی جا به رحمت الهی، خود را از عذاب و مؤاخذة الهی در امان می‌پندارد. این حالت در آموزه‌های دینی به شدت نکوهش شده و آثار زیان‌باری برای فرد دارد. در ادامه، به برخی از این آثار می‌پردازیم:

### ۱-۶. غفلت از مسئله استدراج

استدراج مصدر باب استفعال از ریشه «دَرَجَ» در لغت به معنی آرام آرام نزدیک ساختن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴، ۳۲۰) استدراج عبارت است از دادن نعمت به دنبال نعمت برای مشرکان تا درجه درجه پایین بیایند و به ورطه هلاکت نزدیک شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰، ۴۶). یکی از پیامدهای خطرناک ایمنی از مکر الهی، گرفتار شدن در دام «استدراج» است. در این حالت، فرد گناهکار به دلیل عدم مجازات فوری، دچار توهم امنیت می‌شود و حتی ممکن است نعمت‌های بیشتری دریافت کند. این نعمت‌ها او را از استغفار و بازگشت به سوی خدا غافل می‌سازد.

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> عَنِ الْإِسْتِدْرَاجِ فَقَالَ هُوَ الْعَبْدُ يُدْنِبُ الذَّنْبَ فَيَمْلَى لَهُ وَتُجَدَّدُ لَهُ عِنْدَهَا النَّعْمُ فَيَتْلَاهِ عَنِ الْإِسْتِغْفَارِ مِنَ الذُّنُوبِ فَهُوَ مُسْتَدْرَجٌ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ؛ از امام صادق <sup>(ع)</sup> درباره استدراج پرسیده شد. فرمود: استدراج آن است که بنده گناهی انجام می‌دهد، پس به او مهلت داده می‌شود و در همان حال نعمت‌های تازه‌ای به او داده می‌شود و این نعمت‌ها او را از استغفار و بازگشت از گناهان غافل می‌سازد. پس او به گونه‌ای که خود نمی‌داند، به تدریج (به سوی عذاب) کشانده می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۴۵۲).

### ۲-۶. انتقام ناگهانی و نابودی

قرآن کریم هشدار می‌دهد که کسانی که از مکر خدا ایمن می‌شوند، ممکن است ناگهان گرفتار عذاب الهی شوند: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ؛ پس چون آنچه را که به آن تذکر داده شده بودند فراموش کردند، درهای هر چیزی را به رویشان گشودیم تا وقتی که به آنچه داده شده



بودند شاد شدند، ناگهان آنان را گرفتیم، پس ناامید شدند» (انعام: ۴۴)

این آیه بیانگر سنت الهی در مورد غفلت‌پیشگان و افرادی است که از تذکرات و هشدارهای پیامبران رویگردان می‌شوند. خداوند می‌فرماید: وقتی آنان آنچه را که به آن یادآوری شده بودند، فراموش کردند، درهای نعمت‌ها و امکانات را به رویشان گشودیم؛ این وفور نعمت، به جای بیداری، موجب غفلت بیشترشان شد، تا آن‌که در اوج شادی و دلخوشی به آنچه داشتند، ناگهان عذاب الهی فرارسید و در نهایت، در ناامیدی فرورفتند. این آیه، هشدار می‌دهد که فراوانی نعمت همیشه نشانه رضایت الهی نیست، بلکه گاه مقدمه عذابی سنگین است که در حالت غفلت و بی‌خبری فرود می‌آید.

## ۲. اصلاح تفکر «ایمن شدن از مکر خدا»

تفکر «ایمن شدن از مکر خداوند» به معنای غفلت، غرور یا خودفریبی نسبت به تدبیر الهی است که در متون دینی به عنوان یک خطای مهم شناخته شده است. اصلاح این نگرش و آگاه شدن به واقعیت مکر خداوند می‌تواند موجب تحول اساسی در رابطه انسان با خداوند شود. این اصلاح یا «درمان» نیازمند فرایندی چند مرحله‌ای است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم:

۱. شناخت درست از صفات خدا: یکی از ریشه‌های ایمنی از مکر خدا، تصور نادرست از صفات الهی است. برخی افراد تنها به رحمت و مغفرت الهی توجه دارند و از عدل و قهر او غافل می‌شوند: «فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ» (اعراف: ۹۹).

۲. از بین بردن غرور، عجب و غفلت: ایمنی از مکر خدا ناشی از صفاتی چون جهل، غرور، عجب و غفلت است. مرحوم نراقی در معراج السعاده می‌نویسد: «اگر غفلت از عظمت الهی باشد، باعث آن جهل و نادانی است؛ اگر از تکیه به رحمت الهی باشد، غرور است و اگر از اعتماد بر عمل خود باشد، عجب است» (نراقی، ۱۳۷۸: ۲۵۵) این صفات مهلک، انسان را به ایمنی کاذب از مکر الهی می‌کشاند.

۳. تقویت خوف الهی: خوف از خدا یکی از راه‌های مؤثر برای اصلاح تفکر «ایمن شدن از مکر خدا» است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» از خدا





بترسید شاید رستگار شوید» (آل عمران: ۱۰۲) این ترس و احترام عمیق نسبت به خداوند، انسان را از غرور و بی‌توجهی به مشیت الهی بازمی‌دارد. وقتی که فرد خوف واقعی از خدا داشته باشد، نمی‌پندارد که می‌تواند از تدبیر الهی در امان بماند و در نتیجه از مکر خدا غفلت نمی‌کند. این ترس موجب می‌شود که همواره در مسیر بندگی و رعایت حدود الهی بماند و از گناه و کوتاهی در حق خدا و خلق خود دوری کند. به این ترتیب، تقویت خوف الهی زمینه‌ساز تقویت ایمان، تواضع و اصلاح نگرش نسبت به مشیت و حکمت خداوند می‌شود و انسان را از خطای ایمن پنداشتن خود نسبت به مکر الهی بازمی‌دارد و او را در جمع اولیای خدا قرار می‌دهد که مقام والایی است. چنانکه قرآن فرمود: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند» (یونس: ۶۲)

۴. عمل به سیره اهل بیت<sup>(ع)</sup>: ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> همواره از مکر الهی بیم داشتند و می‌توان این رویه آنان را به عنوان یک سیره در نظر داشت. عمل به سیره اهل بیت<sup>(ع)</sup> یکی از راه‌های مهم اصلاح تفکر غلط «ایمن شدن از مکر خدا» است. اهل بیت<sup>(ع)</sup> کسانی بودند که هرگز خود را از مکر و تدبیر الهی مصون نمی‌دانستند و همواره با توکل، خشیت و تواضع در برابر مشیت خداوند حرکت می‌کردند. این نگرش موجب می‌شد که آن‌ها حتی در سخت‌ترین شرایط، از توکل به خدا و امید به رحمت او دست برندارند و هرگز مغرور به امنیت ظاهری نشوند. بنابراین، عمل به سیره آنان، یعنی تقویت ایمان، رعایت تقوا و دوری از غرور که همه این‌ها راه‌هایی است برای رفع توهّم ایمن بودن از مکر خدا و قرار گرفتن در مسیر اصلاح و رشد معنوی واقعی. این رفتار، انسان را به تداوم مراقبت از ایمان و تذکر دائمی نسبت به رحمت و تدبیر الهی وامی‌دارد.

۵. دعا و تضرع به درگاه الهی: دعا و تضرع به درگاه الهی یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌ها برای اصلاح تفکر «ایمن شدن از مکر خدا» است. این نوع تفکر که ناشی از غرور، خودبزرگ‌بینی و نادیده گرفتن تدابیر الهی است، می‌تواند انسان را از حقیقت رحمت و حکمت خداوند دور سازد و زمینه سقوط معنوی او را فراهم کند. در مقابل، دعا و تضرع، راهی است برای نزدیک شدن به خداوند، پذیرش ضعف و نیازمندی خود و یادآوری



همیشگی این نکته که همه امور تحت مشیت و تدبیر الهی است.

در قرآن کریم، دعا وسیله ارج‌گذاری به انسان محسوب می‌شود. «قُلْ مَا يُعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ...؛ بگو پروردگرم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد» (فرقان: ۷۷) از سوی دیگر، در روایات نیز آمده است که دعا و استغاثه به خداوند، موجب تقویت رابطه انسان با خدا می‌شود و در اصلاح نفس و افزایش خشیت و تواضع نقش اساسی دارد. به عنوان مثال، رسول خدا<sup>(ص)</sup> فرمودند: (الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَعَمُودُ الدِّينِ؛ دعا اسلحه مؤمن و ستون دینداری است) (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۴۶۸) این بدان معناست که دعا، ابزاری است که مؤمن به کمک آن در برابر مشکلات، آزمون‌ها و مکرهای الهی مقاومت می‌کند و در عین حال همیشه در مسیر تواضع و بندگی باقی می‌ماند. بنابراین دعا و تضرع به درگاه الهی، وسیله‌ای برای بازنگری در باورها، اصلاح نگرش و گام نهادن در مسیر تقویت ایمان است که می‌تواند انسان را از خطر غرور و احساس کاذب ایمنی از مکر خداوند حفظ کند و او را به آرامش واقعی و یقین الهی برساند.

### نتیجه‌گیری

تحلیل آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که تعبیر «مکر الهی» در نگاه نخست ممکن است با صفات جمالی خداوند همچون رحمت، عدل و حکمت ناسازگار به نظر برسد؛ اما با بررسی متن آیات و زمینه‌های معنایی قرآن روشن می‌شود که مکر خداوند معنایی متفاوت و عمیق‌تر دارد. این مکر، نه نوعی نیرنگ یا حيله‌گری به مفهوم انسانی، بلکه تدبیری دقیق، پنهان و عادلانه است که خداوند نسبت به بندگان اعمال می‌کند، چه مؤمن و چه غیر مؤمن.

مصادیق مختلف مکر الهی با مؤمنان در قرآن بسیار متنوع است. گاه این مکر به صورت کيفرهای دنیوی نسبت به گناهان و لغزش‌های مؤمنان جلوه می‌کند که هدف آن تربیت و تنبیه است؛ به گونه‌ای که تلنگری به انسان وارد می‌شود تا بازتابی درونی یافته و راه بازگشت به حق را بیابد. در مواردی دیگر، مکر الهی خود را در قالب ابتلائات و آزمایش‌هایی نشان می‌دهد که هرچند سخت و دشوارند، اما زمینه‌ساز رشد معنوی، تهذیب نفس و ارتقای



روحانی انسان‌اند. همچنین، مکر خداوند می‌تواند از طریق عبور دادن مؤمن از مسیرهایی پریچ‌وخم و مملو از دشواری باشد تا با توکل و تسلیم عمیق‌تر، به کمال انسانی دست یابد. بنابراین، مکر الهی نه انتقام‌گور بلکه فرآیندی حکیمانه است که سنت‌های الهی همچون استدراج، فرصت‌بازگشت و تربیت باطنی را تحقق می‌بخشد.

این تحقیق نشان می‌دهد که درک درست از مکر الهی نیازمند بیداری دل، خشیت از خدا، مراقبت از نفاق درونی و استفاده از ابزارهایی مانند توبه، استغفار و توسل به رحمت الهی است. مکر خداوند نوعی تربیت پنهان است که در دل عدالت مطلق الهی جای گرفته و می‌تواند منجر به بازسازی معنوی یا سقوط نهایی انسان شود. این مکر، حکمت عمیقی دارد که با قهر بی‌منطق همراه نیست و ترکیبی از لطف سنجیده، دقت و هدفی بلند در مسیر تربیت انسان است. سنت الهی، فرصتی برای بیداری و بازگشت انسان است، اما اگر فرد دچار غرور و غفلت شود، همین فرصت‌ها به ابزار سقوط او تبدیل می‌شوند.

قرآن کسانی را که از مکر خدا ایمن می‌دانند زیانکار معرفی می‌کند؛ چراکه ایمنی کاذب، ناشی از نادانی نسبت به عظمت و دقت سنت‌های الهی است. این غفلت، انسان را در دام خودبینی گرفتار کرده و راه هدایت را مسدود می‌کند. در نهایت، مکر الهی تنها مربوط به قوم یا حادثه‌ای خاص نیست بلکه پیامش عمومی و برای همه انسان‌ها، به‌ویژه اهل ایمان، است. این پیام دعوتی است برای بازنگری در نیت‌ها و اصلاح اعمال؛ زیرا رحمت و عدالت خداوند دو بالی هستند که مسیر الهی را شکل می‌دهند و مکر الهی می‌تواند نردبانی برای تعالی یا پرتگاهی برای سقوط باشد، که این به واکنش انسان در برابر سنت‌های خداوند بستگی دارد.

## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

الف) کتابها

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ ق)، التوحید (للمصدق)، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل الرسول، قم: انتشارات اسلامی.
۳. ابن منظور، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، (تحقیق: علی ناصف)، بیروت: دار صادر.
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، (۱۳۶۶)، غرر الحکم ودرر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالقلم.
۶. ری شهری، محمد محمدی، (۱۴۳۳ ق)، میزان الحکمه، قم: دار الحدیث.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. عبدالرحمن، طه، (بی تا)، الحق العربی، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
۹. قرائتی، محسن، (۱۳۸۶)، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶)، آشنایی با قرآن، تهران: انتشارات صدرا.
۱۲. نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی، (۱۳۷۸)، معراج السعادة، قم: مؤسسه انتشارات هجرت،

ب) سایتها

13. <https://wiki.ahlolbait.com/>(<https://wiki.ahlolbait.com>).

14. <https://hawzah.net>. (<https://hawzah.net.com>).